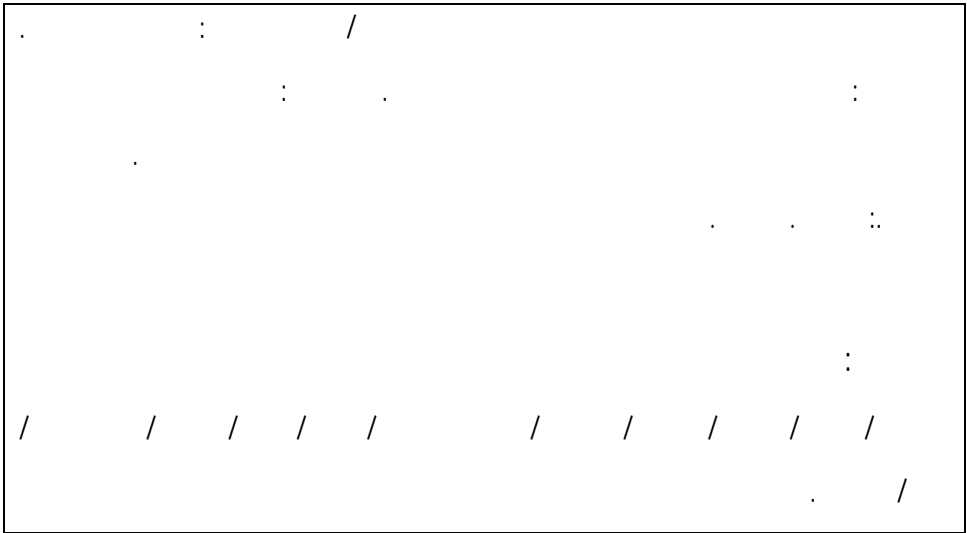


**بررسی تولید و بازار
پيله و ابريشم در ايران و جهان**

:

:

:



:

:

:

:

:

:

:

:

<http://www.agri-peri.ir>

E.mail: aperi @ agri-peri.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
و	پيشگفتار
۱	فصل اول: نوغانداري، توليد پيله و ابريشم در ايران
۲	بخش اول:
۲	۱-۱- مقدمه
۴	۲-۱- نوغانداري در ايران
۶	۱-۲-۱- ويژگيهاي اقتصادي و اجتماعي نوغانداري
۷	۲-۲-۱- صنعت نوغانداري و ابريشم در اقتصاد خرد و کلان
۸	۲-۲-۳- ميزان اشتغال زايي بالقوه و بالفعل صنعت نوغانداري
۸	۲-۲-۴- وضعيت بخشهاي تخصصي صنعت نوغان ايران
۸	۱-۲-۴-۱- بازار نهال توت
۹	الف- بررسي توجيه اقتصادي توليد نهال توت
۹	۱-۲-۴-۲- بازار تخم نوغان
۱۰	الف- تقاضاي ساليانه تخم نوغان داخل کشور
۱۰	ب- کانالهاي بازررسانی تخم نوغان
۱۲	ج - توليد و قيمت فروش تخم نوغان در ايران طی سالهاي ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۶
۱۳	د- امکان صادرات تخم نوغان
۱۳	۵-۲-۱- سهم استانها در فعاليتهاي نوغانداري
۱۵	۶-۲-۱- اهميت نوغانداري از ديدهگاه پرورش دهندگان
۱۵	۷-۲-۱- مشكلات نوغانداري
۱۶	۸-۲-۱- ضرورت حمايت دولت از نوغانداري
۱۷	بخش دوم:
۱۷	۱-۲- تحولات توليد پيله و ابريشم در ايران
۱۸	۲-۲- مراکز توليد ابريشم در ايران
۱۸	۳-۲- نقاط قوت و پتانسيلهاي توليد پيله و ابريشم در ايران
۲۰	۴-۲- بازار پيله
۲۱	۱-۴-۲- روند خريد تضميني پيله تر
۲۳	۵-۲- کارخانههاي توليد ابريشم
۲۴	۶-۲- بازار نخ ابريشم

صفحه	عنوان
۲۵	۱-۶-۲- تقاضای سالیانه نخ ابريشم در داخل کشور
۲۵	۲-۶-۲- نقش مثبت و منفی واسطه‌ها در تجارت پيله و ابريشم
۲۶	۳-۶-۲- مقایسه قیمت ابريشم داخلی و خارجی
۲۶	۷-۲- محصولات ابريشمی در ایران
۲۷	۸-۲- مشکلات تولید پيله و ابريشم در ایران
۲۸	بخش سوم:
۲۸	۱-۳- وضعیت تولید و اشتغال صنعت فرش دستباف در ایران
۲۸	۲-۳- صادرات فرش
۲۹	۱-۲-۳- روند صادرات فرش دستباف ایران
۳۰	۳-۳- ساختار بازار فرش صادراتی ایران
۳۰	۱-۳-۳- تعریف بازار
۳۱	۲-۳-۳- ساختار بازار
۳۱	۳-۳-۳- روشهای اندازه‌گیری قدرت انحصار بازار
۳۲	۴-۳-۳- نحوه جمع‌آوری آمار و اطلاعات لازم
۳۲	۵-۳-۳- نتایج محاسبه شاخص نسبت تمرکز و تغییرات آن در بازار صادراتی فرش
۳۳	۴-۳- دلایل کاهش تقاضای جهانی فرش دستباف از دید کارشناسان
۳۵	فصل دوم: وضعیت موجود بازار پيله و نخ ابريشم در جهان
۳۶	۱-۲- مقدمه
۳۶	۲-۲- موقعیت جهانی تولید ابريشم
۴۰	۳-۲- تقاضا برای ابريشم خام در کشورهای تولیدکننده
۴۰	۴-۲- قیمت ابريشم و کالاهای ابريشمی
۴۱	۵-۲- کشورها و مناطق تولیدکننده عمده ابريشم در جهان
۴۱	۱-۵-۲- برزیل
۴۲	۲-۵-۲- چین
۴۴	۳-۵-۲- هند
۴۶	۴-۵-۲- ژاپن
۴۸	۵-۵-۲- جمهوری کره
۴۹	۶-۵-۲- تایلند
۴۹	۷-۵-۲- ویتنام
۵۰	۶-۲- مصرف محصولات ابريشمی در جهان

صفحه	عنوان
۵۰	۲-۷- تجارت ابریشم در جهان
۵۵	فصل سوم: نتایج و پیشنهاد
۵۶	جمع‌بندی
۶۲	نتیجه‌گیری و پیشنهاد
۶۴	منابع و مأخذ
۶۷	ضمیمه: نمونه پرسشنامه مورد استفاده در طرح

فهرست جداول

صفحه	عنوان
۵	جدول شماره ۱- سطح زیرکشت، میزان تولید و عملکرد محصول توت نوغان به تفکیک استان در سال ۱۳۸۴
۱۲	جدول شماره ۲- تولید و قیمت فروش تخم نوغان از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۶
۱۴	جدول شماره ۳- سهم مناطق در گسترش تولید تخم نوغان
۱۷	جدول شماره ۴- تولید و قیمت پيله و ابريشم از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۶
۲۶	جدول شماره ۵- تولید سنتی محصولات ابريشمی غیرفروش در ایران
۳۰	جدول شماره ۶- صادرات فرش دستباف ایران و مهم‌ترین واردکنندگان فرش از ایران در سال ۱۳۸۵
۳۳	جدول شماره ۷- شاخص نسبت تمرکز و تغییرات آن در بازار صادراتی فرش دستباف ایران طی سالهای ۱۳۷۷-۸۵
۳۷	جدول شماره ۸- تولید پيله تر (تن) در بعضی از کشورهای جهان
۳۸	جدول شماره ۹- ارزش صادرات ابريشم در کشورهای مختلف جهان طی سالهای ۲۰۰۱-۲۰۰۵
۳۹	جدول شماره ۱۰- ارزش واردات ابريشم در کشورهای مختلف جهان طی سالهای ۲۰۰۱-۲۰۰۵
۴۱	جدول شماره ۱۱- میانگین قیمت یک کیلوگرم پيله تر در سالهای ۲۰۰۱-۲۰۰۲
۴۵	جدول شماره ۱۲- درصد توزیع پردازش پارچه‌های ابريشم خام فروخته شده حسب نوع
۴۷	جدول شماره ۱۳- تعداد نوغاندار و تولید پيله و ابريشم در ژاپن
۴۷	جدول شماره ۱۴- تعداد کارگاه‌ها، میزان مصرف ابريشم و تولید پارچه در ژاپن
۴۸	جدول شماره ۱۵- هزینه تمام شده و قیمت پيله (کیلوگرم) در ژاپن

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۱۰	نمودار شماره ۱- کانال‌های توزیع تخم نوغان در استان گیلان
۱۱	نمودار شماره ۲- کانال‌های توزیع تخم نوغان در استان خراسان
۱۹	نمودار شماره ۳- فرایند تبدیل پیله به محصولات ابریشمی
۲۱	نمودار شماره ۴- کانال‌های بازاریابی پیله تر
۲۳	نمودار شماره ۵- کانال‌های بازاریابی پیله خشک

پيشگفتار:

کرم ابريشم بمنظور توليد پيله و ابريشم خام پرورش داده می‌شود. قرن‌ها پيش از اين راز اعجاب آور استحصال الياف ابريشم از پيله ای که در آب گرم قرار گرفته و نرم شده بود کشف گردید و از آن زمان پرورش کرم ابريشم و استفاده از تار آن بعنوان نخي محکم و ظريف، در بافت پارچه‌های زیبا و با دوام، در مناطقی از جهان که شرایط و امکانات مساعد اين فعاليت را در اختيار داشتند رواج یافت. پرورش کرم و توليد پيله ابريشم از فعاليت‌های بخش کشاورزی محسوب شده و عمليات ابريشم کشی، توليد نخ، بافت پارچه و ساير فراورده‌های ابريشمی در حوزه صنعت قرار می‌گیرند. بنابراین دوام و رونق فعاليت‌های نوغانداری و توسعه صنايع ابريشم به يکديگر وابسته می‌باشند. کرم ابريشم، بومی کشور چین است که از چهار هزار سال پيش از ميلاد مسيح به حالت وحشی وجود داشته است. در افسانه‌های چین آمده است که از حدود سه هزار سال پيش از ميلاد، در کشور باستانی چین پروانه ابريشم را اهلی کرده و تخم آن را پرورش داده‌اند و ابريشم توليدي را به قيمت گران به کشورهای ديگر صادر می‌کرده‌اند. چین در دنيا مهد نوغانداری بوده و اولین کشور در جهان است که با استفاده از برگ درخت توت مبادرت به پرورش کرم ابريشم نموده و پس از نخکشی از پيله منسوجات ابريشمی تهيه نموده است و دارای سابقه پنج هزار ساله در نوغانداری می‌باشد. چین از گذشته به عنوان توليدکننده عمده پارچه ابريشمی شناخته شده است. علاوه بر آن سابقه ابريشم در اشعار رزمی دو هزار سال پيش هندوها، وصيت نامه حزقل (حزقبال) نبی در عهد عتيق، نوشته‌های ارسطو درباره کرم ابريشم و درخشان‌تر از همه در تاريخ گذشته ايران ثبت می‌باشند.

قدمت چند هزار ساله در تاريخ نوغانداری پيش از ۵۰ کشور را در بر می‌گیرد و تفاوت در ميزان توليد پيله به شرایط گوناگون توسعه اقتصادی - اجتماعی اين کشورها باز می‌گردد.

نواحی عمده توليد ابريشم در مناطق معتدل و نيمه گرمسیری آسیا بين مدار ۲۰ درجه تا ۴۰ درجه شمالی قرار گرفته و ۶۰ درصد یا معادل دوسوم پيله توليدي جهان، در چین و ژاپن توليد می‌شود. هند، روسيه و جمهوری کره جنوبی در رده‌های بعدی قرار دارند.

در گذشته کل محصول ابريشم چین و ژاپن از جاده ابريشم و از ايران به سوی آسیای صغیر و اروپا ارسال می‌شده است. در اين دوران، ايران یکی از بزرگترین توليدکنندگان نوغان و سومين کشور ابريشم خيز محسوب می‌شده است. در زمان صفويه پيله ابريشم و پارچه قسمت عمده صادرات ايران را تشکیل می‌داده است.

تاريخ کهن ابريشم جهان گواهی موثر بر حضور ايرانيان در توليد و تجارت اين محصول و توليد بافته‌های ابريشمی نفيس از زمانهای دور تا به امروز می‌باشد. قطعات باقی مانده از پارچه‌های ابريشمی و زربفت دوران ساسانيان که در موزه‌های ويکتوریا، لنینگراد و برلن نگهداری میشوند، قدیمی‌ترین نمونه‌های موجود صنعت و هنر ايرانيان در استفاده از ابريشم محسوب می‌شوند.

ابریشم از جمله الياف طبیعی نادر است که دارای خواص فیزیکی و شیمیایی خاصی می‌باشد. اين خواص موجب استفاده از اين ماده طبیعی در صنايع نظامی، مخابراتی و پزشکی گردیده است. مقاومت زیاد، خاصیت ارتجاعی قابل توجه، جاذب الرطوبه بودن، خاصیت رنگ پذیری زیاد، هدایت الکتریکی ضعیف و مقاومت در مقابل حرارت زیاد، از جمله خواصی است که اسباب کاربرد آن را در بسیاری از صنايع فراهم آورده است.

ابریشم علاوه بر تولید البسه جهت ساختن چتر نجات، تودوزی لاستیک، مواد عایق الکتریکی، رگ‌های مصنوعی خون و نخ جراحی نیز بکار گرفته می‌شود.

با فشردن شفیره کرم ابریشم نوعی روغن حاصل می‌شود که برای ساختن صابون و قالب‌گیری مورد استفاده قرار می‌گیرد. با عمل آبدهی آن (هیدرولیز) نوعی پروتئین عصاره‌گیری می‌شود که شامل آمینو اسیدها و ویتامین B2 می‌باشد. از طرفی کرم ابریشم موسکاردینی و شفیره موسکاردینی در طب چینی استفاده دارند.

از مدفوع کرم ابریشم ماده خام مهمی به نام فیتول (PHITOL) استخراج می‌شود که در ساختن ویتامین E و K و کلروفیل کاربرد دارد. همچنین از آن در ساختن کربن فعال و ورقه‌های پلاستیکی مقاوم به عملیات اسید زنی استفاده می‌شود. مدفوع کرم ابریشم سرشار از پروتئین بوده و برای تغذیه ماهی، خوک، گاو شیری و گوسفندان و به عنوان کود آلی نیز استفاده می‌شود.

از جنبه اقتصادی، با تولید پیله مرغوب در مدت زمان کوتاه ۴۰ روز، درآمدی جنبی برای زحمتکشان روستایی حاصل می‌شود که موجب دلگرمی آنان می‌باشد. با توجه به این که از هر قوطی تخم نوغان با روش صحیح پرورش، بین ۳۰ تا ۴۰ کیلو پیله به دست می‌آید، هر خانواده روستایی می‌تواند با پرورش چند قوطی تخم نوغان گام موثری در افزایش درآمد خود بر دارد.

پرورش کرم ابریشم آسانترین رشته در بخش کشاورزی می‌باشد، طول دوران بهره‌برداری ۳۵ تا ۴۰ روز است و هیچ زراعتی در این مدت کوتاه محصول نمی‌دهد. زمان محصول آن در اواخر بهار و هنگامی است که هیچیک از محصولات کشاورزی به بار نیامده و کشاورز در بحرانی‌ترین فصل سال به پول نیاز دارد. از طرف دیگر این فعالیت مانع از انجام سایر عملیات کشاورزی نمی‌شود. یعنی زارع می‌تواند توام با کشت پنبه و برنج و چای، این فعالیت اقتصادی را انجام دهد. طرز پرورش و تغذیه کرم ابریشم بسیار جالب است و مخصوصاً دگردیسی کرم ابریشم و تغییر شکل و رنگ کرم‌ها در زمان پرورش و تنیدن پیله به حدی مشغول‌کننده است که پرورش‌دهنده را به ذوق آورده و بدان علاقه‌مند می‌شود. ولیکن این فعالیت مانند سایر فعالیتهای اقتصادی، اگر از مزیت و سودآوری مناسبی برخوردار نباشد، دچار مشکل ورکود شده و جای خود را به دیگر امور درآمدزا می‌دهد.

گزارش حاضر در دوفصل به وضعیت نوغانداری و تولید پیله تر و مصارف آن، در ایران و جهان پرداخته است. در فصل اول طی دوبخش مشکلات نوغانداری و تولید پیله تر و ابریشم و بازار آنها در ایران تحلیل گردیده و بخش سوم نیز به فرش که تنها صنعت مصرف‌کننده عمده ابریشم ایران بوده و همچنین بازار آن، اختصاص یافته است. در فصل دوم تولید ابریشم در کشورهای تولیدکننده عمده آن، بررسی شده و در پایان نتیجه‌گیری و پیشنهاد ارائه گردیده است.

فصل اول:

نوغانداري، توليد پيله و ابريشم در ايران

بخش اول:

۱-۱- مقدمه

مدارک تاریخی، سابقه پرورش کرم و تولید ابریشم در ایران را، حداقل هم دوره با تجارت پارچه‌های ابریشمی بین چین و اروپای غربی (که از طریق جاده ابریشم صورت می‌گرفته و ایران نیز در مسیر آن قرار داشته است) و به عبارتی حدود ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد مسیح نشان می‌دهند. بعضی مورخین نیز تولید پارچه‌های ابریشمی در ایران را به اوایل قرن چهارم میلادی در زمان حکومت ساسانیان نسبت می‌دهند. این رشته فعالیت در طول زمان به تبع تحولات اقتصادی و سیاسی، دستخوش تغییرات زیادی گردیده و تجارت آن با رونق و رکود همراه شده است. در دوران حکومت قاجار به علت شیوع بیماری در کانون پرورش کرم ابریشم ایران بسیاری از تولید کنندگان متضرر گردیده و تقریباً پس از این دوره بحران، هیچگاه شرایط تولید به رونق پیشین باز نگشت.

در سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی قیمت فروش پنبه در بازار آزاد افزایش چشمگیری پیدا کرد و بر قیمت ابریشم خام هم افزوده شد. تفاوت شدید بین قیمت ابریشم داخلی و خارجی باعث قاچاق ابریشم گردید که به صنعت نوغانداری کشور لطمه زیادی وارد ساخت و دولت را ناچار از دخالت در بازار و کاهش قیمت پنبه نمود.

در سال ۱۳۵۹ شرکت سهامی مطالعات و تحقیقات پرورش کرم ابریشم تاسیس گردید و سرمایه اولیه این شرکت از محل انتقال داراییهای بخش کشاورزی شرکت پنبه ورتامین گردید.

نوغانداری و تولید نخ ابریشم فعالیتی است که به دلیل اهمیت اقتصادی، با وجود نوسانات شدید همواره پا بر جا مانده و با آنکه در برهه‌هایی از زمان به مرحله نزول و انحطاط رسیده، معهذاً هیچگاه از اهمیت آن کاسته نشده و همواره جایگاه اقتصادی خود را در تولید قالی‌های مشهور ابریشمی، پارچه‌های خوش نقش و پر ارزش و دیگر فراورده‌های ابریشمی حفظ نموده، از نسلی به نسل دیگر و از زمانی به زمان دیگر منتقل گردیده است.

این فعالیت و گسترش صحیح آن در مناطق مستعد کشور می‌تواند به عنوان یک برنامه اساسی در جهت رفع پاره‌ای از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و افزایش سطح اشتغال در کشور مورد استفاده قرار گیرد و علاوه بر آن در جهت تامین نیازهای ارزی در قالب اقتصاد بدون نفت کشور نقش عمده ای را بر عهده داشته باشد.

خصوصیات اقتصادی و اجتماعی این فعالیت را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

- حجم سرمایه گذاری و پراکنش سرمایه در فعالیت‌های توسعه نوغانداری در مقایسه با سایر فعالیت‌های تولیدی دیگر کمتر بوده و زمان بازگشت سرمایه از برخی رشته‌های دیگر سریعتر می‌باشد.
- امکان استفاده از منابع غیر قابل استفاده آب و خاک کشور با اجرای طرح‌های توسعه نوغانداری فراهم خواهد شد، زیرا کاشت درخت توت در حاشیه رودخانه‌ها، آبراهه‌ها، مسیل‌ها، جاده‌ها، حاشیه روستاها و اطراف مزارع بصورت تک درخت یا توتستان‌های مجتمع میسر بوده و علاوه بر آن با بهره‌گیری از این اراضی از شتتسوی خاک و از بین رفتن پوشش گیاهی جلوگیری خواهد شد.

- درخت توت دارای ریشه‌های عمیق بوده و می‌تواند در خاک‌های مختلف استقرار و دوام داشته باشد. علاوه بر آن این درخت بیشتر از سایر گیاهان باغی به خشکی مقاوم است و می‌تواند بصورت دیم و نیمه دیم کاشته شود. دوران باردهی توتستان کوتاه است و پس از سه سال برگ تولیدی آن به مصرف تغذیه کرم ابریشم می‌رسد. عمر بهره دهی توتستان نیز طولانی بوده (۱۵ تا ۲۰ سال) و می‌تواند با عملکرد زیاد، بهره دهی موثر اقتصادی داشته باشد.
- ارزش افزوده فعالیت‌های پرورش کرم ابریشم در زمانی کوتاه به دست می‌آید (حدود ۴۰ روز) و بازده این فعالیت نسبت به زمان انجام آن از هر فعالیت کشاورزی و دامپروری دیگر پرسودتر می‌باشد. ارزش افزوده پرورش توت قابل ملاحظه بوده و بازگشت سرمایه در این فعالیت در مقایسه با فعالیت‌های مشابه سریعتر است.
 - در دوره زمانی پرورش کرم ابریشم سایر فعالیت‌های کشاورزی محدود بوده و کشاورزان می‌توانند با استفاده از امکانات محلی و نیروی انسانی ارزان و بیکار فصلی، حداکثر استفاده را داشته باشند.
 - پرورش کرم ابریشم علاوه بر تمامی نیروهای فعال سطح روستاها امکان بکارگیری بخش غیر فعال جامعه روستایی نظیر زنان، کودکان و سالخورده‌گانی که توان انجام کارهای سنگین کشاورزی را ندارند، را نیز فراهم می‌سازد
 - با ایجاد محل درآمد اضافی برای روستائیان، این فعالیت می‌تواند به عنوان یکی از راه‌های جلوگیری از مهاجرت آنها به شهر مورد استفاده قرار گیرد.
 - زمان کسب درآمد از این فعالیت زمانی است که کشاورز در انتظار تولید محصول جدید بوده و در تنگنای مالی قرار دارد و برای تامین نیازهای مالی خود ناگزیر از بیش فروشی محصولات زراعی خود می‌باشد.
 - با توسعه فعالیت‌های تولید ابریشم، امکان توسعه صنایع بزرگ ابریشم، از جمله نخ کشی و پارچه بافی فراهم شده و با بهبود کیفیت تولید امکان صادرات فرآورده‌های ابریشمی - که دارای ارزش افزوده زیادی هستند - فراهم خواهد گردید.
 - صنایع واسطه ای بین تولید پيله و محصولات نهایی شامل خشک کردن پيله، پخت پيله، نخ کشی، نخ تابی، ورتایی، سفیدگری، صمغ زدایی و رنگرزی، فرصت‌های شغلی مناسبی را در زنجیره تولید و تبدیل ابریشم بوجود می‌آورند. توسعه فعالیت نوغانداری و تولید ابریشم به توسعه فعالیت‌های ارزشمند قالی بافی، جاجیم بافی و بافت منسوجات دستی کمک می‌کند و زمینه ایجاد فعالیت‌های جدید صنعتی را فراهم می‌سازد.
 - فعالیت توسعه نوغانداری ارزبری محدودی دارد که در شرایط حاضر منحصر به خرید بخشی از تخم نوغان وارداتی می‌باشد ولی ارزآوری این محصول چنانچه تا مرحله تولید ابریشم خام صادراتی باشد بسیار زیاد و اگر به مرحله تولید قالی و پارچه‌های مورد نیاز بازارهای جهانی برسد بسیار قابل ملاحظه خواهد بود.
- تولید ابریشم و صنایع ابریشمی ایران با بیش از ۲۶۰۰ سال سابقه تاریخی، از فعالیت‌های روستایی ارزنده ای است که با وجود نوسانات بسیار، همواره ادامه یافته است. جایگاه ویژه این فعالیت در ایران، با توجه به قدمت تاریخی، به تامین نیازهای صنایع مستظرف دستی و پارچه‌های منقش و زیبا و همچنین به مصرف ابریشم در صنعت فرش‌بافی ایران مربوط می‌شود. قالی ابریشمی ایران که از شهرت و اعتبار جهانی فراوانی برخوردار است در حال حاضر بیش از ۹۰

درصد مصرف ابریشم کشور را به خود اختصاص داده است. ارزش افزوده فراوان حاصل از تبدیل صنعتی ابریشم به فرآورده‌های ابریشمی، امکان افزایش ظرفیت‌های صنعتی کشور در این زمینه را نوید می‌دهد.

۱-۲- نوغانداری در ایران

طبق آمار، گیلان با ۵۷ درصد از کل تولید کشور، استان عمده تولیدکننده پنبه ترمیباشد. ولیکن مشاغل زیادی که در سراسر کشور، در بخش کشاورزی و صنعتی، ایجاد می‌نماید، میلیون‌ها نفر و یا به قولی حدود ۱۲ درصد نیروی کار کشور را در مقطعی از سال بخوبی در بر می‌گیرد. این شاغلین در زنجیره تولید، تبدیل و تجارت محصول نهایی یعنی فرش در نقاط مختلف کشور پراکنده‌اند. پنبه نوغاندار گیلانی، مازندرانی، خراسانی به عنوان ماده خام، اساس گردش چرخ اقتصاد میلیون‌ها کارگر ریسنده، تابنده و رنگرز است و به تعبیری پایه یکی از اقلام مهم صادرات غیرنفتی است.

در استان گیلان هنوز صنایع دستی تولید ابریشم یکی از راههای مهم کسب معاش برای روستائیان کم زمین و بی زمین محسوب می‌شود. دستگاه قدیمی پاچال که برای بافت انواع پارچه‌های ابریشمی به کار می‌رفت، هنوز در گوشه و کنار منازل روستایی گیلان مشاهده می‌شود.

درختان توت نوغان جهت تغذیه کرم ابریشم، کشت و نگهداری می‌گردند. بعلاوه چوب درخت توت از کیفیت خوبی برخوردار است و از شاخه‌های آن جهت ساختن برخی ادوات کشاورزی و همچنین از پوست آن برای ساختن کاغذهای اعلا، فیبر و نئوپان استفاده می‌شود. میوه آن خوراکی بوده و در صنایع تخمیری نیز استفاده دارد. کشت درخت توت و پرورش کرم ابریشم در بیشتر مناطق روستایی بعنوان یک شغل جنبی تلقی شده و در مناطقی که در تمام طول سال امکان پرورش کرم ابریشم باشد، بعنوان یک فعالیت اصلی محسوب می‌گردد.

علیرغم تکثیر بعضی واریته‌های اصلاح شده توت و توزیع آن در سطح استان گیلان و بعضی استان‌های دیگر، اغلب مناطق فاقد نهال‌های توت اصلاح شده می‌باشند. سطح زیر کشت، میزان تولید و عملکرد توت نوغان به تفکیک استان در سال ۱۳۸۴ در جدول شماره یک آمده است.

جدول شماره ۱: سطح زیر کشت، میزان تولید و عملکرد محصول توت نوغان به تفکیک استان در سال ۱۳۸۴

عملکرد کیلوگرم در هکتار	میزان تولید تن		سطح کشت باغات با احتساب درختان پراکنده - هکتار							نام استان
			بارور				غیر بارور			
			آبی	دیم	جمع	آبی	دیم	جمع	آبی	
۰	۱۱۹۵۱/۲۲	۰	۹۸۰	۸۲	۰	۸۲	۲	۰	۲	آذربایجان شرقی
۰	۱۲۰۰۰	۰	۲۴	۲	۰	۲	۰	۰	۰	اردبیل
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۱	چهارمحال و بختیاری
۰	۳۱۳۰/۹۵	۰	۲۶۳	۸۴	۰	۸۴	۱۵	۰	۱۵	خراسان جنوبی
۰	۲۳۷۸/۳۶	۰	۳۴۵۱	۱۴۵۱	۰	۱۴۵۱	۱۰۷	۰	۱۰۷	خراسان رضوی
۰	۴۱۴۰/۷۸	۰	۱۰۳۰/۳	۲۵۱	۰	۲۵۱	۳۲	۰	۳۲	خراسان شمالی
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۲/۵	۰	۲/۵	زنجان
۰	۴۲۰۰	۰	۲۱	۵	۰	۵	۰	۰	۰	سیستان و بلوچستان
۰	۵۱۳۶/۸۴	۰	۲۴۴	۴۷/۵	۰	۴۷/۵	۴۷/۵	۰	۴۷/۵	فارس
۸۳۶۲/۲	۹۱۹۵/۲۹	۱۱۱۵۱	۲۷۳/۱	۱۳۶۲/۲	۱۳۳۳/۵	۲۹/۷	۲۳۴/۵	۲۴۲	۱۰/۵	گلستان
۱۰۶۸۶/۶۶	۱۱۰۰۰	۱۲۱۵۰/۲	۴۹۵	۱۱۴۱۴/۵	۱۱۳۶۹/۵	۴۵	۲۵۳	۲۵۳	۰	گیلان
۵۷۱۶/۱	۷۰۰۰	۵۱۸۰/۵	۲۸۰	۹۵۶/۳	۹۰۶/۳	۴۰	۷۴	۵۶	۱۸	مازندران
۰	۱۰۵۱۲/۱۷	۰	۲۴۱۷/۸	۲۳۰	۰	۲۳۰	۳۴	۰	۳۴	یزد
۱۰۱۲۷/۸۹	۴۱۸۱/۰۲	۱۳۷۸۳۳/۵	۹۴۷۹/۲	۱۵۸۷۶/۵	۱۳۶۰۹/۳	۲۲۶۷/۲	۸۲۰/۵	۵۵۱	۲۶۹/۵	جمع کل کشور

همانگونه که در جدول شماره یک مشاهده می‌گردد استان گیلان با بیش از ۱۱ هزار هکتار بیشترین سطح زیر کشت توتستان را دارد و استان‌های خراسان رضوی و گلستان با ۱۴۵۱ و ۱۳۶۳ هکتار رده‌های بعدی را به خود اختصاص داده‌اند. بیشترین عملکرد برگ نوغان حدود ۱۲ تن در هکتار است که به آذربایجان شرقی و اردبیل تعلق دارد. استان‌های گیلان و گلستان با ۱۰ و ۹ تن در هکتار در رتبه‌های بعدی قراردارند. آمارنشان می‌دهد که کشورهای پیشرفته نوغاندار در مورد افزایش تولید برگ توت در هر هکتار بسیار موفق بوده‌اند. گزارش‌هایی نیز مبنی بر امکان برداشت حدود ۷۰ تن برگ توت در هکتار با استفاده از کشت‌های متراکم و انبوه موجود است. بنابراین کشور ما فاصله زیادی با عملکرد جهانی دارد. لذا بنظر می‌رسد که ارتقا بهره‌وری زمین‌های زیر کشت توت از طریق به‌زراعی و جایگزینی واریته‌های بومی با واریته‌های پر محصول و یا پیوند نمودن واریته‌های پر محصول روی این درختان، اولین قدم در راه توسعه نوغانداری بشمار می‌آید، زیرا بدون نیازه‌های افزایش سطح کشت، امکان برداشت بیشتر فراهم شده و از طرف دیگر با بهبود میزان درآمد نوغانداران، انگیزه آنها افزایش خواهد یافت. همچنین توجه بیشتر به توتستان‌های موجود از نقطه نظر آبیاری، هرس، وجین، کوددهی و مبارزه با آفات و بیماری‌ها در افزایش راندمان موثر می‌باشد.

در سال ۱۳۵۷، جهت احیا و بازسازی نوغانداری و صنایع ابریشم، که علاوه بر تامین اشتغال، در رونق صنعت قالی‌بافی در سطح روستا می‌توانست موثر باشد، اقدامات مختلفی صورت گرفت و سرانجام به تشکیل شرکت سهامی مطالعات و تحقیقات پرورش کرم ابریشم ایران انجامید.

این شرکت برابر ماده واحده مصوب شورای انقلاب اسلامی ایران و پس از تصویب اساسنامه قانونی در سال ۱۳۵۹ آغاز به کار کرد. در مجمع عمومی این شرکت وزرای کشاورزی، دارایی، بازرگانی، صنایع و رئیس سازمان برنامه و بودجه عضویت داشتند.

۱-۲-۱- ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی نوغانداری

خصوصیات اقتصادی و اجتماعی این فعالیت را می‌توان بشرح زیر مورد بررسی قرار داد:

- حجم سرمایه گذاری و پراکنش سرمایه در فعالیت نوغانداری در مقایسه با سایر فعالیت‌های تولیدی دیگر کمتر بوده و زمان بازگشت سرمایه از برخی رشته‌های دیگر سریعتر می‌باشد.
- از منابع غیرقابل استفاده آب و خاک کشور در طرح‌های توسعه نوغانداری می‌توان بهره برداری نمود، زیرا امکان کاشت درخت توت در کنار کانالهای حاشیه رودخانه‌ها، آبراهه‌ها، مسیل‌ها، جاده‌ها، حاشیه روستاها و اطراف مزارع بصورت تک درخت یا توتستان‌های مجتمع میسر بوده و علاوه بر آن با بهره‌گیری از این اراضی از شتشیوی خاک و از بین رفتن پوشش گیاهی اراضی جلوگیری خواهد شد.
- گونه درخت توت دارای ریشه‌های عمیق بوده و می‌تواند در خاکهای مختلف استقرار و دوام داشته باشد. علاوه بر آن این درخت بیشتر از سایر گیاهان باغی به خشکی مقاوم است و بصورت دیم و نیمه دیم کاشته میشود.
- دوران باردهی توتستان کوتاه بوده و ظرف سه سال برگ تولیدی آن به مصرف تغذیه کرم ابریشم میرسد. عمر بهره‌دهی توتستان نیز طولانی است. (۱۵ تا ۲۰ سال)
- ارزش افزوده فعالیت‌های پرورش کرم ابریشم در زمانی کوتاه ایجاد می‌شود (حدود ۴۰ روز) و بازده این فعالیت نسبت به زمان انجام آن از هر فعالیت کشاورزی و دامپروری دیگر پر سود تر می‌باشد.
- پرورش کرم ابریشم زمانی صورت می‌گیرد که سایر فعالیت‌های کشاورزی در مناطق پرورش محدود بوده و کشاورزان می‌توانند با استفاده از امکانات محلی و نیروی بیکار فصلی، حداکثر استفاده را داشته باشند.
- پرورش کرم ابریشم علاوه بر اشتغال تمامی نیروهای فعال سطح روستاها، امکان بکارگیری بخش غیر فعال جامعه روستایی مانند زنان، کودکان و سالخوردگان که توان انجام کارهای سنگین کشاورزی ندارند را نیز، فراهم می‌سازد
- این فعالیت با ایجاد درآمد جنبی برای روستائیان، می‌تواند به عنوان یکی از راههای جلوگیری از مهاجرت آنها به شهرها مدنظر قرار گیرد.
- زمان تامین نقدینگی بوسیله این فعالیت موقعی است که کشاورز با انتظار تولید محصول جدید در تنگنای مالی قرار گرفته و در همین زمان اغلب کشاورزان برای تامین نیازهای مالی خود ناگزیر به سلف فروشی محصولات زراعی خود می‌باشند.

- با توسعه فعاليت‌های توليد ابريشم، امکان توسعه صنايع بزرگ وابسته از جمله نخ كشي و پارچه بافي فراهم شده و با بهبود كيفيت توليد، امکان صادرات فراورده‌های ابريشمی كه دارای ارزش افزوده بالایی خواهند بود، فراهم خواهد گرديد.
 - صنايع واسطه ای بين توليد پيله و محصولات نهايي كه شامل صنايع خشك كردن پيله، پخت پيله، نخ كشي، نخ تابی، ورتابی، سفيدگري، صمغ زدایی و رنگرزی می‌باشد، سطوح وسیعی از اشتغالات روستایی و شهری نقاط مختلف كشور را پوشش داده و فرصت‌های شغلی مناسبی را در زنجيره توليد و تبديل ابريشم بوجود می‌آورند.
 - توسعه فعاليت‌های نوغانداری و توليد ابريشم به توسعه فعاليت‌های ارزشمند قالی بافي، جاجيم بافي و بافت منسوجات دستی كمك می‌كند و زمينه ايجاد فعاليتهاي جديد صنعتی را فراهم می‌سازد.
 - فعاليت‌های توسعه نوغانداری ارزبري محدودی دارد كه در شرایط حاضر منحصر به خريد بخشی از تخم نوغان وارداتی می‌باشد ولی ارزآوری اين محصول چنانچه تا مرحله توليد ابريشم خام صادراتی باشد بسيار زياد و اگر به مرحله توليد قالی و پارچه‌های مورد نیاز بازارهای جهانی برسد چشمگیر خواهد بود. شایان توجه است كه امكانات بالقوه و بالفعل زیر براهمیت اقتصادی و اجتماعی این محصول می‌افزاید:
- نیروی كار فراوان، وجود درختان توت فراوان، شرایط مناسب اقلیمی در بعضی نقاط، سابقه و نیز تجربه و آشنایی نوغانداران به این حرفه، اشتغال حدود ۵۰ هزار خانوار نوغاندار، وجود كارگاههای متعدد فرش بافي، امکان استفاده از نیروی افراد خانواده، موقعیت زمانی مطلوب پرورش كرم ابريشم با توجه به موعد كشت و كار سایر محصولات كشاورزی، سازگاری درختان توت با شرایط مختلف اقلیمی كشور، امکان كاشت و توسعه نهال توت در نقاط حاشیه‌ای، خودكفا بودن در توليد تخم نوغان و نهال توت و عدم نیاز به واردات آنها، امکان توليد تخم نوغان تا سه برابر میزان كنونی، توانایی صادرات تخم نوغان و نهال توت، در اختیار داشتن دانش فنی توليد تخم نوغان، وجود زمينه‌های مناسب برای گسترش فعاليت‌های نوین كرم ابريشم، امکان استفاده از تلمبارها در فصول غير پرورش برای سایر مصارف، وجود متقاضیان اشتغال در صنايع كوچك روستایی و خانگی، وجود نیروهای متخصص و با تجربه، سابقه تاریخی كشور در توليد پارچه‌های ابريشمی، امکان استفاده از تسهیلات بانکی و دولتی، نیاز به ابريشم برای توليد برخی محصولات صادراتی به ویژه فرش، قدمت و غنای فرهنگي ديرين این صنعت در كشور، امکان تبديل پيله به نخ و افزایش ارزش افزوده آن.

۱-۲-۲- نوغانداری و ابريشم در اقتصاد خرد و كلان

ابريشم در جهان به عنوان كالایی لوکس و گران‌قيمت شناخته شده است، و محصولات آن نیز از ارزش افزوده بالایی برخوردار است. كلیه فعاليت‌های نوغانداری از مرحله توليد تخم نوغان نژاد تا نخ ابريشم، دارای ارزش افزوده زيادی است كه اثرات آن را می‌توان در سطح در آمد روستائیان، صنعتگران و واسطه‌ها دید. بافت منسوجات ابريشمی ایرانی از قبيل صنايع دستی، گلیم، جاجيم و فرش موجب ايجاد درآمد برای بخشی از جامعه به صورت مستقیم و غيرمستقیم می‌گردد. چنانچه بافت فرش‌های ابريشمی همچون گذشته با مصرف نخ‌های ابريشمی با كيفيت مطلوب و رنگ‌های طبیعی صورت گیرد، منجر به ارز آوری بیشتر و به تبع آن شكوفائی اقتصادی می‌شود. به طور کلی

فعالیت‌هایی نظیر نخ کشی از پيله، عمل‌آوری نخ خام، دوباره‌تابی و رنگرزی، تولید فرش‌های دستباف و صادرات آنها علاوه بر ایجاد درآمد برای کاربران این حرفه‌ها، باعث ایجاد درآمد ارزی برای کشور می‌شود.

ایران با توجه به کیفیت تخم نوغان خود که از قدرت رقابت بالایی برخوردار است، در سال ۱۳۸۰ با دو هزار جعبه و در سال ۱۳۸۱ با ۳۳۸۵۰ جعبه یکی از صادرکنندگان تخم نوغان به کشورهای آسیای میانه بود. اما متأسفانه به دلیل عرضه تخم نوغان چینی که قیمت کمتری دارد این بازارها از دست رفت.

۱-۲-۳- میزان اشتغال‌زایی بالقوه و بالفعل این صنعت

از ویژگی‌های بارز این صنعت به علاوه نقش مؤثر در صنعت فرش، اشتغال‌زایی آن است. در صنعت ابريشم از مرحله نوغانداری تا تبدیل نهایی، مشاغل زیادی وجود دارد که بعضاً مشاغل دائمی می‌باشند. دست‌اندرکاران تولید تخم نوغان هیبرید، پرورش‌دهندگان هیبرید، تبدیل‌کنندگان پيله به نخ، عمل‌آوران نخ خام، تابندگان نخ، رنگرزان، بافندگان فرش، فروشندگان فرش، واسطه‌ها و تجار از جمله این مشاغل می‌باشند. به این ترتیب اشتغال‌زایی در فعالیت‌های نوغانداری از طیف وسیعی برخوردار است. در حال حاضر حدود ۵۰ هزار خانوار روستایی در ایران در کار پرورش کرم ابريشم هستند و تعداد افراد شاغل در خرید پيله تر تا مرحله بافندگی در صنایع ابريشم و فرش‌های ابريشمی به حدود دو میلیون نفر به طور مستقیم و غیرمستقیم می‌رسد. در این راستا، هم از طریق استفاده از ضایعات ابريشمی و تنوع در محصولات ابريشمی می‌توان برای خانواده‌های روستایی اشتغال و درآمد ایجاد کرد. البته اگر چنانچه کاربرد ابريشم در بخش‌های پزشکی، دارویی، غذایی، بهداشتی، آرایشی نیز رواج داده شود می‌تواند به سهم خود اشتغال بیشتری ایجاد نمود.

۱-۲-۴- وضعیت بخش‌های تخصصی صنعت نوغان ایران

۱-۲-۴-۱- بازار نهال توت

مهمترین عنصر برنامه ریزی در نوغانداری، ایجاد توتستان است. نکاتی که باید مورد توجه قرار گیرد، شامل سطح زیرکشت، مکان کشت، برنامه کشت سالانه، تخمین برگ تولیدی سالانه، مقدار کل پرورش سالانه و مقدار کل پيله تولیدی در سال بعد خواهند بود، همچنین باید به مدیریت فنی توجه خاص مبذول شود و توصیه می‌گردد که یک دورنمای همه جانبه از وضعیت اقتصادی منطقه در دست باشد.

کشت و نگهداری درختان توت جهت پرورش کرم ابريشم فعالیتی ضروری است. درخت توت دارای محصولات فرعی از جمله چوب خوبی نیز می‌باشد که از شاخه‌های آن جهت ساختن برخی ادوات کشاورزی و همچنین از پوست آن برای ساختن کاغذهای اعلا، فیبر و نئوپان استفاده می‌شود. میوه آن خوراکی بوده و در صنایع تخمیری نیز استفاده می‌گردد.

در حال حاضر به دلیل عدم رغبت کشاورزان به توسعه فعالیت‌های نوغانداری، فقط با دریافت یارانه احتمال خرید نهال توت وجود دارد. در سال‌های اخیر از طریق طرح طوبی در وزارت جهاد کشاورزی، برای یک اصله نهال توت اصلاح شده مبلغ ۱۰۰۰ ریال یارانه به تولیدکننده پرداخت شد و نوغانداران فقط ۲۰۰ ریال پرداخت کردند و به این علت متقاضی برای نهال توت وجود داشت. با استفاده از اعتبارات طرح طوبی از سال ۷۹ تا ۸۳، حدود یک میلیون اصله نهال توت در کشور توزیع شد. اگر بازار خرید پيله بهبود یابد، میزان تقاضا برای نهال توت نیز افزایش می‌یابد ولیکن در

صورت ادامه روند نزولی کنونی، تقاضا برای نهال توت هم سیر نزولی پیدا خواهد کرد. در حال حاضر بعضی نوغانداران معتقدند اختصاص زمین به کشت سایر محصولات کشاورزی درآمد بیشتری عاید آنها می‌کند. این کشاورزان از حجم پرورش سالیانه خود کاسته و حتی برخی از آنها توتستان خود را تخریب کرده‌اند.

الف- بررسی توجیه اقتصادی تولید نهال توت

از آنجایی که نگهداری توتستان به منظور تکثیر نهال توت نیاز به هزینه زیادی دارد، لذا در شرایط فعلی یا باید تکثیر نهال توت توسط بخش دولتی انجام شود و یا این که پرداخت یارانه طرح طوبی برای نهال توت در برنامه چهارم توسعه نیز تداوم داشته باشد. چنانچه تقاضا برای خرید نهال توت ادامه نداشته باشد لازم است تلاش‌ها برای ترویج کاشت نهال توت در گیلان و سایر استان‌ها آغاز شود و حتی به منظور تشویق کشاورزان نهال‌های توت به صورت رایگان عرضه شود. زیرا با توجه به تخریب توتستان‌ها توسط بعضی از نوغانداران احتمال دارد نوغانداری با خطر کمبود درخت توت مواجه شود هرچند در صورت وجود توجیه اقتصادی برای تولید پیله، تولید نهال توت هم توجیه اقتصادی خواهد داشت..

با توجه به موارد فوق‌الذکر لازم است هر ساله اعتبار لازم برای مبارزه با آفات و بیماری‌ها خصوصاً برای توتستان‌های وسیع و از جمله توتستان‌های شرکت سهامی پرورش کرم ابریشم ایران پیش‌بینی شود. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد اغلب نوغانداران برگ توت مورد نیاز کرم‌ها را خودشان تولید می‌کنند و در صورت نیاز بیشتر، از کشاورزان دیگر تهیه می‌نمایند. برخی از نوغانداران نیز تمام نیاز تغذیه کرم‌ها را خریداری می‌کنند.

۱-۲-۴- بازار تخم نوغان

پیش از انقلاب اسلامی ایران، مصرف تخم نوغان هیبرید کشور حدود ۱۰۰ هزار جعبه بود که از کشورهای ژاپن، چین، کره و غیره وارد می‌گردید. اهمیت نوغانداری در ارتقاء درآمد و سطح زندگی خانوار روستایی، افزایش تقاضا برای پرورش کرم ابریشم رابه دنبال داشت و سالانه مبالغ هنگفتی ارز، به منظور واردات تخم نوغان از کشور خارج می‌شد. با تشکیل شرکت سهامی پرورش کرم ابریشم ایران (در سال ۱۳۵۹)، امکان تولید تخم نوغان مورد نیاز در کشور فراهم گردید. در حال حاضر، هر چند امکان واردات تخم نوغان با قیمت کمتر از قیمت تمام شده وجود دارد اما دلایل متعددی برای تولید در داخل کشور مطرح است:

- با توجه به سرمایه‌گذاری وسیع و تلاش گسترده برای خوداتکایی در تولید تخم نوغان و به ثمر رسیدن این اقدامات، واردات تخم نوغان بی‌اعتنایی به عزت ملی است.
- واردات منجر به خروج ارز خواهد شد.
- با توجه به نبود مکانیسم‌های دقیق قرنطینه‌ای در گمرکات کشور، ورود تخم نوغان خصوصاً از سوی مراکز غیردولتی ممکن است منجر به شیوع عوامل بیماری‌زای غیربومی و نابودی پرورش کرم ابریشم در ایران شود.
- واردات تخم نوغان منجر به حذف فرصت‌های شغلی برای هزاران شاغل در این فعالیت می‌شود. در تولید تخم نوغان علاوه بر افرادی که در دو مرحله پرورش فعالیت دارند، از هزاران روز نفر کارگر برای کارگاه‌های تولید تخم نوغان در هر فصل کاری استفاده می‌شود.

بدین منظور با شروع فعالیتهای مطالعاتی و تحقیقاتی درسالهای ابتدایی دهه ۶۰ و بهره‌گیری از لاین‌های خالص کرم ابریشم مانند واریته‌های ۱۰۵، ۱۰۶، ۲۰۲، ۵۱، ۱۰۴، ۱۰۳، ۳۱، ۳۲ و حمایت دولت در قالب طرح‌های ملی "تحقیقات و آموزش نوغانداری" و "توسعه نوغانداری و صنایع جانبی ابریشم" و اختصاص اعتبارات لازم، اقدامات وسیعی در این خصوص صورت پذیرفت که درنهایت کشور درزمینه تولید تخم نوغان به خود کفایی رسید. شایان توجه

است که اجرای موفق پروژه بهبود روشهای اصلاح نژاد کرم ابریشم با همکاری سازمان خواربارجهانی و کشاورزی (F.A.O) وبا استفاده از متخصصین مجرب بین المللی خارجی و داخلی میسر شده است. با تاسیس بانک ژن کرم ابریشم کشور به منظور جمع آوری کلیه ذخایر ژنتیکی تخم نوغانهای داخلی و خارجی و بومی شدن دانش فنی، روشهای گوناگون اصلاح و به نژادی کرم ابریشم، حفظ و نگهداری لاینها و اجداد خالص، کشور ایران به صادرکننده بالقوه تخم نوغان تبدیل گردید و طی سالهای اخیر محصول تولیدی ایران به کشورهای آسیای میانه و یونان صادر گردیده است، درحال حاضر ابریشم تولیدی در ایران سهمی معادل ۱-۰/۶ درصد از تولید ابریشم جهان را بخود اختصاص داده است.

الف- تقاضای سالیانه تخم نوغان داخل کشور

بررسی های انجام شده نشان می دهد میزان تقاضای سالیانه تخم نوغان داخل کشور متأثر از شرایط اقلیمی در زمان پرورش کرم ابریشم، قیمت پیله و برداشت خوب در سال قبل، بازار مساعد داخلی و خارجی و امکان عرضه فرآورده های ابریشمی در بازارهای جهانی، نیروی انسانی کافی، وضعیت توتستانها و بالاخره وضعیت سایر محصولات کشاورزی است. روند تقاضای طی دو دهه گذشته نشان می دهد که این مقدار حداقل یکصد هزار جعبه است که لازم است برای این مقدار تولید همواره برنامه ریزی شود.

ب- کانال های بازرسانی تخم نوغان

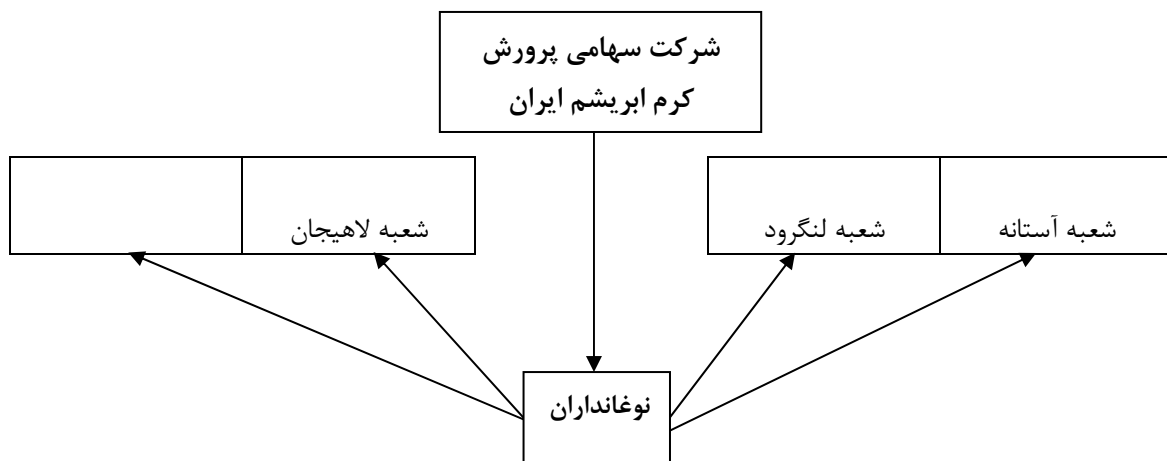
بازار تخم نوغان، در استان های گیلان و خراسان، به صورت پیمایشی مطالعه شده است. طبق بررسی های به عمل آمده وبا توجه به اطلاعات نوغانداران و کارشناسان، بطور کلی در مورد قیمت تخم نوغان بجز در موارد نادر، حاشیه بازاریابی وجود ندارد. چون تخم نوغان تولیدی توسط شرکت سهامی ابریشم ایران توزیع می شود و قیمت آن همان قیمت اعلام شده شرکت می باشد.

نوغانداران در استان گیلان در زمینه تهیه تخم نوغان هیچگونه مشکلی ندارند. توزیع تخم نوغان در این استان توسط شرکت و بوسیله شعبات مختلفی که در سطح استان پراکنده اند صورت می گیرد. فاصله بین روستاها نیز اغلب کوتاه است و نوغاندار هزینه حمل ندارد و هیچگونه ضایعاتی در روند حمل جعبه ها نخواهد داشت. در برخی از روستاهای دور از مرکز و شعبات شرکت، نوغانداران با مشکلات رفت و آمد و تحمل هزینه روبرو هستند ولی تعداد آنها بسیار کم است.

با توجه به اطلاعات جمع آوری شده، کانال های توزیع تخم نوغان را می توان بصورت نمودار شماره (۱) ترسیم نمود:

نمود:

نمودار شماره ۱- کانال های توزیع تخم نوغان در استان گیلان

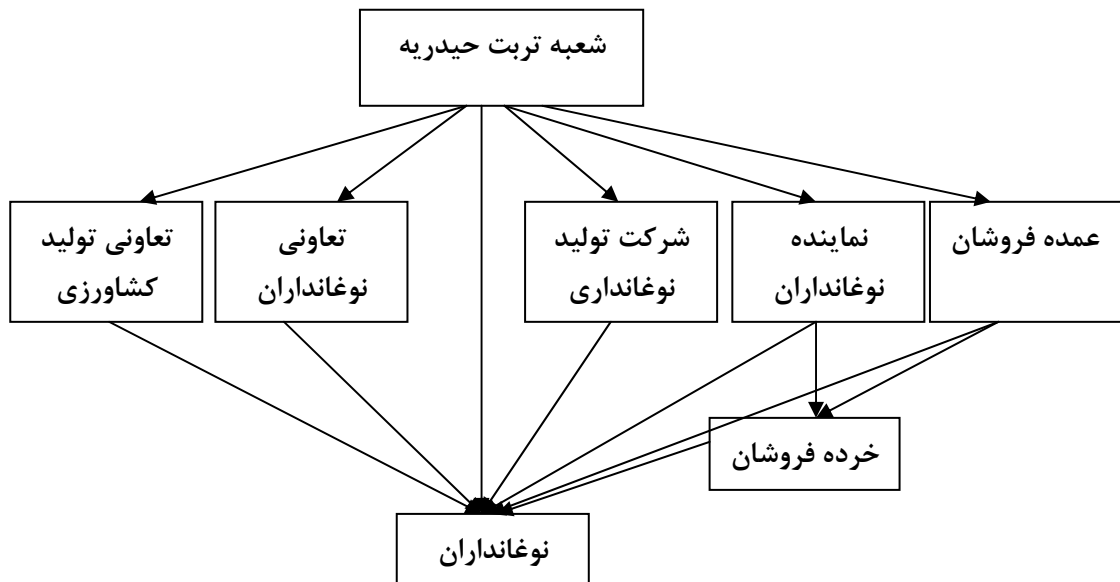


در استان خراسان به دلیل پراکندگی و دوری شهرها و روستاها، توزیع تخم نوغان با مشکلاتی همراه می‌باشد. تنها مرکز تهیه و توزیع تخم نوغان در خراسان، شعبه تربت حیدریه شرکت کرم ابریشم می‌باشد. به علت فاصله زیاد شهرستان‌ها، نوغاندار جهت خرید تخم نوغان به طور مستقیم مراجعه نکرده و از واسطه خریداری می‌کند. یکی دیگر از مشکلاتی که ممکن است در انتقال جعبه‌های تخم نوغان بوجود آید تلفات آن بوده که خوشبختانه با تدابیری که شرکت برای بسته بندی مناسب به کار برده است، میزان آن به حداقل ممکن می‌رسد.

لازم به ذکر است که در هر سه استان خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنوبی نوغاندار وجود دارد ولی اکثر نوغانداران در شهرستان تربت حیدریه می‌باشند که نزدیک مرکز توزیع است.

نمودار شماره (۲)، کانال‌های توزیع تخم نوغان در سه استان خراسان را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۲- کانال‌های توزیع تخم نوغان در استان خراسان



همانگونه که در نمودار شماره (۲) مشاهده می‌گردد در استان خراسان کانال‌های توزیع تخم نوغان در مقایسه با گیلان پیچیده تر می‌باشد.

در استان خراسان جنوبی یک عمده فروش که در بین نوغانداران منطقه سرشناس است از شعبه تربت حیدریه خریداری نموده و بین نوغانداران توزیع می‌نماید. عمده فروش جهت هزینه‌های رفت و آمد مبلغی جزئی به هر جعبه افزوده و به نوغاندار تحویل می‌دهد.

در استان خراسان رضوی مشکلات تهیه تخم نوغان خصوصا در شهرستان‌های نزدیک به تربت حیدریه کمتر مشاهده می‌گردد. در شهرستان فیض آباد، نماینده نوغانداران و تعاونی تولید کشاورزی دوغ آباد، جعبه‌های تخم نوغان را از شعبه تحویل گرفته و مستقیما بین نوغانداران توزیع می‌نمایند و دسترسی نوغانداران را به تخم نوغان راحت‌تر می‌کنند. در شهرستان‌های کاشمر، خلیل آباد و بردسکن؛ شرکت تولیدی، توزیع تخم نوغان را انجام می‌دهد. در شهرستان‌های گناباد و فردوس هم نمایندگان نوغانداران توزیع را بر عهده دارند و در شهرستان درگز تعاونی نوغاندار وجود دارد که با شعبه تربت حیدریه در ارتباط است.

در استان خراسان شمالی که فاصله بیشتری از شعبه مرکزی دارد چند نماینده سرشناس و مورد اعتماد، تخم نوغان را از شعبه تحویل گرفته و جهت توزیع بین نوغانداران به منطقه می‌برند.

با توجه به بررسی انجام گرفته و مصاحبه با نوغانداران، حاشیه بازاریابی در مورد تخم نوغان پایین است و تفاوت قیمت خیلی جزئی شعبه و قیمتی که نوغاندار می‌پردازد بخاطر هزینه‌های حمل و نقل می‌باشد. چون تهیه تخم نوغان توسط خود نوغانداران مستلزم تحمل هزینه‌های رفت و برگشت می‌باشد (که نسبت به قیمت هر جعبه تخم نوغان قابل توجه است) بنابراین روش توزیع فوق‌الذکر به نفع نوغانداران می‌باشد.

ج- تولید و قیمت فروش تخم نوغان در ایران طی سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۶

تولید و قیمت فروش تخم نوغان طی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۶ در جدول شماره (۲) نشان داده شده است. همانگونه که ملاحظه می‌شود، قیمت تخم نوغان طی سال‌های مذکور همراه با افزایش قیمت سایر کالاها و خدمات نیز افزایش یافته لیکن با توجه به کاهش علاقه‌مندی به پرورش کرم ابریشم که عمدتاً به دلیل کاهش درآمد حاصل از نوغانداری است، شرکت سهامی پرورش کرم ابریشم به منظور حمایت از نوغانداران و با دریافت یارانه از دولت (تفاوت قیمت تمام شده تخم نوغان و قیمت فروش) از سال ۱۳۸۱ قیمت تخم نوغان را افزایش نداده است.

جدول شماره ۲- تولید و قیمت فروش تخم نوغان از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۶

سال	تولید تخم نوغان (جعبه)			واردات تخم نوغان (فروش)	توزیع تخم نوغان (جعبه)	قیمت تخم نوغان (ریال)	قیمت تخم نوغان (ریال)
	کل	F ₂	F ₁				
۷۱	۱۱۰۴۸۷	۵۳۷۰۰	۵۶۷۸۷	۱۰۰۵۰۰	۲۰۷۸۹۲	۱۴۰۰۰	۱۰۰۰۰
۷۲	۱۱۱۰۵۰	۵۳۱۹۰	۵۷۸۶۰	۹۳۷۰۰	۱۹۰۰۰۰	۱۷۰۰۰	۱۲۰۰۰
۷۳	۱۰۶۳۷۲	۵۸۰۹۵	۴۸۲۷۷	۵۶۶۹۶	۱۶۳۰۶۸	۱۹۰۰۰	۱۶۰۰۰
۷۴	۱۶۵۶۴۱	۵۲۸۲	۱۱۵۴۵۹	۵۰۰۰۰	۱۹۵۰۵۳	۳۵۰۰۰	۱۹۰۰۰
۷۵	۱۷۸۲۴۲	۳۳۷۶۴	۱۴۴۴۷۸	۱۹۰۰۰	۱۹۷۲۰۷	۴۰۰۰۰	۲۵۰۰۰
۷۶	۱۶۲۴۱۸	۳۳۷۸۱	۱۲۸۶۳۷	۱۵۰۰۰	۱۷۷۲۶۴	۴۴۰۰۰	۲۸۵۰۰
۷۷	۱۶۸۷۱۳	۳۵۰۲۳	۱۳۳۶۹۰	-	۱۶۱۵۷۷	۴۶۰۰۰	۳۰۰۰۰
۷۸	۱۵۳۲۲۴	۳۰۵۹۷	۱۲۲۶۲۷	۳۰۰۰۰	۱۶۴۶۲۷	۵۳۰۰۰	۳۵۰۰۰
۷۹	۲۴۰۸۶۸	۱۸۴۷۷	۲۲۲۳۹۱	-	۲۰۳۵۹۹	۶۹۰۰۰	۴۵۰۰۰
۸۰	۲۳۱۳۰۲	۴۴۳	۲۳۰۸۵۹	-	۱۸۹۸۱۱	۷۵۰۰۰	۵۰۰۰۰
۸۱	۱۸۵۲۹۰	-	۱۸۵۲۹۰	-	۱۳۹۲۴۴	۷۵۰۰۰	-
۸۲	-	-	۱۶۱۲۱۸	-	۱۱۳۹۰۲	۷۵۰۰۰	-
۸۳	-	-	×	-	۹۸۱۴۷	۷۵۰۰۰	-
۸۴							
۸۵							
۸۶							

بخشی از تقاضای تخم نوغان، تا سال ۱۳۷۶، از واردات تامین و از آن پس کل تخم نوغان مورد نیاز در داخل کشور تولید شده است. همچنین آمار جدول حاکی از آن است که میزان توزیع جعبه تخم نوغان در حال کاهش بوده است.

د- امکان صادرات تخم نوغان

کشورهای تولیدکننده پيله ابريشم شامل ۳ گروه عمده هستند: الف) کشورهای که تخم نوغان خود را در داخل تولید می‌کنند (مانند ایران، ب) کشورهای که بخشی از تخم نوغان مورد نیاز خود را در داخل تولید می‌کنند و بخشی را هم از خارج وارد می‌کنند (مانند برخی از کشورهای آسیای میانه) و سرانجام ج) کشورهای که همه تخم نوغان مورد نیازشان را از کشورهای دیگر وارد می‌کنند. بنابراین می‌توان با برنامه‌ریزی و ارائه تمهیدات مناسب نسبت به فروش تخم نوغان به کشورهای آسیای میانه اقدام نمود. زیرا اکثر کشورهای مجاور و همسایه ایران فاقد توانایی فنی و مالی کافی برای تولید تخم نوغان هیبرید می‌باشند و نیاز خود را از دیگر کشورها تأمین می‌کنند. کشورهای نظیر ترکمنستان، تاجیکستان، آذربایجان، گرجستان، افغانستان و پاکستان بازارهای خوبی هستند که می‌توان با سرمایه‌گذاری مناسب و به کارگیری روش‌های کارآمد در رقابت، بازار این کشورها را به دست آورد. در حال حاضر کشورهای نظیر ترکمنستان، تاجیکستان و آذربایجان بخش قابل توجهی از تخم نوغان خود را از کشور چین وارد می‌کنند. شرکت سهامی پرورش کرم ابريشم ایران در سال‌های ۸۱-۸۰، حدود ۳۳ هزار جعبه تخم نوغان به کشورهای آسیای میانه (تاجیکستان، گرجستان و آذربایجان) صادر نمود. امکان صادرات مجدد تخم نوغان به این کشورها مشروط به بررسی روش‌های مناسب صادرات و هماهنگ کردن قیمت تخم نوغان کشور با قیمت‌های چین است. در شرایط حاضر قیمت تمام شده تخم نوغان کشور ما بیش از قیمت‌های بین‌المللی است و امکان رقابت در بازارهای جهانی وجود ندارد. شایان توجه است که با توجه به هزینه کم تولید پيله در کشورهای آسیای میانه، تمایل به پرورش کرم ابريشم در این کشورها مانند ایران دستخوش بحران نشده است.

چنانچه در پیش گفته شد برخی از دلایلی که باعث ادامه نوغانداری در بین کشاورزان می‌شود از این قرارند:

- نوغانداری سود خوبی دارد،
 - نوغانداران در زمان پرورش کرم بیکار هستند،
 - علاقه نوغانداران به این حرفه،
 - پایبندی به کار آباء و اجدادی،
 - درآمد نوغانداری موقعی است که کشاورزان شدیداً نیاز به آن دارند.
- بنابراین چنانچه توجیه اقتصادی برای این حرفه وجود داشته باشد سایر انگیزه‌های لازم فراهم بوده و این موضوع یکی از نقاط قوت نوغانداری است (لازم به توضیح است که سازمان فائو علی‌رغم سرمایه‌گذاری در بعضی کشورها نظیر سریلانکا برای ترویج نوغانداری، به دلیل عدم وجود رغبت و دلبستگی در مردم، نتوانست موفقیتی کسب نماید).

۱-۲-۵- سهم مناطق در فعالیت‌های نوغانداری

با در نظر گرفتن آمار عملکرد چندین ساله بخش کشاورزی، ارزش افزایی فعالیت‌های نوغانداری با توجه به فصلی بودن این فعالیت حداکثر ۱۷ الی ۲۰ درصد می‌باشد و مابقی ارزش افزوده ایجاد شده مربوط به بخش صنعت و تجارت

ناشی از تولیدات این بخش است. از بعد اهمیت مناطق در توسعه و گسترش فعالیتهای نوغانداری، با عنایت به اطلاعات مندرج در جدول شماره (۳) نقش هریک از مناطق مشخص می‌گردد.

جدول شماره ۳ - سهم مناطق کشور در توسعه و گسترش صنعت نوغان و ابریشم

بخش صنعت ۸۳٪				بخش کشاورزی ۱۷٪	نام منطقه	ردیف
صنایع تبدیل سنتی پيله به نخ	صنعتی	بعمل آوری نخ	بافت فرش			
٪۱	٪۲۱	*	*	٪۶۵/۵	گیلان	۱
				٪۱۲	مازندران	۲
				٪۹/۴	گلستان	۳
٪۱		٪۱	٪۱	٪۱	آذربایجان شرقی	۴
٪۷۷				۱۳/۵	خراسان رضوی خراسان شمالی	۵
-				٪۱/۵	اصفهان	۶
					یزد	۷
		٪۹۹		-	کاشان	۸
				-	قم	۹
				-	کرمان	۱۰

اتخاذ هرگونه سیاست در هر بخش از فعالیت نوغانداری با در نظر گرفتن ضریب اهمیت آن منطقه و نوع فعالیت مشخص می‌گردد:

- برای ایجاد اشتغال دائم برای هر کارگاه سنتی نخ کشی (تولیدکننده نخ بافت)، ضروری است ۱۲۵ جعبه تخم نوغان fl پرورش یافته و پيله تولیدی به عنوان مواد اولیه جذب آن کارگاه گردد.
- فعالیت یک کارگاه نخ کشی با شرایط فوق، توانایی تهیه مواد (نخ آماده برای بافت فرش با در نظر گرفتن فرایندهای بعدی) برای ۶۷ دار قالی را عهده دار می‌باشد(اشتغال کامل در طول سال کاری).
- برای پرورش ۱۲۵ جعبه تخم نوغان fl، ۴۰ تا ۴۲ تلبارد در منطقه (با ابعاد تعریف شده) و ۱۳ هکتار توتستان مورد نیاز است.
- هرگونه توسعه در هر قسمت از فعالیت‌های نوغانداری با در نظر گرفتن فعالیتهای پیشین و پسین، بر اساس ضرایب نسبی مذکور قابل انجام خواهد بود. اما مقدم بر امر فوق، شرایط چندین ساله نوغانداری در کشور بیانگر توانمندیهایی است که بصورت عملیاتی مورد استفاده قرار نگرفته‌اند. با توجه به اینکه بیش از ۹۵ درصد نخ ابریشم تولیدی کشور در بافت انواع فرش ابریشمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، با پرورش هر ۵ جعبه تخم نوغان، نیاز سالیانه یک دار قالی فراهم می‌گردد. از طرف دیگر فعالیت یکساله هر کارگاه دستی و سنتی نخ کشی، حدوداً مواد یکساله ۶۷ دار قالی را فراهم می‌آورد و پرورش ۱۲۵ جعبه تخم نوغان پيله مورد نیاز یکساله یک کارگاه را فراهم می‌سازد.
- در هر صورت، هدف گزاری چه از دیدگاه توسعه فعالیت و یا استفاده بهینه از ظرفیتهای موجود در بخش تولید فرشهای ابریشمی و دیگر محصولات ابریشمی باشد، نوغانداری گام‌آغازین و نخستین ورودی فرایندهای بعدی محسوب می‌گردد.

۱-۲-۶- اهمیت نوغانداری در ایران از دیدگاه پرورش‌دهندگان کرم ابریشم

- با همکاری شرکت سهامی پرورش کرم ابریشم ایران، به منظور آگاهی از مشکلات نوغانداران با جمعی از پرورش‌دهندگان کرم ابریشم در تابستان سال ۱۳۸۶ مصاحبه انجام شد که نشان می‌دهد. به رغم عدم وجود صرفه اقتصادی در صنعت نوغانداری در سال‌های اخیر، هنوز دلایلی برای حفظ و بقای این صنعت به شرح زیر وجود دارد:
- علاقه نوغانداران (اکثر نوغانداران مسن بوده و سالیان زیادی است که در این رشته فعالیت دارند و تجربه زیادی کسب کرده‌اند)،
 - پایبندی به کار آبا و اجدادی،
 - استفاده از امکانات موجود (تجربه، تلمبار، توت و...)
 - جنبی بودن این فعالیت و ایجاد درآمد برای کشاورزان خصوصاً در مناطقی که تنوع محصولات کم است و لزوم چند پیشه بودن روستائیان و ایجاد امنیت شغلی در شرایطی که تولید یکی از محصولات کشاورزی دچار مشکل می‌شود،
 - پشتیبانی از صنایع دستی ملی کشور (فرش) که جزء فرهنگ این سرزمین می‌باشد،
 - سهم این صنعت در اشتغال زایی و نیز اشتغال زنان (و کاهش بیکاری)،
 - و سرانجام فعال کردن کارخانه‌ها (۴ کارخانه) و کارگاه‌های ابریشم (بیش از ۱۰۰۰ کارگاه سنتی ابریشم کشی در منطقه بایگ شهرستان تربت حیدریه).

۱-۲-۷- مشکلات نوغانداری

مشکلات نوغانداری از دیدگاه پرورش‌دهندگان و کارشناسان امر و نیز از دید مسئولان دولتی قابل بررسی است:

الف- مشکلات اصلی و عمده صنعت نوغانداری

بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که به طور کلی مشکلات اصلی و عمده صنعت نوغانداری عبارتند از: افزایش قیمت زمین، صعود هزینه‌های کارگری و قیمت بالای تمام شده پیله ونخ ابریشم و تخم نوغان نسبت به سایر کشورها، پایین بودن کیفیت پیله‌های تولیدی، بهره‌وری پایین توتستان، عدم امنیت شغلی برای نوغانداران و تولیدکنندگان، عدم وجود خدمات آموزشی و ترویجی مناسب، عدم صرفه اقتصادی تولید پیله در واحد سطح نسبت به سایر محصولات نظیر صنوبر، گوجه سبز و هندوانه در گیلان، عدم ثبات بازار فرش دستباف ایران در بازارهای جهانی، نبود تنوع در محصولات ابریشمی و فقدان مطالعات کافی در این زمینه، پایین بودن قیمت جهانی پیله و ابریشم و تأثیر آن در بازارهای داخلی، عدم رویکرد به دانش بیوتکنولوژی و تولید فراورده‌های جانبی دارویی و بهداشتی تاکنون، استفاده تولیدکنندگان فرش از نخ خارجی و به تبع آن رکود بازار، محدودیت واحدهای خشک کن صنعتی و به تبع آن خشک شدن پیله به روش‌های دیگر، کاهش راندمان تبدیل پیله به نخ در سال‌های اخیر در کارگاه‌های نخ ریزی و در نتیجه زیاد شدن قیمت نخ تولیدی.

ب- مشکلات از دیدگاه مسئولان دولتی صنعت نوغانداری

متولیان دولتی در اظهارات خود به عوامل مختلفی که مانع از تحقق برنامه‌های آنها جهت توسعه این صنعت می‌شود، اشاره کرده‌اند که اهم آنها عبارتند از:

عدم دسترسی به پشتوانه‌های علمی جهت بررسی و تحقیق، نبود امکان آموزش کافی همه نوغانداران برای ارتقای سطح دانش فنی، وجود واسطه‌ها و دلال‌های پيله که در برنامه‌های مدیران اخلال ایجاد می‌کند، قاچاق فراورده‌های ابریشمی پيله و نخ، ضعف نظام کنترل استاندارد در خصوص واردات و تولیدات محصولات ابریشمی، واردات انواع نخ بدون رعایت نظام استاندارد و ارزش‌گذاری و اخذ تعرفه گمرکی بدون ارزیابی دقیق و بدون توجه به وجود پيله فراوان در انبارها، فقدان اساسنامه دقیق و صریح ساختار بخش دولتی، عدم آشنایی با مسائل زیربنایی فعالیت‌های نوغانداری در سطح مدیران ارشد وزارتخانه، عدم ثبات در نظام مدیریت کلان بخش دولتی و بالاخص شرکت سهامی پرورش کرم ابریشم ایران جهت تحقق برنامه‌های بلندمدت مدیران و بالاخره عدم تخصیص اعتبارات کافی و به موقع برای خرید تضمینی پيله‌تر.

۱-۲-۸- ضرورت حمایت دولت از نوغانداری

به دلیل مشکلات گفته شده، نوغانداری ایران از توان کافی جهت رقابت با سایر کشورها برخوردار نیست. با توجه به بالا بودن بهای تمام شده تخم نوغان، پيله، ابریشم و محصولات ابریشمی لازم است تا زمانی که قیمت این محصولات در مرز ایران کمتر از تولید داخلی است حمایت از محصولات داخلی به عمل آید تا بتدریج توان رقابت با محصولات مشابه خارجی حاصل شود. ممانعت از قاچاق و تبیین و رعایت قوانین مربوط به صادرات و واردات، حمایت دولت از صنعت نوغانداری و صنایع روستایی می‌تواند مقدمات ایجاد توان رقابت باشد.

نوغانداری در کنار سایر فعالیتهای کشاورزی، به عنوان یک کار جنبی مطرح است. بنابراین اصلاح دیدگاه متولیان امر در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. در صورت عدم حمایت دولت در خرید تضمینی، به علت فساد پذیری پيله‌تر، عدم وجود مراکز متعدد خرید و عدم کشش بازار، این محصول بسیار آسیب‌پذیر است. همچنین با توجه به حجیم بودن پيله خشک، فضای زیادی برای انبار مورد نیاز است. لذا در بلندمدت، در صورت عدم کشش بازار، تولید مقرون به صرفه نیست و نیاز به حمایت وجود دارد.

براساس مطالعات انجام گرفته نقاط جغرافیایی مستعد برای فعالیت‌های نوغانداری (بخش کشاورزی)

عبارتند از:

استانهای گیلان، مازندران، گلستان، خراسان شمالی و رضوی، آذربایجان شرقی، اصفهان و یزد.

از بعد صنایع تبدیلی مربوط به نوغانداری، اهم مناطق عبارتند از:

پيله خشک کنی (استان گیلان، بابل کنار، بندپی (مربوط به استان مازندران)، مینودشت و (استان گلستان) تربت

حیدریه (خراسان رضوی)، درگز (خراسان شمالی)، نطنز (اصفهان).

مراکز تبدیل پيله به نخ: در موضوع کارخانجات صنعتی (کارگاههای دستی و سنتی به شرح ذیل می‌باشد:

۱. استان گیلان (سه کارخانه)، خراسان رضوی (یک کارخانه).

۲. کارگاههای دستی و سنتی (پیش از ۹۰ درصد در روستای بایک شهرستان تربت حیدریه) و بقیه پراکنده در

استان گیلان و آذربایجان شرقی.

۳. مراکز عمل آوری ابریشم خام تولیدی، عملیات از قبیل کلیایی و صمغ‌گیری و تابندگی ابریشم، شهرستان قم

و کاشان و تبریز.

۴. مراکز بافت فرشهای ابریشمی: قم، کاشان، اصفهان، آذربایجان شرقی (تبریز - مرنده) و گیلان، خراسان، یزد.

بخش دوم:

۲-۱- تحولات توليد پيله و ابريشم ايران

تاريخ ابريشم در ايران، نوسان زيادي را در ميزان توليد ابريشم خام نشان مي‌دهد، به طوري که در سال ۱۰۰۹ رقم ۱۹۰۰ تن را ثبت کرده و بيشتري توليد، ۳۰۰۰ تن در سال ۱۰۵۱ شمسي بوده است. اين مقدار در سال ۱۲۶۴ به يك تن کاهش مي‌بايد و پس از آن هيچ گاه ارقام سالهاي گذشته تکرار نمي‌شود. وليکن نکته قابل توجه اينست که با همه فراز و فرودها توليد اين کالا متوقف نشده و تاکنون با همه مشکلات ادامه داشته است. ميزان توليد و قيمت پيله و ابريشم طی سال‌های ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۴ در جدول شماره (۴) آمده است. آمار جدول حاکی از تداوم نوسانات ميزان توليد پيله و ابريشم در طی ساليان اخير مي‌باشد. ميانگين قيمت پيله‌تر در بازار نيز طی مدت مذکور با نوساناتی همراه بوده است. با توجه به تمهيدات اتخاذ شده از سوی دولت برای حمايت از نوغانداري و خريد تضميني پيله‌تر از سال ۱۳۷۲، نگرانی نوغانداران در رابطه با عدم فروش پيله توليدي مرتفع شد به طوري که در چند نوبت کاهش قيمت پيله، نوغانداران توانستند محصول توليدي خود را بالاتر از قيمت بازار به فروش برسانند.

جدول شماره ۴- توليد و قيمت پيله و ابريشم از سال ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۴

سال	پيله توليدي (تن)*	ابریشم استحصالی (تن)	میانگین قيمت پيله در بازار (ريال)	قيمت تضميني پيله (ريال)
۷۱	۵۴۰۵	۸۲۴	۵۰۰۰	۵۰۰۰
۷۲	۴۹۴۰	۷۴۱	۷۵۰۰۰	۶۰۰۰
۷۳	۴۲۴۰	۶۲۰	۸۵۰۰	۷۰۰۰
۷۴	۵۱۶۹	۷۳۰	۱۷۵۰۰	۹۰۰۰
۷۵	۵۵۲۲	۸۴۴	۱۱۰۰۰	۱۲۴۴۰
۷۶	۴۹۶۳	۷۷۴	۱۴۵۰۰	۱۳۷۰۰
۷۷	۴۵۲۴	۶۷۲	۱۵۰۰۰	۱۴۶۷۰
۷۸	۴۶۱۸	۶۸۵	۳۲۰۰۰	۱۷۲۰۰
۷۹	۵۴۹۷	۸۳۲	۳۶۵۰۰	۲۰۰۰۰
۸۰	۵۱۲۵	۸۰۰	۲۱۰۰	۲۳۰۰۰
۸۱	۳۸۲۹	۵۷۰	۱۵۱۰۰	۲۵۳۰۰
۸۲	۳۲۳۵	۴۸۰	۲۲۰۰	۲۷۵۰
۸۳	۲۷۸۷	۴۱۵	۲۷۷۰	۲۹۲۰

*: تنها مقدار پيله عرضه شده به بازار مي‌باشد.

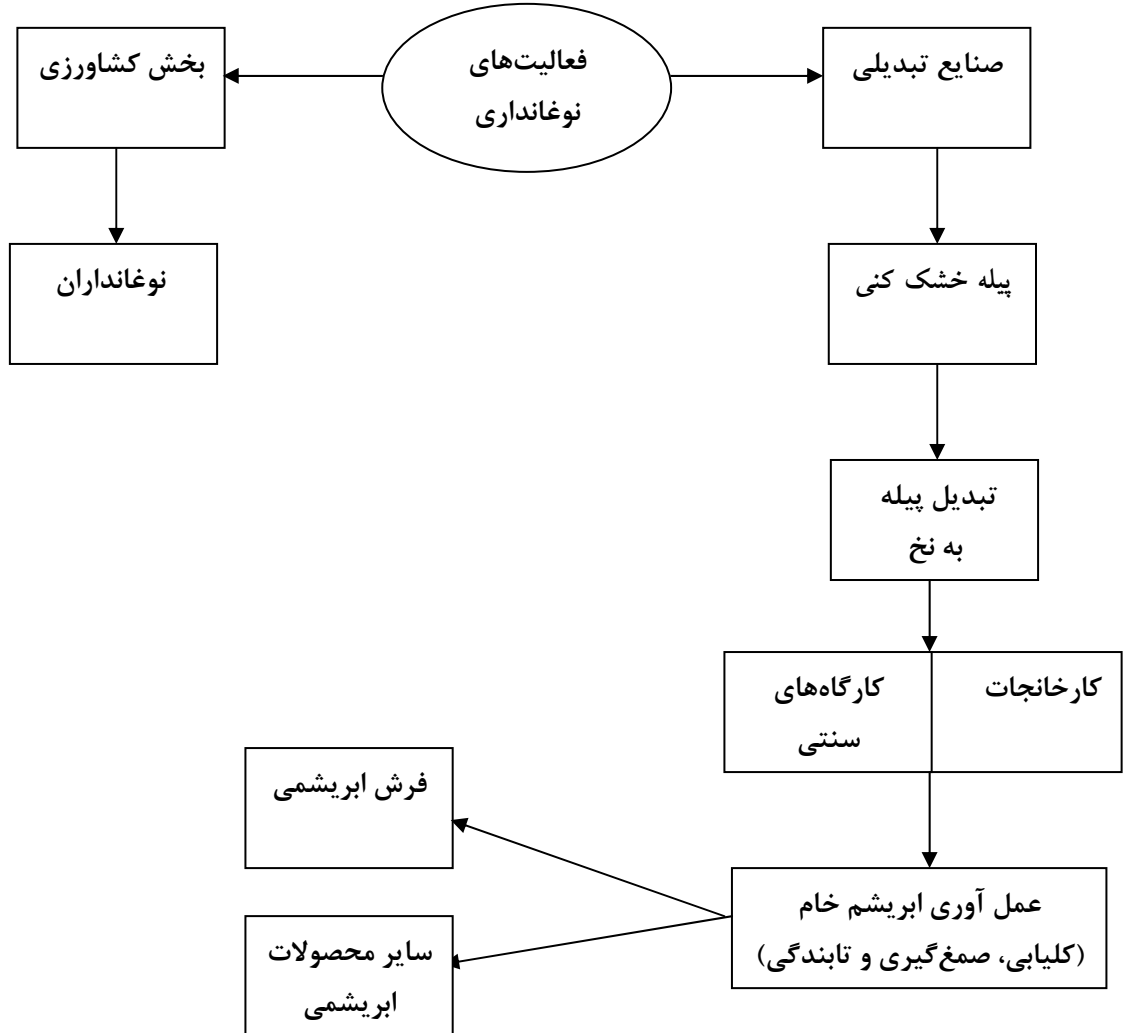
۲-۲- مراکز توليد ابريشم در ايران

بخش زيادی از پيله تر توليدی در ايران با روش‌های سنتی خشک می‌شوند و به همین دليل ابريشم توليدی از يکنواختی و مرغوبیت زيادی برخوردار نيست. قسمتی از پيله‌های تر توسط کارخانه‌های پيله خشک کنی مدرن خشک می‌شود که از پيله حاصل در کارخانجات نخ‌ريسی ابريشم استفاده می‌شود. در حال حاضر ۶ کارخانه پيله خشک‌کنی مدرن در استان گيلان فعال است. در استان گيلان پيله خشک توسط سه کارخانه «صنایع ابريشم گيلان»، «پيله و ابريشم شمال» و «صنایع ابريشم شرق گيلان» تبديل به نخ می‌شود. به دليل وجود حدود ۱۲۰۰ واحد کوچک سنتی توليد نخ ابريشم در استان خراسان که عمدتاً در منطقه بايگ تربت حيدريه متمرکز می‌باشند، بخش زيادی از پيله توليدی کشور به اين استان ارسال می‌شود. البته تعدادی کارگاه توليد نخ در شهرستان‌های مينودشت و گالیکش، آزاد شهر و راميان، تبريز، مرند و جلفا وجود دارند که بخشی از پيله‌های توليدی همان منطقه را تبديل به نخ می‌نمایند. نخ ابريشم جهت عمليات صمغ‌گیری عمدتاً به کاشان ارسال می‌شود. کارگاه‌های صمغ‌گیری در خراسان و آذربایجان شرقی نیز وجود دارد که ۱۰ تا ۲۰ درصد نخ ابريشم را صمغ‌گیری می‌نمایند. نخ‌های ابريشم پس از صمغ‌گیری و سفیدگری جهت رنگرزی به قم ارسال می‌شوند.

۲-۳- نقاط قوت و پتانسیل‌های توليد پيله و ابريشم در ايران

- تخم نوغان هيبريد ايران از نژادهای والد کرم ابريشم با خصوصيات مطلوب توليد می‌شود، لذا پيله و نخ توليدی کشور دارای کیفیت نسبتاً خوبی است.
 - تعداد زيادی کارشناس خيره جوان در بخش‌های مختلف اين صنعت مشغول به کار می‌باشند که می‌توانند برای توليد پيله و ابريشم مرغوب برنامه‌ریزی نمایند.
 - صنعت قالی ابريشمی ايران همواره به عنوان یک صنعت اشتغال‌زا و ارزآور مطرح بوده و ايران نیز نقش مؤثری در بازار جهانی فرش دارد. لذا ماده اوليه اين صنعت باید توسط توليدکننده ایرانی توليد شود. البته امروزه صادرات فرش دستباف ابريشمی ايران نسبت به گذشته کاهش پيدا کرده است اما مقدار فعلی نیز رقم قابل توجهی است.
 - وجود چهار کارخانه نخ‌ريسی صنعتی ابريشم در کشور، بیش از ۱۰۰۰ کارگاه سنتی نخ ريسی ابريشم و بازارهای متعدد پيله و ابريشم خام و رنگرزی در بعضی شهرها می‌تواند امکان توليد و عرضه مناسب نخ ابريشم را فراهم نماید.
- فرایند تبديل پيله به محصولات ابريشمی در نمودار شماره (۳) ارائه گردیده است.

نمودار شماره ۳- فرایند تبدیل پيله به محصولات ابريشمی



براساس مطالعات انجام گرفته، استانهای گیلان، مازندران، گلستان، خراسان شمالی و رضوی، آذربایجان شرقی، اصفهان و یزد از جمله نقاط جغرافیایی مستعد برای فعالیت‌های نوغانداری (بخش کشاورزی) می‌باشند.

از بعد صنایع تبدیلی مربوط به نوغانداری، اهم مناطق عبارتند از:

۱. پيله خشک کنی (استان گیلان، بابل کنار، بندپی (مربوط به استان مازندران)، مینودشت و (استان گلستان) تربت حیدریه (خراسان رضوی)، درگز (خراسان شمالی)، نطنز (اصفهان).
۲. مراکز تبدیل پيله به نخ شامل کارخانجات صنعتی هستند که سه کارخانه در استان گیلان و یک کارخانه در استان خراسان واقع شده‌اند و همچنین کارگاههای دستی و سنتی (پیش از ۹۰ درصد در شهر بایگ شهرستان تربت حیدریه) و بقیه پراکنده در استان گیلان و آذربایجان شرقی می‌باشند.

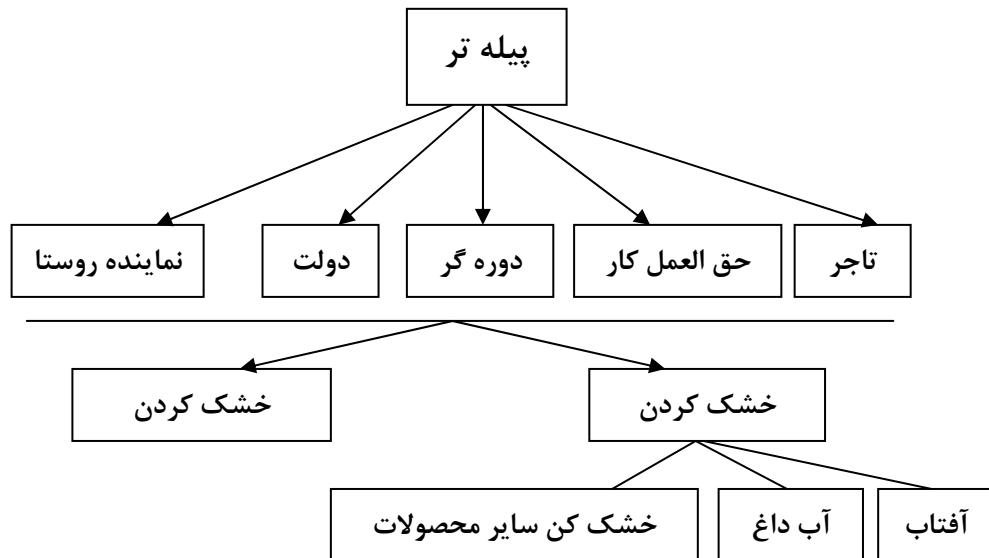
۳. مراکز عمل آوری ابريشم خام توليدي، شامل کليايي، صمغ‌گيري و تابندگي ابريشم، شهرستانهاي قم و کاشان و تبريز هستند.
۴. مراکز بافت فرشهاي ابريشمي: قم، کاشان، اصفهان، آذربايجان شرقي (تبريز - مرند) و گيلان، خراسان، يزد مي‌باشند.
- در سال‌هاي اخير توليد پيله و ابريشم در ايران با کاهش تقريباً پنجاه درصدی مواجه شده است که دلایل آن به شرح زیر است:
۱. افزايش دستمزد کارگري در ايران خصوصاً در گيلان چشمگير بوده است و با توجه به کارگر طلب بودن نوغانداري، قيمت پيله توليد شده نتوانسته پاسخگوي زحمت کشاورز باشد.
 ۲. افزايش بي سابقه قيمت زمين که انگيزه کافي براي تغيير کاربري توتستان‌ها را فراهم نموده است.
 ۳. افزايش توليد محصولات رقيب نوغانداري که انگيزه براي توليد پيله را کاهش داده است.
 ۴. عدم افزايش قيمت نخ ابريشم داخلي (عليرغم کاهش توليد پيله و کاهش عرضه نخ ابريشم داخلي) به دليل کاهش قيمت نخ ابريشم در بازارهاي جهاني
 ۵. توليد ابريشم ارزان قيمت در کشورهاي همسايه نظير افغانستان، تاجيکستان و ازبکستان موجب شد که مصرف‌کنندگان نخ ابريشم در ايران، نياز خود را از خارج از کشور تأمین نمایند. در نتيجه کاهش عرضه پيله داخلي نيز موجب افزايش قيمت ناشي از افزايش تقاضا نشد. البته به دلایلي از اواخر سال ۸۲ قيمت نخ ابريشم در بازار ايران افزايش يافت که با توجه به پايين بودن قيمت نخ در بازارهاي خارجي اين افزايش قيمت ادامه نيافت.
- شايد ذکر است که قيمت تمام شده پيله در کشورهای آسيای ميانه به مراتب پايين‌تر از قيمت پيله با نرخ تضميني در ايران است و توليد پيله در اين کشورها که بعد از فروپاشي شوروي به راحتی به ساير کشورها صادر مي‌شود، همواره تهديدي براي فعاليتهاي نوغانداري ايران محسوب مي‌شود. همچنين امروزه نخ ابريشم چين به علت ارزان بودن به راحتی وارد همه بازارها از جمله بازار مصرف ايران مي‌شود.

۲-۴- بازار پيله

بازار پيله به دو قسمت پيله تر و پيله خشک تقسيم مي‌گردد. طبق بررسي انجام شده از نوغانداران و کارشناسان دست اندرکار صنعت نوغانداري، اصولاً واسطه‌هايي که در اين مرحله وجود دارند عبارت اند از تاجر، قشر متخصص خشک‌کننده پيله (توليدکننده و حق‌العمل کار)، حق‌العمل کار، دوره‌گر (که ممکن است واسطه و يا یک نماينده از روستا باشد) و دولت که خريدار عمده پيله تر از سال ۱۳۸۱ به بعد محسوب مي‌گردد.

نمودار شماره (۴) کانال‌هاي بازاررسانی پيله تر را نشان مي‌دهد.

نمودار شماره ۴- کانال‌های بازاریابی پيله تر



فعالان در زمینه خشک کردن پيله به دو صورت عمل می‌کنند، گروه اول پيله را برای خودشان از نوغاندار خریده و بعد از خشک کردن به بازار عرضه می‌نمایند. دوره گرها ممکن است واسطه و یا یک نماینده از روستا باشند. شایان ذکر است از سال ۱۳۸۱ به بعد به علت کاهش قیمت پيله در بازار، دولت به عنوان خریدار عمده پيله تر وارد بازار شد.

۲-۴-۱- روند خرید تضمینی پيله تر

با پایان دوره پرورش کرم ابریشم و برداشت پيله، مرحله عرضه پيله تر به بازار آغاز می‌گردد. مدت نگهداری پيله تر برای نوغاندار بسیار کم و محدود به یکماه است و در بازار تعداد بسیار زیاد نوغانداران (عرضه کنندگان) که مایل به فروش پيله تر خود می‌باشند، در مقابل خریداران محدود پيله (تقاضا) قرار دارند که موجب بی کشش بودن عرضه بصورت نسبی می‌شود. امکانات پيله خشک کنی و انبار نگهداری پيله خشک نیز در اختیار تجار و دلان واسطه است. این عوامل موجب گردید تا قانونگذار در سال ۱۳۷۲ به منظور ایجاد چتر حمایتی و جلوگیری از انحصار تقاضا، پيله تر تولیدی نوغاندار را در ردیف کالاهای کشاورزی مشمول خرید تضمینی قرار دهد. (قانون اصلاح قانون تضمینی خرید محصولات اساسی کشاورزی مصوب ۱۳۶۸/۶/۲۱) با وجود تصویب قانون در سال ۱۳۷۲، تا سال ۱۳۸۰، به علت رونق بازار پيله، هیچگاه خرید تضمینی تحقق نیافت،

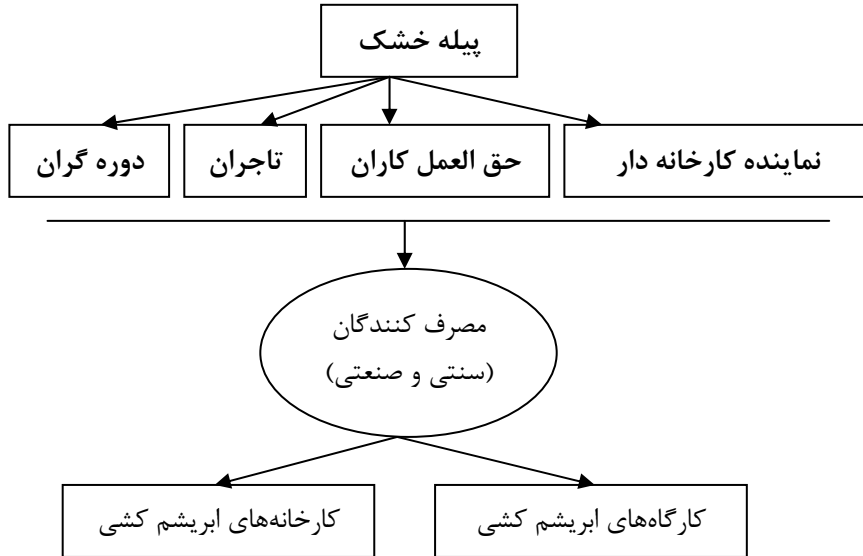
از اواسط سال ۱۳۷۹ و بخصوص سال ۱۳۸۰، پس از افزایش شدید قیمت پيله در بازار، بسیاری از تجار و دلان پيله که در زمان عرضه، پيله تر را به نرخ بالایی خریداری کردند، با ضرر بسیار هنگفتی مواجه شدند، این امر باعث شد که در سال ۱۳۸۱، بخش غیر دولتی بصورت فعال در بازار خرید پيله تر وارد نشده و دولت براساس قانون نسبت به خرید پيله تر اقدام نماید. هرچند روند خرید تضمینی طی سالهای اخیر کاهش داشته و بیانگر ورود مجدد بخش خصوصی به

بازار خرید پيله می‌باشد، اما ضروری است با در نظر گرفتن مسائل زیر در مورد خرید تضمینی و حمایت از نوغانداری تصمیم‌گیری شود:

۱. با توجه به زنجیره فعالیتهای نوغانداری و تاثیر پذیری آن از سیاستهای اقتصادی و بازرگانی (مانند واردات غیر اصولی، کاهش نرخ تعرفه، رکود در فعالیتهای پائین دستی و...)، از انتقال عدم کارایی در سایر بخشها به این بخش جلوگیری شود.
۲. اصولاً پرورش کرم ابريشم و تولید پيله تر در مناطق روستایی در فصلی از سال رخ می‌دهد که کشاورزان با کمبود نقدینگی مواجه می‌شوند و هنوز فعالیت زراعی دیگری در آن منطقه آغاز نشده است و بیکاری فصلی وجود دارد. با توجه به استفاده از نیروی کار خانواده و استفاده از شرایط مذکور، تولید پيله تر برای نوغاندار صرفه اقتصادی دارد. در صورتیکه در تعیین قیمت تضمینی هزینه فرصت برای اوقات بیکاری نوغانداران و خانواده آنها در نظر گرفته شود، درآمد حاصل از فروش پيله تر، توجیه اقتصادی لازم برای بکارگیری عوامل تولید را خواهد داشت.
۳. سهم حمایت دولت در فعالیتهای نوغانداری از کل سیاستهای حمایتی مشخص شود.
۴. در کوتاه‌مدت و بلندمدت، سیاستهای حمایتی و از جمله خرید تضمینی به نحوی تغییر یابد که ضمن مشارکت دادن بخش خصوصی، موجبات عدم دخالت دولت در امور تجاری را فراهم سازد. در مرحله اول مشارکت بخش خصوصی در امر خرید، در سطح چند شهرستان و چند منطقه بصورت آزمایشی انجام پذیرد و در صورت موفقیت آمیز بودن طرح، هر ساله بمیزان ۲۵ درصد از نظر حجم عملیات بدان افزوده گردد. بهتر است این سیاست، همزمان با تدابیر دیگر مانند افزایش کارایی در تولید نوغانداران (امور آموزشی و ترویجی)، منطقی نمودن نرخ تعرفه‌ها، استفاده از ظرفیتهای راکد و... اجرا گردد.
۵. آمار مربوط به قیمت و خرید تضمینی پيله تر طی سالهای مذکور بیانگر این امر است که ضمن کم‌رنگ شدن اتکاء بخش کشاورزی نوغانداری به سیاستهای حمایتی، کاهش چشمگیری در فعالیتهای این بخش صورت پذیرفته و نشان دهنده آن است که صرف اجرای سیاست حمایتی و اعلام قیمت تضمینی بدون در نظر گرفتن دیگر عوامل تاثیرگذار، نمی‌تواند موجبات کارایی بخش را فراهم آورد.
۶. گذار از خرید تضمینی و انتقال خرید به بخش غیردولتی با تسهیلاتی که در اختیار صاحبان کارخانجات صنعتی و کارگاههای دستی (سنتی) با رعایت ضوابط و مقررات مربوطه و در چارچوب عقد قرارداد با بانک عامل و اخذ تضمین‌های کافی و معتبر قرار گیرد، امکان پذیر است.
۷. به نوغاندار می‌بایست آموزش لازم برای جداسازی پيله سالم از ناسالم داده شده و در صورت ناگزیر بودن دولت از خرید تضمینی، فرایند خرید تضمینی دقیقاً مشخص گردد تا ضروریان ناشی از ناجور بودن پيله به حداقل ممکن برسد.
۸. ذکر این نکته ضروری است که بازار پيله خشک، همواره تابع عرضه و تقاضا بوده و قیمت پيله خشک با در نظر گرفتن قیمت نخ مصرفی در بازار، میزان واردات انواع نخ و پيله، و رکود و رونق در بازار صادراتی فرشهای ابریشمی تعیین می‌گردد.

کانال‌های بازاررسانی پيله خشک بصورت زیر می‌باشند:

نمودار شماره ۵ - کانال‌های بازاررسانی پيله خشک



۲-۵- کارخانه‌های تولید ابريشم

در حال حاضر علاوه بر واحدهای ابريشم کشی دستی که به شیوه سنتی کار کرده و تعدادشان هر ساله بسته به شرایط بازار تغییر می‌کند، سه کارخانه ابريشم کشی صنعتی و نیمه صنعتی در کشور به فعالیت اشتغال دارند که مشخصات آنها به شرح زیر می‌باشد:

الف- شرکت صنایع ابريشم گیلان

شرکت صنایع ابريشم گیلان (سهامی خاص) در فروردین ماه ۱۳۵۵ با جدا شدن بخش صنعتی شرکت ابريشم گیلان موجودیت یافت. شرکت سهامی ابريشم گیلان در سال ۱۳۵۲ با مشارکت بانکهای توسعه صنعتی و معدنی ایران و توسعه کشاورزی ایران تشکیل شد و هدف از تشکیل این شرکت، علاوه بر احداث توتستان و پرورش کرم ابريشم ایجاد کارخانه ابريشم کشی در استان گیلان بود و با استفاده از همکاری‌های فنی شرکت کانبوسلک ژاپن، بخش اباطر (منطقه شارم) شهرستان صومعه سرا را بعنوان محل اجرای طرح انتخاب نمود.

در آبان ماه سال ۱۳۵۹ با همکاری بانکهای تخصصی سرمایه گذار و نمایندگان وزارت صنایع و معادن، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان برنامه و بودجه، ادامه عملیات اجرایی طرح تا شروع و نصب ماشین آلات زیر نظر متخصصان ایرانی ادامه یافت و در اول آبان ۱۳۶۱، کارخانه صنایع ابريشم گیلان که مجهزترین و مدرنترین کارخانه‌های ابريشم کشی جهان محسوب می‌شود فعالیت تولیدی خود را آغاز نمود.

ب- شرکت پيله و ابريشم شمال

شرکت پيله و ابريشم شمال در آذر سال ۱۳۶۶ از انتقال دارائیهای واحد شماره ۲۱ بانک صنعت و معدن موجودیت یافت. در اواخر سال ۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی ایران تصویب کرد که بخش کشاورزی شرکت پيله ور در

شرکت جدیدی تحت نام شرکت مطالعات پرورش کرم ابریشم ایران وابسته به وزارت کشاورزی فعالیت‌های تهیه و توزیع تخم نوغان، پرورش کرم ابریشم، خشک کردن پيله تر و سایر امور ترویجی مربوط به بخش کشاورزی را دنبال نماید و شرکت پيله ور منحصراً عهده دار بخش صنعت ابریشم از مرحله خرید پيله خشک تا تولید نخ تک لای ابریشم باشد.

ج- شرکت ابریشم طوس

شرکت ابریشم طوس در سال ۱۳۵۷ در مشهد بوسیله بخش خصوصی و با بهره‌گیری از تجربه بنیانگذار آن در ابریشم‌کشی سنتی تاسیس شد.

در سال ۱۳۵۸ ماشین آلات طرح توسط متخصصان ژاپنی در کارخانه نصب گردید و از مرداد ۱۳۵۹ مورد بهره‌برداری قرار گرفت. ظرفیت اسمی این ماشین بسته به دنیر نخ مورد نظر روزانه از ۳۰ کیلوگرم نخ ۱۲۰ دنیر تا ۶۵ کیلوگرم نخ ۳۰۰ دنیر تک لا متغیر می‌باشد. افزایش مستمر قیمت نخ ابریشم و علاقمندی مدیریت کارخانه باعث شد که شرکت، ساخت دو ماشین ابریشم‌کشی مشابه ماشین‌های ژاپنی موجود را مورد توجه قرار دهد و در سال ۱۳۶۵ قطعه‌سازی آنها را شروع نماید، در سال ۱۳۶۸ ماشین دوم که از روی ماشین ژاپنی کپی شده بود با مشخصات توانائیهای مشابه، در خط تولید قرار گرفت.

۲-۶- بازار نخ ابریشم

بیش از ۹۵ درصد انواع نخ ابریشمی در ایران برای تولید فرش استفاده می‌شود. قیمت نخ در این بازار تابع عرضه و تقاضا است و برخی عوامل برون‌زا نیز در قیمت نخ تاثیرگذار می‌باشند. تأثیر هر فعل و انفعالی در بازار نخ بلافاصله در بازار پيله و به تبع آن در فعالیت‌های کشاورزی نوغانداری قابل مشاهده است، با این تفاوت که آثار رکودی ناشی از فعل و انفعالات بازار نخ در بازار پيله و فعالیت‌های کشاورزی وابسته در کوتاه‌مدت ایجاد شده و باعث کاهش فعالیت‌های نوغانداری می‌شود. در مقابل، رونق در بازار نخ موجبات رونق در بازار پيله را فراهم می‌آورد و بخش کشاورزی دارای انعطاف کمتری در ورود مجدد به قلمرو فعالیت‌های نوغانداری از قبیل احیاء مجدد توتستان، آماده‌سازی تلبار و... حداقل در کوتاه‌مدت خواهد بود که اکثراً تبعات ناشی از رونق در بازار نخ و یا بازار فرش با واردات پوشش داده می‌شود. پیش از این در شرایط رونق اقتصادی تبدیل‌کنندگان پيله به نخ، رأساً و یا از طریق واسطه‌ها اقدام به خرید پيله مورد نیاز نموده و نخ حاصله در بازار شهرهای تربت حیدریه، مشهد، کاشان، قم، تبریز و غیره به خریداران عمده و یا واسطه‌ها عرضه می‌شد. از سال ۸۱ به بعد به دلیل رکود حاکم بر این صنعت، بیشتر محصول تولیدی نوغانداران توسط شرکت سهامی پرورش کرم ابریشم ایران به نمایندگی دولت به نرخ تضمینی خریداری و سپس از طریق درج آگهی مزایده به ریسندگان فروخته می‌شود. اطلاع‌رسانی عمدتاً به صورت حضوری، تلفنی، آگهی در جراید و همکاری‌های قبلی صورت می‌گیرد.

به علت ورود بی‌رویه نخ ابریشم قاچاق و تعطیل شدن ۳ کارخانه تولید ابریشم در ایران، روند عرضه و تقاضا نزولی گردیده و تعطیلی کارخانه‌های تولید نخ ابریشم با خطر حضور واسطه‌ها و در اختیار گرفتن کل بازار همراه شده است. در این شرایط مسئولین شرکت ابریشم با اخذ مجوزهای لازم، پيله تضمینی خریداری شده را توسط کارخانه‌ها به نخ

تبدیل نموده که این امر باعث فعال شدن مجدد کارخانه‌ها شد. با واردات نخ‌های ابریشمی ارزان از کشورهای نظیر چین، تقاضای نخ ابریشم داخلی کاهش یافته است. از طرفی به خاطر افت قیمت ابریشم، تولید پيله و ابريشم در داخل نیز کاهش یافته و در نتیجه مقداری از ابريشم مورد نیاز مصرفی کشور اجباراً از واردات تأمین می‌شود. به طور کلی حجم تولید داخلی پيله کمتر از میزان تقاضای آن می‌باشد.

پدیده واردات نخ ابريشم بصورت کم‌اظهاری از معضلات اصلی این بازار محسوب می‌گردد و از اهم موضوعاتی است که طی سالهای گذشته آثار سوء بسیار زیادی بر فعالیتهای نوغانداری بخصوص در قلمرو کشاورزی و صنعتی آن گذاشته است. به این علت سیاست برقراری قیمت پایه توسط مراجع ذیصلاح در حال پیگیری می‌باشد.

۲-۶-۱- تقاضای سالیانه نخ ابريشم در داخل کشور

در کشور حدود ۵۰۰ تن نخ ابريشم تولید می‌شود که با احتساب نخ ابريشم وارداتی، مصرف تقریبی ابريشم از نوع داخلی و خارجی به طور میانگین ۸۰۰ تن در سال (نخ دستی ۶۰۰ تن و نخ ماشینی صنعتی ۲۰۰ تن) است. در سال‌های ۷۹ و ۸۰، حدود ۸۰۰ تن نخ تولیدی به طور کامل مورد استفاده قرار گرفت. ولیکن در شرایط کنونی، تولید و صدور فرش نسبت به سال‌های مذکور افزایش یافته است. آمار مربوط به تولید فرش نمی‌تواند بیان‌گر تقاضای سالیانه کل نخ ابريشم در داخل کشور باشد؛ زیرا بخشی از تولیدات در داخل و خارج به فروش می‌رود؛ بخشی قاچاق می‌شود و بسیاری هم بدون تفکیک و ثبت نوع جنس صادر می‌شود. آمار میزان جعبه نوغان و پيله تولید شده هم نمی‌تواند تقاضای سالیانه نخ ابريشم در داخل کشور را به طور دقیق نشان دهد. زیرا حجم پيله‌های وارداتی به کشور به صورت قاچاق زیاد است.

۲-۶-۲- نقش مثبت و منفی واسطه‌ها در تجارت پيله و ابريشم

واسطه‌های تجارت پيله و ابريشم هم نقش منفی و هم نقش مثبتی در این بخش دارند.

بخشی از اثرات منفی این واسطه‌ها به قرار زیر است:

به دلیل این که تبدیل‌کنندگان پيله به نخ فاقد نقدینگی کافی برای تأمین پيله مورد نیاز تمام سال هستند، لذا تجار و واسطه‌ها با در اختیار داشتن سرمایه کافی، در فصل عرضه پيله‌تر با نرخ ابتدای فصل که نرخ پایینی است اقدام به خرید و انبار پيله (پس از خشک کردن) کرده و سپس طی سال متناسب با وضعیت عرضه و تقاضا اقدام به فروش پيله خشک با نرخ بالا می‌کنند که سبب افزایش بهای تمام شده نخ برای تولیدکنندگان می‌گردد. این امر به نوبه خود باعث ایجاد بازارهای کاذب، نامتعادل شدن قیمت‌ها و نوسانات شدید قیمت می‌گردد. همچنین به دلیل عدم دقت کافی از سوی این افراد، کیفیت نخ و پيله در اثر حمل و نقل و نگهداری نادرست کاهش می‌یابد. البته در سال‌های اخیر بازار عموماً پيله تولیدی را خریداری نکرده است.

از سویی دیگر فعالیت این واسطه‌ها تأثیرات مثبتی نیز به همراه دارد، در صورتی که برخی از این واسطه‌ها از خرید پيله‌تر خودداری کنند، به دلیل فسادپذیری پيله‌تر، نوغانداران ناچار به فروش به هر بهایی به سایرین شده و متضرر می‌گردند. همچنین به دلیل بعد مسافت مراکز خرید پيله‌تر توسط دولت، برخی نوغانداران ترجیح می‌دهند محصول خود را به واسطه‌ها عرضه کنند.

۲-۶-۳- مقایسه قیمت ابریشم داخلی و خارجی

واردات رسمی و غیر رسمی نخ ارزان به علاوه استفاده از نخ ابریشم غیر مرغوب و استفاده از نخ‌های مصنوعی به صورت مخلوط با ابریشم خالص، سبب صدمه جدی به صنعت ابریشم داخل شده است. در حال حاضر به محض صعود قیمت ابریشم داخلی، قاچاقچیان با وارد کردن این محصول بازار داخلی را اشباع می‌کنند که در برخی موارد ورود نخ‌های نامرغوب کشورهای آسیای میانه، صدمات جبران‌ناپذیری به این صنعت وارد می‌کند. قیمت نخ ابریشم در برخی کشورهای آسیای میانه نظیر ازبکستان، آذربایجان، اوکراین و روسیه ۲۰-۱۴ دلار می‌باشد؛ در صورتی که قیمت تمام شده ابریشم تولیدی کارخانه‌های داخلی حدود ۲۸ دلار است. تفاوت هزینه تولید و قیمت تمام شده محصولات ابریشمی تا حدودی به نیروی کار ارزانتر در این کشورها مربوط می‌شود.

۲-۷- محصولات ابریشمی در ایران

نخ ابریشم در ایران عمدتاً در تولید فرش و قالیچه‌های ابریشمی و فرش‌های گل ابریشمی استفاده می‌شود. به علاوه مقداری از نخ ابریشم در تولید بعضی محصولات دیگر استفاده می‌گردد. در جدول ۵ این محصولات و مراکز تهیه آنها ارایه شده است. در حال حاضر در اطراف خلخال، سیه رود جلفا و اسکو از توابع تبریز، کارگاه‌های چاپ پارچه وجود دارد که پارچه را در حین عملیات چاپ صمغ‌گیری می‌نمایند. اخیراً کارخانه صنایع ابریشم شرق گیلان اقدام به راه‌اندازی خط تولید پارچه سفید ابریشمی کرده است که امید است برنامه‌ریزی‌ها منجر به تداوم تولید در این واحد شود.

جدول شماره ۵- تولید سنتی محصولات ابریشمی غیرفرش در ایران

ردیف	نوع محصول	محل تولید
۱	روسری، شال، دستمال، چپک (حاشیه لباس)، تافته‌های متنوع ابریشمی مثل شول	مینودشت، گالیکش، آزادشهر و رامیان
۲	چادر شب	مینودشت، گالکش، آزادشهر و رامیان
۳	روسری کلاقه‌ای	اسکو
۴	چاجیم	خلخال پارس آباد مغان
۵	ورنی بافی	مشکین شهر، گرمی
۶	جوراب بافی	خلخال
۷	تابلو بافی	خلخال، جلفا
۸	گلیم	نمین
۹	گل (گلسازی) با پنبه خشک	کرمان
۱۰	پارچه ابریشمی (صنعتی)	لنگرود
۱۱	استفاده ابریشم در سوزن دوزی، قلابدوزی، گلابتون دوزی، پته دوزی، گلدوزی	شهرهای مختلف نظر ترکمن صحرا، رشت، کرمان و سایر شهرها

۸-۲- مشکلات و تنگناهای تولید پيله و ابريشم در سطح کشور از دیدگاه تولید کنندگان

تعداد زیادی از نوغاندارانی که با آنها، هنگام فروش تخم نوغان مصاحبه به عمل آمد معتقدند که با توجه به روند فعلی، درآمد فعالیت نوغانداری همچون سال‌های گذشته کاهش شدیدی می‌یابد و علل آن را گرانی نیروی کار، بالا بودن نرخ نهاده‌های کشاورزی، نوسانات قیمت پيله و ابريشم، ناپایداری بازار، پایین بودن قیمت پيله و... ذکر نمودند. از عمده ترین مشکلات فراروی صنعت نوغانداری ایران که مصاحبه شوندگان بر آن تاکید نمودند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- طی سال‌های ۱۳۸۲ تا کنون، عدم تناسب بین رشد قیمت عوامل تولید (دستمزد و قیمت پيله، سوخت و هزینه‌های سربار کارخانه) و قیمت فروش نخ در بازار باعث گردیده که شیوه تولید کارخانجات مذکور اقتصادی نباشد، بطوریکه برخی کارخانه‌ها تعطیل و متحمل زیان شده‌اند.
- واردات رسمی و غیر رسمی نخ با قیمت ارزان به علاوه استفاده از نخ ابريشم غیر مرغوب و استفاده از نخ‌های مصنوعی به صورت مخلوط با ابريشم خالص سبب صدمه جدی به صنعت ابريشم داخل شده است.
- در حال حاضر به محض صعود قیمت ابريشم داخلی، قاچاقچیان با وارد کردن این محصول بازار داخلی را اشباع می‌کنند که در برخی موارد ورود نخ‌های نامرغوب کشورهای آسیای میانه، صدمات جبران ناپذیری به این صنعت وارد می‌کند. قیمت نخ در این کشورها نسبت به قیمت تمام شده کارخانه‌های داخلی کمتر می‌باشد.
- بازار پيله و ابريشم با توجه به استفاده انحصاری آن در صنعت فرش (بیش از ۹۰ درصد ابريشم در صنعت فرش مورد استفاده قرار می‌گیرد) شکننده بوده و نوسان در صادرات فرش مستقیماً روی نوغانداری اثر می‌گذارد.

بخش سوم: تولید و صادرات فرش در ایران

۳-۱- وضعیت تولید و اشتغال در صنعت فرش دستباف ایران

مرکز آمار ایران تاکنون دوبرار در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۷۶ به آمارگیری از خانوارهای دارای فعالیت صنعتی اقدام نموده است. بر این اساس تعداد خانوارهایی که در صنعت تولید قالی، قالیچه، گلیم و زیلو فعالیت داشته‌اند، به ترتیب در سال‌های ۶۷ و ۷۳ معادل ۳۷۶۴۸۴ و ۱۰۰۴۷۵۳ خانوار بوده است. فعالیت خانوارهای مزبور عمدتاً به صورت خویش‌فرما بوده که خود اقدام به تهیه مواد اولیه و ابزار تولید نموده‌اند. علاوه بر این عمده تولید در مناطق روستایی و بالاخص در مناطقی که نفوذ صنعت دشوار بوده است و از نظر کشاورزی و دامپروری نیز افراد فاقد زمین و دام می‌باشند، انجام گرفته است. از نظر اشتغال در صنعت فرش ایران، با در نظر گرفتن کلیه مراحل تولید از مواد اولیه تا توزیع فرش در بازارهای داخلی و خارجی، حدود ۳۵ شغل متفاوت را در بر می‌گیرد. در این صنعت به طور کلی جمعیتی حدود ۹ میلیون نفر مشغول فعالیت هستند که از این تعداد حدود ۶ میلیون نفر به طور مستقیم و غیرمستقیم در امر تولید فرش فعال می‌باشند. مابقی در سایر فعالیت‌های وابسته به این بخش نظیر توزیع و صادرات فعال می‌باشند. ارقام مذکور بی‌شک نشان‌دهنده توانایی‌های این صنعت در زمینه ایجاد اشتغال، به خصوص در مناطق روستایی می‌باشد. علاوه بر این در زمینه تولید فرش دستباف در کشور بر اساس نتایج آمارگیری مرکز آمار ایران در سال ۱۳۷۳، مقدار ۷۴۸۴ هزار مترمربع قالی و قالیچه و بالغ بر ۹۸۵ هزار مترمربع گلیم و زیلو در کشور تولید شده است. میزان تولید قالی و قالیچه در سال ۶۷ به ۲۸ هزار مترمربع و گلیم و زیلو به ۲۴۰ هزار مترمربع افزایش پیدا کرده است. مقایسه آمار تولید مربوط به سال‌های مذکور نشان از افزایش ۳ برابر تولید قالی، قالیچه، گلیم و زیلو در کشور در فاصله سال‌های ۶۷ تا ۷۳ دارد. در خصوص دلایل افزایش تولید در سال ۷۳ می‌توان به حذف پیمان ارزی در سال ۶۹ اشاره کرد که منجر به افزایش تولید و متعاقب آن افزایش صادرات فرش گردیده است. در زمینه تولید قالی و تولیدات مشابه آن در حال حاضر ۱۸ استان کشور فعال می‌باشد. در این بین استان خراسان با بیشترین میزان تولید قالی و قالیچه در صدر تولیدکنندگان و بعد از آن استان‌های فارس و اصفهان در مقام‌های بعدی قرار گرفته‌اند. علاوه بر این در زمینه تولید گلیم و زیلو استان فارس در جایگاه اول و بعد از آن استان‌های لرستان و اردبیل قرار دارند. نکته قابل توجه در خصوص تولیدات مذکور آن است که عمده این تولیدات به شیوه‌های سنتی و پراکنده در کارگاه‌های کوچک خانگی انجام می‌گیرد. چنانچه در زمینه آموزش شیوه‌های استاندارد تولید و ایجاد کارگاه‌های آموزشی، سرمایه‌گذاری لازم انجام گیرد ظرفیت تولید فرش دستباف بسیار بیشتر می‌باشد.

۳-۲- صادرات فرش

مهمترین محصول ابریشمی ایران که عموماً در بازارهای بین‌المللی عرضه می‌شود فرش‌های ابریشمی است. به عنوان مثال آلمان از ژانویه تا اکتبر ۲۰۰۴، از هند ۵۴۰۰۰ مترمربع، از چین ۱۲۰۰۰ مترمربع و از ایران ۷۴۰۰ مترمربع فرش ابریشمی وارد کرده است. چون نخ ابریشم، هم برای بافت فرش و قالیچه‌های ابریشمی و هم در فرش‌های

دستباف همراه سایر الیاف به عنوان چله ابریشم و گل ابریشم استفاده می‌گردد، لذا سهم آن از درآمد ارزی مشخص نیست. لیکن چنانچه ۵۰۰ تن نخ ابریشم خام در ایران تولید شود، می‌توان از آن حداقل ۱۰۰ هزار مترمربع فرش ابریشمی تولید کرد که با توجه به ارزش هر مترمربع فرش ابریشمی ایران که حداقل هزار دلار آمریکا است، می‌توان انتظار داشت که حدود یکصد میلیون دلار درآمد مستقیم عاید کشور شود. البته میزان مصرف ابریشم بیشتر از میزان تولید است که از طریق واردات تأمین می‌شود. ایران در سال ۱۳۷۳ بالغ بر ۲/۱ میلیارد دلار فرش صادر کرد؛ لیکن این مقدار در سال ۱۳۸۲ به ۶۳۹ میلیون دلار تنزل پیدا کرده است (جدول ۶). با توجه به ارتباط مستقیم تولید ابریشم و صادرات فرش دستباف ایران لازم است که روند صادرات فرش دستباف مورد بررسی قرار گیرد. به علاوه بررسی وضعیت صادرات رقبای اصلی ایران نیز ضروری است. طی ۱۰ ماه از ژانویه تا اکتبر ۲۰۰۴ ایران با صدور یک میلیون مترمربع فرش به ارزش ۹۰ میلیون و ۸۰۰ هزار یورو مقام اول صادرات فرش (بر مبنای ارزش آن) به کشور آلمان را بدست آورده است. هند علی‌رغم صدور یک میلیون و ۹۰۰ هزار مترمربع فرش فقط ۴۹ میلیون و ۷۰۰ هزار یورو کسب کرده است. به عبارتی هر چند از نظر مقدار رتبه نخست را دارد ولی ارزش فرش‌های آن کمتر است. نپال با ۲۸ میلیون و ۵۰۰ هزار یورو و پاکستان با ۱۷ میلیون و ۷۰۰ هزار یورو دارای رتبه‌های سوم و چهارم هستند. آلمان به طور کلی در طی این مدت ۲۱۳ میلیون و ۵۰۰ هزار یورو فرش از کشورهای جهان وارد کرده است. آلمان فرش‌های ابریشمی را با ارزش‌ترین نوع فرش‌های وارداتی به این کشور عنوان و اعلام نموده است که هند با ۵۴ هزار مترمربع، چین با ۱۲ هزار مترمربع و ایران با ۷۴۰۰ مترمربع رتبه‌های اول تا سوم صادرات فرش ابریشمی به آلمان را کسب کرده‌اند.

۳-۲-۱- بررسی روند صادرات فرش دستباف ایران

در قانون بودجه سال ۱۳۷۶، تبصره واگذاری ارز حاصل از صادرات فرش به صادرکنندگان به طور قانونی منظور شد و ارزش صادرات فرش ایران به ۶۳۵ میلیون دلار رسید. در سال ۱۳۷۷، فرش دستباف با ۱۸/۷ درصد از مجموع ارزش صادرات غیر نفتی، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده است. صادرات فرش دستباف که از سال ۱۳۷۳، سالانه به طور متوسط ۶۹ درصد کاهش یافته بود، به ۵۷۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۷ رسید که البته پایین‌ترین رقم در طول دهه ۷۰ بوده است. عوامل مذکور به علاوه امکان فروش واریزنامه در اتاق بورس اوراق بهادار باعث شد که از ابتدای سال ۱۳۷۷ صادرات فرش سود آورده شده و روند رو به رشدی بگیرد. به طوری که در سال ۱۳۷۸ صادرات فرش دستباف ایران با رشدی معادل ۲۱/۳ درصد نسبت به سال قبل به ۶۱۹ میلیون دلار رسید و سهم آن از مجموع ارزش صادرات غیر نفتی نیز به ۲۰/۵۶ درصد افزایش یافت. یکی از علل این رونق، تسهیلات ویژه‌ای بود که در هشتمین نمایشگاه فرش ایران برای صادرکنندگان در نظر گرفته شد که شامل امور بانکی و بیمه‌ای، حمل و نقل، ۸ درصد تخفیف در پیمان سپاری صادرات فرش برای صادرکنندگانی بود که به طور نقدی از نمایشگاه، فرش خریداری و از گمرک نمایشگاه آن را صادر می‌کردند. در سال ۱۳۷۹ صادرات فرش دستباف با کاهش ۱۰/۴ درصدی به ۶۱۹/۵ میلیون دلار رسید و سهم صادرات فرش دستباف از مجموع صادرات غیرنفتی نیز به ۱۶/۴ درصد در سال مذکور کاهش یافت. صادرات فرش ایران طی سال‌های ۸۰ و ۸۱ به ۵۵۲/۸ و ۵۱۴/۳ میلیون دلار و سهم فرش دستباف از مجموع صادرات غیر نفتی در سال‌های مذکور بترتیب به ۱۳/۱ و ۱۱/۱ درصد کاهش یافته است. شایان ذکر است ضمن کاهش سهم فرش دستباف از صادرات غیر نفتی در سال ۱۳۸۲ به ۹ درصد کاهش یافت ولیکن ارزش صادرات این محصول با

افزایش ۱۹/۵ درصدی به ۶۳۹ میلیون دلار رسید. در سال‌های ۸۴ و ۸۵ مجدداً ارزش صادرات فرش ایران بترتیب به ۴۶۶/۹ و ۴۱۶/۷ میلیون دلار کاهش یافته است.

صادرات فرش دستباف ایران و مهم‌ترین واردکنندگان فرش از ایران در سال ۱۳۸۵ در جدول شماره ۶ نشان داده شده است.

جدول شماره ۶- صادرات فرش دستباف ایران و مهم‌ترین واردکنندگان فرش از ایران در سال ۱۳۸۵

(برمبنای ارزش و وزن)

کشورهای واردکننده	ارزش فرش صادراتی (میلیون دلار)	وزن فرش صادراتی (تن)
ایالات متحده آمریکا	۹۹/۵	۳۸۰۶/۸
آلمان	۷۸/۱	۳۰۷۳
ایتالیا	۳۸/۳	۱۴۸۳/۹
امارات متحده عربی	۳۹	۳۲۱
ژاپن	۲۴/۲	۳۳۵
کانادا	۱۲/۴	۵۵۱
سوئیس	۱۳/۷	۴۲۱/۴
فرانسه	۹/۶	۳۴۸
لبنان	۷	۱۹۶
دانمارک	۷/۵	۲۵۶/۶
انگلستان	۸/۹	۳۸۳
کویت	۱۰	۱۳۳

۳-۳- ساختار بازار فرش صادراتی ایران

ساختار تقاضای فرش دستباف صادراتی ایران و تغییرات آن در طی دوره زمانی ۸۵-۱۳۷۷ با استفاده از شاخص نسبت تمرکز بررسی شده است که پیش از ارائه نتایج ابتدا به خلاصه ای از تئوری بازار ونحوه محاسبه شاخصهای نسبت تمرکز می‌پردازیم.

۳-۳-۱- تعریف بازار

بازار به معنی محل خرید و فروش و عرضه کالا است. از نظر تئوری اقتصاد نیز بازار از محل معین، با کلیه اشخاصی که برای خرید و فروش کالای مشخص با یکدیگر تماس پیدا کرده و در نتیجه مبادلات آنها در زمان واحد به یک قیمت معین انجام می‌گیرد، تشکیل می‌شود. همچنین بازار فقط خاص محصولات مختلف نبوده و عرضه یک فکر، دانش و یا اعلام در انتخاب و عرضه، همه ایجاد نوعی بازار است.

۳-۳-۲- ساختار بازار

ساختار بازار میان دو شکل معروف رقابت و انحصار قرار دارد و این تحقیق درصدد پاسخگویی به این سوال اساسی است که بازار جهانی فرش چه ساختاری داشته و ایران در این بازار جهانی از چه جایگاهی بهره‌مند است. افزون بر این ساختار بازار تقاضای فرش صادراتی ایران و تغییرات آن چه جهت‌گیریهایی داشته است، در این قسمت ارائه شرح مختصری از انواع ساختار بازار و خصوصیات آن مفید می‌باشد.

اگر ساختار بازار بگونه‌ای باشد که بیش از ۵۰ رقیب، بدون آن که سهم قابل توجهی از بازار را در انحصار داشته باشند در این بازار موجود باشند، ساختار بازار رقابت کامل خواهد بود، و اگر تعداد رقبای موثر زیاد هیچکدام بیش از ده درصد بازار را در انحصار نداشته باشند، بازار رقابت انحصاری می‌باشد. همچنین اگر بازار طوری باشد که چهار بنگاه حداکثر ۴۰ درصد بازار را در انحصار داشته باشند بازار انحصار چند جانبه باز ولی اگر این چهار بنگاه ۶۰ تا ۱۰۰ درصد بازار را در انحصار داشته باشند، بازار انحصار چندجانبه بسته خواهد بود.

۳-۳-۳- روش‌های اندازه‌گیری قدرت انحصاری بازار

در اقتصاد کاربردی روش‌های مختلفی برای اندازه‌گیری قدرت انحصاری در بازار وجود دارد که از آن میان می‌توان به شاخص‌های لرنر^۱، تبعیض قیمتی^۲، نرخهای سود^۳ و نسبت‌های تمرکز^۴ و هرfindahl^۵ اشاره کرد. که در این مطالعه دو شاخص آخر مورد استفاده قرار خواهد گرفت:

شاخص نسبت‌های متمرکز (CR): نسبت‌های تمرکز، اندازه سهم بزرگترین بنگاه‌های تولیدی از کل تولید بازار را اندازه‌گیری می‌کند. برای نمونه نسبت تمرکز n را با CRn نشان داده و بیانگر نسبت مجموع فروش n تا از بزرگترین بنگاه‌های تولیدی به کل تولید بازار است. معروفترین نسبت‌های تمرکز، نسبت تمرکز ۴ بنگاهی و ۸ بنگاهی است که آنها را با CR4 و CR8 نشان می‌دهند. نسبت‌های تمرکز می‌تواند انواع ساختار سایر بازارهای بینابین رقابت کامل و انحصار کامل را نیز نشان دهد.

شاخص هر findahl (HI): برای رفع بعضی نواقص وارد بر نسبت‌های تمرکز، هر findahl شاخصی را برای اندازه‌گیری قدرت انحصاری بازار پیشنهاد کرده این شاخص را با HI؛ شاخص هر findahl نامیده و با فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$HI = \sum_{i=1}^n Si^2$$

در فرمول فوق، n تعداد بنگاههایی که در بازار وجود دارند و Si سهم تولید بنگاههایی که در بازار هستند را نشان می‌دهند. این شاخص هم تعداد بنگاهها و هم اندازه نسبی‌شان را نشان می‌دهد. تغییرات شاخص هر findahl بین یک و

$\frac{1}{n}$ است. شاخص هر findahl یک آماره است که هر چه به صفر نزدیک باشد نشانگر درجه رقابتی بالای بازار و هر چقدر

-
- 1-Lwmer Index
 - 2-Price diserimination
 - 3-Profit rafes
 - 4- conentration Ratios
 - 5-Herfindahl Index.

به یک نزدیکتر باشد، درجه انحصاری بالا را نشان می‌دهد. این شاخص به تنهایی چیزی را به ما نشان نمی‌دهد بلکه در مقایسه با سایر بازارها و یا تغییرات نسبی آن در طول زمان است که تغییرات ساختاری بازار را توضیح می‌دهد. از مزایای این شاخص این است که نخست سهم تمامی بنگاههای تولیدی در بازار را مخلوط کرده و دوم عکس HI نوع بازار (تعداد بنگاهها با سهم یکسان) را نشان می‌دهد.

۳-۳-۴- نحوه جمع‌آوری آمار و اطلاعات لازم

در تحقیق حاضر از اطلاعات سری زمانی و آمار و اطلاعات مقطعی پیرامون نوغانداری، بمنظور بررسی بازار پيله و نخ ابريشم و عوامل مؤثر بر آن استفاده شده است. این آمار و اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، سایت فائو، و دستگاههای دولتی نظیر وزارت جهاد کشاورزی، وزارت بازرگانی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران و مرکز آمار ایران اخذ شده است.

۳-۳-۵- نتایج محاسبه

شاخص CR و تغییرات آن در بازار صادراتی فرش دستباف ایران در سالهای ۸۵-۱۳۷۷ در جدول شماره ۷ نشان داده شده است. نتایج نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۷، بزرگترین واردکنندگان فرش دستباف ایران به ترتیب آلمان، ایتالیا، کانادا و سوئیس بوده که نسبت‌های تمرکز بازار صادراتی این محصول CR1, CR2, CR3, CR4 بترتیب ۴۰، ۵۵/۳، ۶۴/۲ و ۷۲/۴ درصد بوده است. بدین مفهوم که در سال مذکور ۴۰، ۵۵/۳، ۶۴/۲ و ۷۲/۴ درصد بازار صادراتی فرش دستباف ایران بترتیب در انحصار یک، دو، سه و چهار کشور است که آمار تکان‌دهنده‌ای از حیث آسیب‌پذیری بازار این محصول می‌باشد. در سال ۱۳۷۸ کاهش شاخص‌های CR1 و CR4 وضعیت بهتری را نشان می‌دهند.

نسبت‌های تمرکز CR1, CR2, CR3, CR4 در سال ۱۳۷۹ به ترتیب ۳۱/۵، ۴۷، ۵۸/۵ و ۶۵/۵ درصد مربوط به کشورهای آلمان، آمریکا، ایتالیا و امارات متحده عربی بوده است و کاهش CR1 و CR4 در سال مذکور نسبت به سال قبل حاکی از افزایش درجه رقابتی ساختار بازار فرش دستباف ایران می‌باشد. همچنین در سال مذکور کشور آمریکا بعنوان دومین بازار هدف فرش ایران وارد بازار شده است. بزرگترین کشور متقاضی فرش ایران در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ بترتیب کشورهای آلمان و آمریکا بوده‌اند. نسبت تمرکز بازار صادراتی فرش ایران CR4 طی این سالها به ترتیب ۶۵/۵ و ۶۵/۸ درصد بوده که همچنان نسبت به سال‌های قبل روند کاهشی را نشان می‌دهد. همچنین این نسبت‌ها بیانگر آنست که بطور متوسط بیش از ۶۵ درصد تقاضای خارجی فرش دستباف ایران در انحصار چهار کشور است که این امر آسیب‌پذیری بازار صادراتی این محصول را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۷- شاخص نسبت تمرکز و تغییرات آن در بازار صادراتی فرش دستباف ایران

طی سالهای ۸۵-۱۳۷۷

شرح	CR1	بزرگترین کشور واردکننده	CR2	دومین کشور واردکننده	CR3	سومین کشور واردکننده	CR4	چهارمین کشور واردکننده	درصد تغییرات CR1	درصد تغییرات CR4
۱۳۷۷	۴۰	آلمان	۵۵/۳	ایتالیا	۶۴/۲	کانادا	۷۲/۲	سوئیس	-	-
۱۳۷۸	۳۶/۵	آلمان	۴۹/۸	ایتالیا	۶۲/۴	کانادا	۶۸/۱	امارات متح	-۵/۷	-۸/۸
۱۳۷۹	۳۱/۵	آلمان	۴۷	آمریکا	۵۸/۵	ایتالیا	۶۵/۵	امارات متح	-۳/۸	-۱۳/۷
۱۳۸۰	۲۹/۱	آلمان	۴۷/۷	آمریکا	۵۸/۲	ایتالیا	۶۵/۵	امارات متح	۰	-۷/۶
۱۳۸۱	۲۴/۲	آمریکا	۴۷/۹	آلمان	۵۸/۴	ایتالیا	۶۵/۸	امارات متح	۰/۵	-۱۶/۸
۱۳۸۲	۳۵/۹	آمریکا	۵۵/۷	آلمان	۶۴/۴	ایتالیا	۷۱/۳	امارات متح	۸/۴	۴۸/۳
۱۳۸۴	۲۲/۸	آلمان	۴۲/۳	آمریکا	۵۱/۲	امارات	۵۹/۹	ایتالیا	-۱۶	-۳۶/۵
۱۳۸۵	۲۳/۹	آمریکا	۴۲/۶	آلمان	۵۲	امارات	۶۱/۲	ایتالیا	۲/۲	-۴/۸

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتایج حاکی از آنست که در سال ۱۳۸۲ بزرگترین متقاضی فرش دستباف ایران کشور آمریکا بوده که حدود ۴۰ درصد از صادرات فرش ایران را به خود اختصاص داده است و نسبت به سال ۱۳۸۱ از افزایش ۴۸/۳ درصدی برخوردار بوده است. همچنین شاخص CR4 نیز در سال مذکور افزایش یافته است. این در حالی است که شاخص‌های CR1 و CR4 در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال ۸۲ کاهش چشمگیری داشته است.

نسبت‌های تمرکز CR4, CR3, CR2, CR1 در سال ۱۳۸۵ بترتیب ۲۳/۹، ۴۲/۶، ۵۲ و ۶۱/۲ درصد مربوط به کشورهای آمریکا، آلمان، امارات متحده عربی و ایتالیا بوده است.

بطور کلی آمار و اطلاعات بیانگر آنست که صادرات فرش دستباف ایران به بیش از یکصد کشور مختلف جهان صورت می‌گیرد ولی تقریباً نیمی از فرشهای دستباف ایرانی به ۲ کشور صادر می‌شود. در مجموع موارد زیر را می‌توان از تجارت خارجی فرش دستباف ایران استنباط کرد:

۱. صادرات فرش دستباف به بیش از ۱۰۰ کشور جهان انجام می‌گیرد.
۲. حدود ۶۶ درصد صادرات فرش دستباف ایران به ۴ کشور جهان انجام می‌گیرد.
۳. حدود ۵۰ درصد صادرات فرش دستباف ایران فقط به ۲ کشور صورت می‌گیرد (در حال حاضر این ۲ کشور آمریکا و آلمان و در سالهایی که آمریکا حضور نداشت ۲ کشور آلمان و ایتالیا بودند).
۴. حدود ۳۰ درصد از صادرات فرش دستباف ایران فقط به ۱ کشور جهان صادر می‌گردد.

۳-۴- دلایل کاهش تقاضای جهانی فرش ایران از دیدگاه کارشناسان

الف) وجود رقبای جدی. همان‌طور که گفته شد به دنبال خالی ماندن بازار فرش به ویژه در اروپا و آمریکا و ژاپن از سوی صادرات فرش دستباف ایران، رقبای ما بخش اعظم تقاضای بازار را به سمت خود کشیده‌اند؛ خصوصاً بعضی کشورهای همسایه در رقابت جدی با ایران هستند.

- ب) رکود اقتصادی در جهان. افزایش هزینه‌ها و تورم در کشورها به علاوه نرخ بالای بهره بانکی در بازارهای خارجی عواملی در جهت کاهش تقاضا می‌باشند.
- ج) با دوام بودن فرش. اگرچه مصرف‌کنندگان جدیدی از طبقه متوسط و پایین جامعه اضافه شده‌اند، لیکن رشد تعداد مصرف‌کننده نسبت به تعداد فرش‌های تولید شده زیاد نبوده است.
- د) ساخت ماشین‌های فرش بافی و تولید انبوه آن
- ه) عرضه طرح‌ها و نقشه‌های ایرانی توسط سایر کشورها
- و) برخی محدودیت‌ها نظیر محدودیت‌های تعرفه‌ای از طرف کشورهای خریدار فرش در چارچوب مقررات WTO که گاهاً به سود کشورهای رقیب ایران که عضو این سازمان هستند شده است.

فصل دوم:

وضعیت موجود بازار پيله و نخ ابريشم در جهان

۲-۱- مقدمه

امروزه چین، هند، ازبکستان، برزیل، ویتنام، تایلند و چند کشور دیگر به عنوان تولیدکنندگان عمده تخم نوغان و پيله مطرح می‌باشند. در کشورهایی که نیروی کار فراوان و ارزان‌تری دارند، این صنعت از پتانسیل بهتری برخوردار است. همچنین کشورهایی که دارای صنایع تبدیل ابريشم قوی‌تری هستند، از جایگاه بهتری در این صنعت برخوردارند. در برخی کشورها تغییر کاربری در صنعت پيله و ابريشم ایجاد شده و تولید و مصرف محصولات جانبی در این کشورها به سرعت در حال توسعه است. کشورهایی نظیر چین و هند در بخش تولید محصولات ابريشمی و عرضه آن به بازارهای داخلی و خارجی برنامه‌ریزی‌های منسجمی انجام داده‌اند. ژاپن علی‌رغم عدم توجه به تولید پيله، ابريشم مورد نیاز برای تولید پارچه را وارد می‌کند. کشورهای توسعه یافته، بخش‌هایی از فعالیت‌های این صنعت را به کشورهای در حال توسعه انتقال داده‌اند. امروزه ورود الیاف مصنوعی باعث کاهش تقاضا برای ابريشم شده است؛ لیکن به دلایل مختلف از جمله علاقه مردم، اقبال برای ابريشم همواره وجود داشته است. البته تولید ارزان و مقرون به صرفه الیاف مصنوعی، همواره تهدیدی برای الیاف طبیعی نسبتاً گران قیمت است. تولید الیافی مشابه با ابريشم نیز مزید بر علت شده است و امروزه بسیاری از تولیدکنندگان منسوجات ابريشمی از این الیاف استفاده می‌کنند. همچنین با توجه به عرضه تولیدات ابريشمی ارزان، تنوع خریداران زیاد شده است. از سویی دیگر به دلیل توجه و رشد روز افزون تولید فراورده‌های نوین در صنایع جانبی ابريشم، ارزش افزوده محصولات این صنعت روز به روز افزایش می‌یابد. به عنوان مثال امروزه از سفیره کرم ابريشم، ماده شیمیایی ارزشمند کیتوسان استخراج می‌شود که ارزش افزوده زیادی دارد.

در حال حاضر کشور چین بیشترین تخم نوغان را در دنیا تولید می‌کند و صادرکننده اصلی تخم نوغان به سایر کشورهای دنیا نظیر آسیای میانه است و بازار بین‌المللی عرضه تخم نوغان را به خود اختصاص داده است. قیمت عرضه تخم نوغان چینی نیز همانند بسیاری از محصولات صادراتی این کشور نظیر پوشاک، فرش و نخ ابريشمی مناسب بوده و به راحتی نیاز سایر کشورها را تأمین می‌نماید.

به طور کلی تولید تخم نوغان، تولید پيله و تولید نخ ابريشم کاهش یافته و قیمت آن نیز تنزل پیدا کرده است. ورود کشورهای آسیای میانه به بازارهای بین‌المللی، انباشت ابريشم و پایین بودن قیمت تمام شده در برخی مناطق جهان، باعث افت قیمت ابريشم در بازارهای بین‌المللی و از جمله ایران شده است. البته در برخی شرایط با رشد جزئی نیز همراه بوده که عمدتاً مقطعی و زودگذر است.

۲-۲- موقعیت جهانی تولید ابريشم

میزان تولید پيله ابريشم در برخی از کشورهای جهان طی دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۹۶ در جدول شماره ۸ نشان داده شده است.

آمار جدول بیانگر کاهش تولید پيله طی دوره زمانی مورد مطالعه در کشورهای صنعتی مثل ژاپن، برزیل و کره می‌باشد در حالی که کشور هند ضمن حفظ سقف تولید قبلی، افزایش تولید نیز داشته است و توانسته تولید خود را از ۲۱۵۳۸ تن در سال ۱۹۹۶ به ۷۷۰۰۰ تن در سال ۲۰۰۶ افزایش دهد. از دلایل عمده کاهش تولید پيله ابريشم طی نیمه دوم قرن بیستم در کشورهای صنعتی جهان می‌توان به کارگر طلب بودن فعالیت‌های پرورش کرم ابريشم، وجود

محدودیت زمین، سهم پایین سود حاصل از مرحله تولید پنبه و امکان بهره‌گیری بیشتر از سایر فعالیت‌های کشاورزی در مقایسه با آن و به تبع آن توجه این کشورها به ارزش افزوده فراوان بخش صنعتی این فعالیت شامل ابریشم‌کشی، بافندگی پارچه‌های ابریشمی و بهره‌گیری از زمینه‌های جدید استفاده از ابریشم اشاره کرد.

همانگونه که در جدول ۸ مشاهده می‌گردد کشور چین که در سال ۱۹۹۶ سومین تولیدکننده پنبه ابریشم بود، تولید خود را افزایش داده و مقام نخست را کسب نموده و توانسته است جایگاه خود را به عنوان بزرگترین تولیدکننده ابریشم خام طی نیم قرن گذشته ارتقاء دهد، لیکن با حفظ این جایگاه، در طی چند سال اخیر همانند ژاپن و کره به دلیل رشد صنعتی، روند نزولی را در پیش گرفته است. این موضوع نشان می‌دهد که با کاهش تولید در کشورهای صنعتی، در حال حاضر فرصت افزایش تولید برای کشورهای در حال توسعه وجود دارد.

جدول ۸- تولید پنبه تر در بعضی از کشورهای جهان

واحد: تن

کشور	۱۹۶۱	۱۹۸۱	۱۹۸۶	۱۹۹۶	۱۹۹۸	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶
چین	۱۵۱۸۴	۱۱۵۴۳۷	۱۱۱۸۵۲	۱۴۷۴۰۵	۱۹۳۰۰۳	۲۲۳۵۰۳	۲۶۹۰۰۳	۲۸۶۰۰۳	۶۷۶۸۲۲	۲۹۰۰۰۳	۳۰۰۰۰۳
هند	۲۱۵۳۸	۶۵۰۰۰	۷۰۰۰۰	۶۸۰۰۰	۷۷۰۰۰	۷۷۰۰۰	۷۷۰۰۰	۷۷۰۰۰	۷۷۰۰۰	۷۷۰۰۰	۷۷۰۰۰
ویتنام	۱۵۰۰	۱۵۰۰	۱۲۵۰	۶۰۰۰	۳۵۰۰	۲۸۰۰	۳۰۰۰	۲۸۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰	۳۰۰۰
برزیل	۱۶۰۳	۱۰۵۱۳	۱۱۴۶۹	۱۷۹۹۱	۱۴۰۴۸	۸۲۵۴	۹۷۶۰	۱۰۰۷۰	۱۱۰۰۰	۱۱۰۰۰	۱۱۰۰۰
تایلند	-	-	-	۴۵۰۰	۳۵۰۰	۴۰۰۰	۴۰۰۰	۴۵۰۰	۴۵۰۰	۵۰۰۰	۵۰۰۰
ژاپن	۱۱۵۲۹۷	۶۴۷۸۵	۴۱۴۶۵	۳۰۲۱	۱۹۷۹	۱۲۴۴	۱۰۳۱	۸۶۶	۷۶۵	۶۶۵	۵۰۰
بلغارستان	۱۶۷۱	۱۳۴۴	۱۲۷۵	۳۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰
ترکیه	۲۱۳۴	۲۰۰۵	۱۹۰۲	۲۱۵	۱۳۶	۶۰	۴۷	۱۰۰	۱۴۳	۱۵۷	۱۶۰
ازبکستان	-	-	-	۶۰۰۰	۲۰۳۸۶	۱۶۴۷۹	۱۷۷۰۰	۱۹۹۳۲	۱۶۷۹۹	۱۶۲۱۱	۲۰۲۴۹

منبع: FAO statistic

امروزه تولیدکنندگان جدیدی از کشورهای در حال توسعه همچون فیلیپین، تایلند، ویتنام، ترکیه، ایران و غیره از آسیا؛ تانزانیا، غنا، آفریقای مرکزی، مصر، سودان، ماداگاسکار، نیجر، نیجریه، کنیا و ژئیر از آفریقا؛ بلغارستان و رومانی از اروپا و برزیل از آمریکا به فهرست تولید و صادرکنندگان ابریشم خام و کالاهای ابریشمی جهان اضافه شده‌اند. اما به طور کلی ابریشم را باید یک محصول آسیایی نامید.

کشورهای پیشرفته و صنعتی دنیا نظیر ژاپن و کره، با توجه به منافع دراز مدت خود، سعی در انتقال تکنولوژی و شیوه‌های پیشرفته نوغانداری و اعطای کمک‌های فنی و مالی به کشورهای دیگر خصوصاً کشورهای آسیای جنوب شرقی دارند. از طرف دیگر وجود شرایط مناسب‌تر جهت افزایش تولید در کشورهای جهان سوم و به ویژه مناطق گرمسیری شامل جمعیت زیاد، امکان پرورش در چند نوبت از سال به دلیل وجود شرایط خاص آب و هوایی و ایجاد منبع درآمد ثابت و مطمئن برای کشاورزان، از بسترهای توسعه در کشورهای جهان سوم می‌باشند که نقش موثری در جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها و توسعه روستایی در آن مناطق خواهد داشت.

کشورهای چین و هندوستان طی دهه‌های اخیر، گوی سبقت را از کشور ژاپن به عنوان یک تولیدکننده قدیمی ربوده‌اند. در واقع صنعتی شدن ژاپن که پیامد آن بالا رفتن هزینه کارگری است، سبب شد که تولید سنتی ابریشم در

این کشور غیراقتصادی شود و با کاهش تعداد کشاورزان نوغاندار از سال ۱۹۸۷ به بعد، امروزه ژاپن در شمار واردکنندگان بزرگ ابریشم به شمار می‌آید.

ارزش صادراتی ابریشم در کشورهای مختلف طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۵ در جدول شماره ۹ آمده است. آمار جدول بیانگر آنست که ارزش صادرات جهانی ابریشم طی دوره مورد مطالعه در کشورهای مختلف از نوسانات دوره‌ای برخوردار است، از بزرگترین صادر کنندگان ابریشم جهان می‌توان به کشورهای چین، رومانی، ایتالیا، آلمان و هند اشاره نمود. ارزش صادرات در اکثر کشورها رشد داشته است که این امر حاکی از روند صعودی و مثبت صادرات جهانی ابریشم است.

جدول شماره ۹- ارزش صادرات ابریشم در کشورهای مختلف طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۵ (هزار دلار)

کشور	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
چین	۲۸۱۲۴۵	۲۶۷۶۴۴	۲۳۸۵۳۰	۲۳۶۰۴۵	۲۷۶۰۴۵
رومانی	۲۳	۱۹۲	۳۶۱۰	۸۶۸۱	۱۱۷۱۶
ایتالیا	۳۷۷۸	۹۳۳۵	۹۰۹۳	۱۴۵۵۴	۱۱۶۵۰
آلمان	۲۱۷۰۲	۱۲۱۳۵	۱۳۵۶۸	۹۳۰۸	۱۰۲۷۶
هند	۱۱۳۳۷	۴۱۴۱	۲۸۹۵	۲۲۰۸	۹۳۲۱
ژاپن	۱۱۰۳	۶۳۵	۳۲۴۳	۱۲۱۴۳	۵۴۳۸
ویتنام	۱۲۷۷	۴۲۹۸	۲۰۲۴	-	-
آمریکا	۲۳۵۲	۲۳۳۸	۲۷۱۱	۲۶۵۵	۲۵۸۰
برزیل	۲۱۱۶	۲۵۳۱	۲۲۵۶	۱۷۱۵	۲۱۷۵
انگلستان	۱۵۱۶	۱۳۸۱	۱۲۵۹	۱۲۳۱	۱۴۳۳
تایلند	۳۳۱۶	۲۰۸۰	۴۱۵	۲۵۸	۵۶۸
ایران	۶۷۵	۲۳۷	۶۵۲	۹۹	۲۳۶

منبع: مرکز تجارت جهانی ITC

کشور چین در سال‌های اخیر به سرعت بر صادرات فرآورده‌های ابریشمی و نیز بر تنوع آن‌ها افزوده است. این تنوع به افزایش صادرات و ارزش افزوده محصولات صادراتی چین کمک نموده است.

امروزه کشور چین در تجارت جهانی ابریشم عهده دار نقشی تعیین‌کننده است. بنا به اعلام مقامات دولتی چین، این کشور بر اجرای برنامه‌های جدیدی که برای صادرات محصولات ابریشمی خود در دست بررسی دارد، اصرار می‌ورزد. واردکنندگان و تولیدکنندگان کالاهای ساخته شده از ابریشم این اظهارات را با دقت زیاد مورد بررسی قرار می‌دهند، زیرا در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد کل واردات ابریشم خام و نخ‌های ابریشمی جهان از سوی کشور چین تامین می‌شود. باید در نظر داشت سهم ابریشم خام در تجارت کلی انواع ابریشم کشور چین بطور دائم در حال کاهش است.

کشور چین در سال‌های اخیر سرگرم تبدیل تولیدات خود به کالای ابریشمی‌آماده می‌باشد و در این راه با چالش‌های مدرنیزه کردن این صنعت نیز روبرو می‌باشد. چین تا کنون با چند شرکت خارجی برای بهبود کیفیت کالاهای تمام شده و نیز بالا بردن سطح استاندارد پارچه‌های ابریشمی خود زیر کنترل دقیق تکنسین‌های خارجی به توافق رسیده است. فروشگاه‌های بزرگ زنجیره ای در ایالات متحده امریکا و اروپا و نیز سازمان‌هایی که از طریق پست به فروش انواع لباس اشتغال دارند دیر زمانی است به همکاری نزدیک با تولیدکنندگان چینی اقدام نموده‌اند و لباس‌های ابریشمی خود را در آن کشور و با نظارت کارشناسان غربی تهیه و تولید می‌کنند. اخیراً بسیاری تجارت خانه‌ها و فروشگاه‌های بزرگ مشهور ژاپنی همکاری نزدیکی با تولیدکنندگان چینی برای گسترش تنوع لباس‌های ابریشمی در بازارهای ژاپنی آغاز کرده‌اند.

محصولات کشور هند به علت نامطلوب بودن کیفیت فراورده‌های ابریشمی، بیشتر مصرف داخلی داشته و تنها بخش کمی از آن به صورت پارچه، لباس و اجناس ابریشمی صادر می‌گردد. کشور هند هم کمبود ابریشم خام خود را از چین تأمین می‌نماید.

ارزش واردات ابریشم در کشورهای مختلف طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۵ در جدول شماره ۱۰ نشان داده شده است.

جدول ۱۰- ارزش واردات ابریشم در کشورهای مختلف جهان طی سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۵ (هزار دلار)

کشور	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵
هند	۱۳۴۲۴۳	۱۳۵۲۰۹	۱۳۸۳۵۳	۱۳۵۹۴۲	۱۸۰۹۰۷
ایتالیا	۹۲۸۶۰	۶۳۱۴۵	۵۹۱۹۹	۵۶۵۸۰	۶۶۰۱۲
ژاپن	۶۰۵۶۷	۴۸۹۱۱	۴۳۴۱۷	۴۳۴۲۹	۴۱۵۷۴
کره	۳۵۸۴۵	۳۴۹۸۰	۲۶۹۸۶	۲۷۲۸۶	۳۳۵۲۰
رومانی	۲۴۸۲	۸۹۱۱	۷۶۶۶	۱۴۹۸۴	۲۳۸۱۶
آلمان	۲۱۸۱۹	۱۴۲۴۹	۱۵۵۰۶	۱۰۶۴۵	۹۱۵۰
چین	۱۰۱۷۰	۷۱۰۳	۹۶۹۵	۱۵۵۱۶	۸۰۷۵
فرانسه	۱۱۲۶۶	۸۳۳۰	۵۲۵۹	۶۶۸۳	۶۷۸۶
تایلند	۱۱۰۷۷	۴۷۳۲	۲۵۶۰	۳۸۲۵	۶۳۸۹
ترکیه	۳۷۹۵	۲۹۳۳	۲۹۵۲	۳۸۵۴	۲۹۷۵
انگلستان	۳۳۵۰	۲۸۵۱	۱۴۹۳	۲۱۸۶	۲۱۰۸
ایران	-	۴۴	۲۱۵	۱۶۸۳	۱۸۴۹

منبع: مرکز تجارت جهانی ITC

آمار جدول حاکی از آنست که بزرگترین واردکنندگان ابریشم بترتیب کشورهای هند، ایتالیا، ژاپن و کره می‌باشند. هرچند ارزش وارداتی هند طی دوره مذکور افزایش یافته است، ولیکن کشورهایی نظیر ایتالیا، ژاپن و کره با کاهش واردات روبرو بوده‌اند.

۲-۳- تقاضا برای ابریشم خام در کشورهای تولیدکننده

ابریشم بر خلاف سایر انواع منسوجات، بیشتر در کشورهای تولیدکننده آن به مصرف می‌رسد. این کشورها اکنون در شمار کشورهای روبه رشد می‌باشند که افزایش تولیدات خود را با در نظر گرفتن بازارهای محلی انجام می‌دهند. برای مثال کشور هند بیشتر مواد اولیه ابریشمی تولیدی خود را در داخل کشور به مصرف می‌رساند. افزایش صادرات تولیدات ابریشمی از هندوستان هنوز هم در صورت افزایش میزان تولید ابریشم خام امکان پذیر خواهد بود. در شرایط کنونی جهان، افزایش تولید و عرضه نخ ابریشمی تنها بایستی از سوی کشور چین تامین شود. پاره ای از صادرکنندگان عمده کالای ابریشمی در هندوستان تنها با اتکا به واردات ابریشم می‌توانند ادامه حیات دهند. بر پایه آخرین گزارش‌ها، مصرف ابریشم در ژاپن با کمی‌افزایش موقعیت پیشین خود را حفظ کرده است و این بدان دلیل است که مردم ژاپن علاقه زیادی به مصرف لباس‌های غربی ساخته شده از جنس ابریشم پیدا کرده‌اند. گرچه مصرف لباس محلی ژاپن - کیمونو- در سال‌های اخیر کاهش یافته است، با این حال بیش از ۷۵ درصد مصرف ابریشم در ژاپن برای تولید کیمونو بکار می‌رود.

آخرین گزارش‌های واصله از چین گویای این واقعیت است که بالا رفتن سطح درآمدها و زندگی در میان مردم چین سبب افزایش تقاضا برای کالاهای ابریشمی شده است. مصرف انواع ابریشم در جمهوری کره نیز مانند ژاپن بیشتر برای تهیه و تولید البسه محلی مورد استفاده است. در جمهوری کره نیز لباس‌های محلی دیرزمانی است که جای خود را به لباس‌های غربی داده و استفاده از البسه غربی همچنان رو به فزونی دارد.

به هنگام برنامه‌ریزی برای تجارت جهانی ابریشم، لازم است ویژگی‌های مصرف و تقاضا برای کالای ابریشمی در کشورهای سنتی این کالا در نظر گرفته شود و تعادلی میان تولید کالاهای بسیار لوکس ابریشمی و نیز بازارهای سنتی این کالا برقرار گردد.

۲-۴- قیمت ابریشم و کالاهای ابریشمی

کشورهای عمده تولیدکننده ابریشم نظیر چین، هند و ژاپن، مجموعاً قیمت واقعی ابریشم را تعیین می‌کنند. اثر تعیین‌کنندگی این کشورها به میزان مصرف داخلی و صادرات و واردات و ایجاد تنوع در کالاهای ابریشمی و برخی عوامل دیگر بستگی دارد. شایان ذکر است که قیمت ابریشم در ژاپن خیلی بیشتر از قیمت‌های جهانی است. بررسی نوسانات قیمت جهانی پنبه نشان می‌دهد که تا سال ۱۹۸۰، قیمت پنبه از روند صعودی یا متوسط رشد ۱۱/۴ درصد در سال برخوردار بوده است. طی سال‌های ۱۹۸۶-۱۹۸۰، روند آن نزولی و معادل ۳/۶ درصد در سال بود و طی همین دوره قیمت صادرات پنبه کشورهای توسعه یافته با متوسط نرخ رشد پنج درصد، از کیلویی ۳/۴۷ دلار در سال ۱۹۷۷ به ۵/۳۸ دلار در سال ۱۹۸۶ رسید. از سال ۱۹۸۷ هم تمایل بیشتر مردم دنیا به الیاف طبیعی، بر قیمت این کالا افزوده

است. اما براساس آمار سال‌های ۱۹۹۲ و ۲۰۰۱، قيمت پيله طی اين سال‌ها روند نزولی داشته و قيمت صادرات و واردات آن نیز کاهش یافته است. بر اين اساس کشورهای عمده صادرکننده پيله و ابريشم جهان در تلاشند تا سهم صادرات کالاهای ساخته شده خود را افزايش داده و مواد اوليه را به کالاهای فراوری شده و با ارزش افزوده بيشتر عرضه کنند تا منابع ارزی بيشتری برای کشور خود تأمین نمایند. به طور کلی وضعیت کنونی اين صنعت، برای کشورهای در حال توسعه و فقير نیز فرصت مناسبی را جهت توسعه صنعت نوغانداری فراهم ساخته است.

جدول شماره ۱۱- میانگین قيمت یک کیلوگرم پيله در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۰۲ (دلار)

کشور	مبلغ پرداخت شده به تولیدکننده در ازای پيله تر		قیمت پيله خشک صادراتی		قیمت پيله خشک وارداتی	
	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۱	۲۰۰۲
برزیل	۲	۱/۸	۷/۶	۴/۷	۱	-
بلغارستان	۲/۵	۲/۵	۹	۰	-	۰
کلمبیا	۲/۸	۲/۱	-	۰	-	۰
مصر	۳/۹	۳/۲	-	۰	-	-
یونان	۲/۵	۲/۵	-	۰	-	۰
هند	۲/۸	۲/۵	-	۰	-	۰
اندونزی	۲	-	۱/۵	-	-	-
ایران	۳	۲/۷	-	۰	-	۰
ژاپن	۱۵	۱۵	۷/۵	۶	۹	۶/۳
فیلیپین	۲/۴	۲/۵	-	۰	-	۰
رومانی	۲	۲	-	۰	-	۰
تایلند	۲/۵	۲	۸/۸	۷	۵/۴	۰
ترکیه	۴	۵	-	۰	-	۰
ویتنام	۲	۱/۵	-	۰	-	۰
چین	-	۱/۳	-	۶/۵	-	۱/۴

۲-۵- کشورهای و مناطق تولیدکننده عمده ابريشم در جهان

۲-۵-۱- برزیل

امروزه برزیل مهمترین تولیدکننده ابريشم در خارج از منطقه کشورهای آسیای تولیدکننده سنتی ابريشم می‌باشد. این کشور پس از چین و هند، سومین تولیدکننده بزرگ ابريشم در دنیاست. مناطق اصلی پرورش کرم ابريشم برزیل عبارتند از ایالت‌های سائوپائولو و پاراندا که بیش از ۹۶ درصد ابريشم تولیدی برزیل را به خود اختصاص

داده‌اند. بخشی از فرایند پرورش کرم ابریشم در ایالت‌های "سنت کاترینا" و "ماتوگراسودوسول" صورت می‌پذیرد اما شرایط آب و هوایی و خاک این مناطق چندان مطلوب نیست.

تولید ابریشم در برزیل از دهه ۱۹۲۰ شروع شد و در ابتدا تنها متوجه بازارهای محلی بود. در اوایل دهه ۱۹۷۰ تعداد بسیاری از تجارتخانه‌های ژاپنی که به دنبال عرضه کنندگان جدید ابریشم بودند متوجه مراکز تولید ابریشم در سائوپائولو و پاراندا شدند. امروزه قسمت عمده پرورش کرم ابریشم و تولید ابریشم در برزیل به وسیله شرکت‌های ژاپنی کنترل می‌شود. سه تولیدکننده و پرورش‌دهنده اصلی ابریشم در برزیل براتاک، کانبو و کوکامار بوده که دو تولیدکننده اولی بیش از ۹۰ درصد تولید ابریشم کشور را به خود اختصاص داده‌اند. ژاپن خود بزرگترین خریدار و مهمترین مشتری ابریشم برزیل به شمار می‌آید و حدود ۷۰ درصد صادرات ابریشم برزیل به کشور ژاپن صورت می‌گیرد.

بدون شک در برزیل یک بازار شکوفای داخلی، علیرغم کوچک بودن آن وجود دارد که تقاضا برای پوشاک آماده و دوخته شده را ایجاد کرده است. در داخل کشور تعدادی بافنده ابریشم وجود دارد که بیشترشان دارای امکانات چاپ روی ابریشم می‌باشند، این بافندگان عمدتاً برای تولیدکنندگان پوشاک محلی کار می‌کنند و بازار نسبتاً بزرگی را برای لباس‌های خانگی فراهم آورده‌اند. بیشتر ابریشم تولیدی برزیل به صورت نخ ابریشمی صادر می‌شود. بخشی دیگر نیز به صورت پوشاک ابریشمی - به ویژه ابریشم خاکستری است که ۹۵ درصد آن به ایتالیا فرستاده می‌شود. براتاک که تولیدکننده اصلی ابریشم در کشور محسوب می‌گردد، یکی از بزرگترین تولیدکنندگان دوک‌های ابریشمی در جهان است.

۲-۵-۲- چین

هم اکنون چین بر تولید ابریشم خام در جهان تسلط دارد. چند استان اصلی تولیدکننده ابریشم چین بطور سنتی، استان‌های شی هوان، ژی یانگ، ژیانگ سو و گوانگ دونگ می‌باشند. بطور تقریب ۲۰ میلیون خانوار مشغول پرورش کرم ابریشم هستند، به اضافه نیم میلیون نفر که در استخدام ۶۰۰ شرکت دوک سازی و قرقره سازی کشور می‌باشند. با این حال شکوفا شدن سایر صنایع در چین به همراه روند صنعتی شدن این کشور بر پرورش کرم ابریشم و تولید ابریشم به ویژه در ژیانگ سو و ژی یانگ اثر گذاشته است. یعنی همان مناطقی که همچنان مرکز تولید ابریشم با بهترین و بالاترین کیفیت بوده است. در نتیجه بخشی از زمین‌هایی که پیش از این برای پرورش کرم ابریشم به کار گرفته می‌شد یا به مصارف صنعتی اختصاص یافته است و یا به جاده و منازل مسکونی تبدیل شده است. در نتیجه ممکن است شرایط سابق برای تولید ابریشم با کیفیت عالی هیچگاه فراهم نشود.

در اواسط دهه نود میلادی، میزان تولید تخم نوغان در کشور چین به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. در سال ۱۹۹۵ این مقدار به بالاترین میزان خود طی سالیان گذشته یعنی به ۲۶۷۵۸ هزار جعبه تخم نوغان بالغ شد. پس از آن با افت ناگهانی قیمت پبله در بازارهای جهانی، میزان تولید تخم نوغان به ۱۵۲۳۹ هزار جعبه تنزل کرد و در سال ۱۹۹۶ شاهد کاهش چشمگیری معادل ۴۰ درصد در تولید تخم نوغان بود. پس از آن دولت چین سیاست حمایت از تولیدکنندگان و ذخیره‌سازی محصولات را اجرا کرد. قیمت تخم نوغان به وسیله بخش‌های مجاز تولید تخم نوغان در استان‌ها تعیین می‌شود. از آنجا که هر استانی شرایط خاص خود را دارد، لذا قیمت تخم نوغان در هر استان متفاوت است

در مورد توزیع تخم نوغان در میان کشاورزان باید گفت که در چین عمدتاً کشاورزان جهت دریافت تخم نوغان تقاضای خود را به همراه پیش پرداخت، تحویل دست اندرکاران یا نوغانداران برگزیده می‌دهند. سپس نوغانداران برگزیده، تقاضاها را به مراکز توسعه پرورش انتقال می‌دهند. پس از دریافت تقاضا و اطلاع از تعداد متقاضیان و کمیت آنها، مراکز توسعه پرورش استان که تخم نوغان را تحت شرایط کنترل شده نگهداری می‌کنند، مقادیر مورد نیاز را به درخواست کنندگان تحویل می‌دهند.

چین که بزرگترین ذخایر ژنتیکی درخت توت را دارد، از سال ۱۹۷۰ با عرضه درختان توت هیبرید توانست تحولی اساسی در پرورش کرم ابریشم به وجود آورد. زیرا برگ این هیبریدها از همان سال اول کاشت، برداشت و به مصرف می‌رسد. به علاوه عملکرد آنها نیز ۴۰ درصد نسبت به درختان قدیمی‌تر است. در بعضی مناطق چین با کاشت مترکم درختان توت از هر هکتار ۳۰ تن برگ توت در یک سال برداشت می‌کنند. در سال ۱۹۹۸ صنایع ابریشم چین به دلایل بحران‌های مالی کشورهای آسیایی و همچنین سیلاب‌های پیش‌بینی نشده دچار رکود گردید. کل تولید پنبه در سال ۱۹۹۸ حدود ۵۴۸ هزار تن بود که ۴۳۳ هزار تن آن شامل پنبه توت می‌گردید. این مقادیر در مقایسه با ۴۶۹ هزار تن پنبه تولید شده در سال ۱۹۹۷ (که حدود ۴۰۷ هزار تن آن پنبه توت بوده است) رشد ۲۵ درصد را نشان می‌دهد. این در حالی است که تولید ابریشم خام از ۸۲۸۰۰ تن (۵۷۵۰۰ تن ابریشم توت) در سال ۱۹۹۷ به مقدار ۶۷۶۰۰ تن (۴۹۴۰۰ تن ابریشم توت) در سال ۱۹۹۸، تنزل یافته و افت ۱۸ درصد را نشان می‌دهد. در همین سال کل صادرات ابریشم چین ۱/۹۶ میلیارد دلار بوده که نسبت به صادرات ۲/۴۴۷ میلیارد دلاری سال قبل ۲۰ درصد کاهش یافته است. جمع کل صادرات ابریشم از چین در سال ۱۹۹۸، ۸۴۸۱ تن بود که تنها نسبت به حجم صادرات سال ۱۹۹۷، ۱۶ درصد کاهش نشان می‌دهد. همچنین کل صادرات پارچه‌های ابریشمی چین ۲۵ درصد کاهش و صادرات پوشاک و سایر محصولات نهایی نیز حداقل ۲۱ درصد تقلیل یافت. بر اساس گزارش انجمن بین‌المللی نوغانداری، مهم‌ترین دلیل این کاهش تولید مربوط به کاهش مصرف در بازارهای آسیایی (۲۳ درصد) و به خصوص ژاپن (۳۸ درصد) می‌شود. لیکن ارزش صادرات ابریشم خام به هندوستان، کره و تایلند بیشتر شده است.

نکته قابل توجه این که دولت چین و مقامات مسئول صنایع ابریشم این کشور، در مواجهه با شرایط نامطلوب بازار جهانی قصد دارند سیاست‌های کنترل کمی صادرات و تولید ابریشم را با برآورد معیارهای تقاضای واقعی بازار داخلی و جهانی پیگیری و اعمال نمایند. در این راستا تلاش‌هایی به منظور تولید نژادهای جدید پرمحصول توت و کرم ابریشم و نتیجتاً رشد کیفی پنبه‌ها آغاز شده است؛ نهادهای فنی تولید جهت بهبود محصولات ابریشمی و توسعه و ترویج فرآورده‌های جدید افزایش یافته و کوشش‌هایی نیز جهت اصلاح قانون صادرات ابریشم و صعود نرخ‌ها صورت پذیرفته است.

بازار کساد و قیمت نازل منتج از رقابت فشرده، میزان صادرات ابریشم را چه از نظر حجم صادرات و چه از نظر ارزش کاهش داده است. بر اساس گزارش اداره گمرک، در ماه‌های ژانویه و می سال ۲۰۰۳ حجم صادرات ابریشم استان گانگ دونگ ۳۲۱ تن بود که ۴۰ درصد نسبت به میزان صادرات ماه‌های مشابه در سال ۲۰۰۲ کاهش نشان می‌دهد. گزارش‌های موجود حاکی از میانگین ۱۵۰۹۸ دلار در هر تن با کاهش ۱۸ درصد قیمت می‌باشد؛ در حالی که در سال

۲۰۰۱ قیمت آن معادل ۲۱۵۴۳ و در سال ۲۰۰۲ به ۱۶۵۲۷ کاهش پیدا کرد و متعاقباً در پنج ماهه نخست سال ۲۰۰۳ میانگین قیمت ابریشم به ۱۴۸۳۲ دلار در هر تن تنزل یافت.

چین بزرگترین صادرکننده ابریشم خام دنیا است. در سال‌های اخیر، چون تقاضای بازارهای اصلی مصرف نظیر ژاپن و ایتالیا کاهش یافته است، به تبع آن میزان صادرات چین نیز کاهش یافت. این امر احتمالاً یا به خاطر تولیدات داخلی بیشتر در کشورهای تولیدکننده و یا حاصل از تبدیل بیشتر پبیل وارداتی به ابریشم در کشورهای واردکننده بوده است. از طرفی به دلیل انباشت ابریشم خام مازاد در چین، کمپانی‌های رقیب نیز اقدام به کاهش قیمت ابریشم خام کردند. توضیح این نکته ضروری است که این کاهش قیمت، اثرات قابل ملاحظه‌ای روی صنایع مرتبط با ابریشم داشته است؛ به گونه‌ای که بر اساس گزارش عملکرد اتحادیه ابریشم چین، استان زی جیانگ که دارای بیشترین حجم تولید در چین می‌باشد، با کاهش قیمتی در حدود ۳۱/۸ درصد مواجه شد و به تبع آن نوغانداران نیز متحمل ضرر اقتصادی قابل ملاحظه‌ای شدند.

۲-۵-۳- هند

هند دومین تولیدکننده بزرگ ابریشم و همچنین بزرگترین مصرف‌کننده ابریشم جهان می‌باشد. هند دارای پیشینه‌ای طولانی در پرورش کرم ابریشم است که به سده دوم پیش از میلاد بر می‌گردد. پرورش کرم ابریشم در هند، از سده هجدهم تا اوایل سده بیستم در دوران زمامداری انگلیسی‌ها بر هند شکوفا شد. ابریشم همواره در فرهنگ هندی‌ها نقش کلیدی داشته است. استفاده از پوشاک ابریشمی در این کشور دارای سابقه‌ای طولانی است. صنعت ابریشم در هند، بیشتر یک صنعت خانگی است که کشاورزان خرده پا و حاشیه نشین بدان مبادرت می‌ورزند. پرورش کرم ابریشم و تولید ابریشم همیشه به عنوان یک ابزار بالقوه برای بهبود وضعیت معیشت و اقتصاد مناطق روستایی مطرح بوده است. برآورد شده است که این بخش برای نزدیک به ۶/۳ میلیون نفر فرصت شغلی ایجاد کرده است. هند، تقریباً تنها کشور جهان است که تمام ابریشم تجاری اعم از مالبری، تاسار (گرمسیری و استوایی)، اری و موگا را تولید می‌کند. هند از نظر تولید ابریشم مالبری و تاسار بعد از چین دومین تولیدکننده بزرگ جهان بوده ضمن اینکه تنها تولیدکننده ابریشم طلایی به نام موگا می‌باشد.

پرورش کرم ابریشم به عنوان یک صنعت خانگی در بیش از ۵۹۰۰۰ روستای هند مطرح است.

علی‌رغم این که تولید ابریشم در تمام کشورهای تولیدکننده از یک روند نزولی تبعیت می‌کند، این روند در هند تدریجاً رو به افزایش دارد. به دلیل صفات و ویژگی‌های خاص ابریشم هندی، تقاضای آن در داخل کشور و بازارهای خارجی چشمگیر بوده و ثبات خواهد داشت. سیاست کلی دولت هند نیز حمایت از این صنعت در جهت سرعت بخشیدن به روند تقاضا می‌باشد. طرح‌های صنعت نوغانداری هند در قالب برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت ترسیم شده است. این در حالی است که طرح‌های کوتاه‌مدت در برگیرنده برنامه‌های توسعه منظم با هدف ازدیاد تولید می‌باشد. لیکن طرح‌های بلندمدت، رشد و ارتقاء صنعت نوغانداری طی زمان مشخص را سازمان‌دهی می‌کند؛ به نحوی که علاوه بر تأمین نیازهای داخلی، زمینه صادرات نیز فراهم می‌گردد.

قبل از سال ۲۰۰۰، میزان صادرات فرآورده‌های ابریشمی چین به هند به طور میانگین ۲ تا ۳ هزار تن در سال بود.

این در حالی است که در سال ۲۰۰۱ این میزان به ۵۰۰۰ تن و در طی سال‌های ۲۰۰۲ و ۲۰۰۳ به ۷۰۰۰ تن در سال

رسید. در این مدت بسیاری از کارخانجات ابریشم‌بافی در هند، به واسطه فراوانی و ارزانی ابریشم چینی، خواستار خرید آن شده‌اند. لذا در طول کمتر از دو سال، صنایع داخلی مرتبط با ابریشم در هند با کاهش قیمت از ۱۵۰۰ روپیه به ۱۰۰۰ روپیه برای هر کیلوگرم، آسیب‌های جبران‌ناپذیری دیدند. بنابراین دولت هند تصمیم گرفت به صورت جدی به مقابله با قیمت‌شکنی نخ ابریشم چین بپردازد. برای تحقق بخشیدن به روند مبارزه با قیمت شکنی در بازارهای هند، کمیته‌ای در این راستا تشکیل شد که به دقت به ارزیابی و کنترل قیمت کالاهای ابریشمی و همچنین کنترل میزان واردات می‌پردازد. این کمیته که به نام DGAD معروف شد، با همکاری دولت، وظیفه مبارزه با کاهش قیمت ناشی از واردات و به تعادل رساندن بازار داخلی را بر عهده دارد. بر اساس تصویب وزارت بازرگانی هند، قیمت پایه برای واردات نخ ابریشمی خام نتابیده در کشور هند، ۲۷/۹۸ دلار برای هر کیلوگرم نخ می‌باشد و هرگونه وارداتی پایین‌تر از این قیمت از طرف ستاد مبارزه با دامپینگ (قیمت شکنی)، مورد پیگیری و بازخواست قرار خواهد گرفت. مطابق استانداردهای جهانی پذیرفته شده توسط ISA (کشور فرانسه) در خصوص درجه‌بندی ابریشم طبیعی، قانون ضد قیمت شکنی باید در مورد ابریشم‌های درجه ۲A و پایین‌تر اعمال گردد. نکته دیگر این که در اثر پیگیری مستمر این کمیته در مواجهه با قیمت‌شکنی و به منظور حمایت از صنعت نوغانداری هند، در منطقه کارناتاکا حدود ۱۱۵ هزار هکتار زمین تبدیل به توتستان شد که در نتیجه برای ۲۵۸ هزار نفر شغل ایجاد گردید.

پرورش کرم ابریشم بعنوان یک صنعت خانگی در بیش از ۵۹ هزار روستای هند مطرح است. پرورش کرم ابریشم مالبری، بیشتر در کارناتاکا، آندراپرادش، تامیل نادو، جامو و کشمیر و بنگال غربی رواج دارد. این نواحی در مجموع، نزدیک به ۹۹ درصد کل ابریشم خام از نوع مالبری کشور را تولید می‌کنند. پرورش کرم ابریشم، نه تنها برای زمین‌های حاشیه‌ای مناسب است، بلکه محصولات ابریشمی هند نیز دارای بازارهای بالقوه مطلوبی می‌باشند. این صنعت همچنین یکی از کارآفرین‌ترین بخش‌های اقتصاد هند به شمار می‌آید که تقریباً برای ۶ میلیون نفر، کار تمام وقت و پاره وقت ایجاد کرده است. این صنعت از نظر کارآفرینی یکی از بخش‌های معتبر و قابل اتکاء اقتصاد هند محسوب می‌گردد و نقشی حیاتی در انتقال ثروت از بخش‌های ثروتمند تر به بخش‌های فقیرتر جمعیت بازی می‌کند. خلاصه‌ای از نحوه توزیع عواید ناشی از فروش الیاف ابریشمی با وزن ۴۰، ۵۰ و ۶۰ گرم در هر متر در میان کارگران صنعت ابریشم را می‌توان در جدول ۱۲ مشاهده نمود.

جدول شماره ۱۲- درصد توزیع پردازش پارچه‌های ابریشم خام فروخته شده برحسب نوع

(به عنوان درصدی از کل)

نوع کار	وزن پارچه (گرم در متر)		
	۴۰	۵۰	۶۰
از کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
تولیدکننده پیله ابریشم	۵۱/۵	۵۴/۶	۵۶/۸
قرقره	۶/۲	۶/۶	۶/۸
بافته	۸/۲	۸/۷	۹/۱
ریسنده	۱۴/۵	۱۲/۳	۱۰/۷
تاجر	۱۹/۵	۱۷/۸	۱۶/۶

مسئولیت کلی توسعه صنعت پرورش کرم ابریشم بر عهده هیئت مرکزی ابریشم (CSB) است. این مسئولیت، بر اساس قانون مصوب پارلمان، در سال ۱۹۴۹ به این نهاد واگذار شده است. این هیئت زیر نظر مستقیم وزیر نساجی فعالیت می‌کند و وظیفه هماهنگ سازی فرایند پرورش کرم ابریشم را در ایالات هندوستان بر عهده دارد و مسئول مستقیم تحقیقات، آموزش، تولید تخم، تثبیت قیمت‌های پيله و ابریشم خام می‌باشد و روند استانداردسازی و کنترل کیفیت تولیدات ابریشمی و مشاوره با دولت مرکزی در کلیه زمینه‌های مرتبط با صنعت ابریشم از جمله سیاست‌های واردات و صادرات را انجام می‌دهد. این هیئت دارای شبکه ای متشکل از ۲۳۳ واحد تحقیقات، گسترش و تهیه تخم نوغان در سراسر کشور می‌باشد. همچنین دارای هیئت مرکزی بازرسی پیش از بارگیری محصولات ابریشمی برای صادرات می‌باشد. یکی از این واحدهای تحقیقاتی، موسسه مرکزی تحقیقات کرم ابریشم است که در سال ۱۹۶۱ در ایالت میسور بنیان نهاده شد و در ابتدا به عنوان مرکز تحقیقات و توسعه ابریشم در ایالت‌های جنوبی کشور شروع به فعالیت کرد و پس از مدتی در سطح ملی و فراگیر به فعالیت خود ادامه داد. این مرکز طی سال‌های اخیر اقدام به آموزش افرادی از کشورهای در حال توسعه کرده است که با مرکز بین المللی آموزش و تحقیقات کرم ابریشم گرمسیری (ICTRETS) همکاری می‌کنند. این مرکز که در ایالت میسور قرار دارد، در سال ۱۹۸۰ زیر نظر یک شرکت علمی- فنی هندی- سوئیسی شروع به فعالیت کرد.

بخش عمده تولیدات ابریشمی از نوع ساری و مواد مورد استفاده در لباس‌ها و الیاف مورد استفاده در خانه است. حدود ۹۰ درصد از ابریشم تولید شده برای بازارهای داخلی بصورت ساری می‌باشد که لباس سنتی زنان در ایالات تامیل نادو، کارناتاکا، آندراپرادش، اوتار پرادش، بنگال غربی، اریسا و جامو و کشمیر است. از میان مراکز تولید سایر محصولات ابریشمی در هند می‌توان به بنگلور، کارناتاکا، چامپا، باگالپور (بیهار) و ناوپاتنا اشاره کرد.

دولت همچنین خدمات متمرکزی را برای صنعت بافندگی در بخش‌های گوناگون کشور ارائه می‌دهد. این مراکز، خدمات مشاوره ای و امدادی متنوعی مانند تکنیک‌های بافندگی، طراحی و توسعه محصول را به متقاضیان ارائه می‌دهند.

از میان کالاهای مختلفی که برای بازارهای داخلی و خارجی تولید می‌شود می‌توان به الیاف ابریشمی مخلوط، الیاف مورد استفاده در پوشاک، ساری، روسری، شال گردن، رولحافی، روتختی، فرش‌های ابریشمی و لباس‌های ابریشمی اشاره کرد.

۲-۵-۴- ژاپن

در صنعت نوغانداری ژاپن، هم تعداد نوغاندار و هم میزان تولید پيله در سالیان اخیر با کاهش چشمگیری مواجه شده است. اکثر نوغانداران به لحاظ پایین بودن قیمت پيله و کهولت سن، سطح تولیدات خود را کاهش داده و یا کلاً از این فعالیت دست برداشته‌اند. جدول ۱۳ میزان تولید پيله، ابریشم خام و تعداد نوغانداران فعال در صنعت نوغانداری ژاپن را از سال ۱۹۷۵ نشان می‌دهد.

جدول ۱۳- تعداد نوغاندار و تولید پیله و ابریشم در ژاپن

سال	تعداد نوغاندار	تولید پیله (تن)	ابریشم خام (تن)
۱۹۷۵	-	۹۱۲۱۹	-
۱۹۸۰	-	۷۳۰۶۱	-
۱۹۸۵	-	۴۷۲۷۴	-
۱۹۸۹	۵۷۲۳۰	۲۶۸۱۹	۶۰۸۰
۱۹۹۰	۵۲۰۶۰	۲۴۹۲۵	۵۷۲۱
۱۹۹۵	۱۳۶۴۰	۵۳۵۱	۳۲۲۹
۱۹۹۶	۷۹۸۰	۳۰۲۱	۲۵۷۹
۱۹۹۷	۶۳۱۰	۲۵۱۷	۱۹۰۲
۱۹۹۸	۵۰۷۰	۱۹۷۹	۱۱۰۸
۱۹۹۹	۴۰۳۰	۱۴۹۶	۶۵۰

مهم‌ترین دلیل این کاهش قابل توجه آن است که امروزه کار پرزحمت و فشرده‌ی پرورش کرم ابریشم در ژاپن مدرن، با صعود هزینه‌های کارگری و دستمزدهای بالا توجیه اقتصادی ندارد. برای حل مشکلات هزینه‌های کارگری و غیره، دولت ژاپن در حال انجام پروژه‌های است که سیستمی را برای مکانیزه کردن نوغانداری طراحی نماید. در این سیستم قرار است نیروی کارگری برای انجام فعالیت‌های مرتبط با نوغانداری به طور کامل حذف گردد.

جدول شماره ۱۴ آمار مربوط به تعداد کارگاه‌های فعال در صنعت ابریشم‌کشی، میزان مصرف ابریشم خام و سطح تولید پارچه‌های ابریشمی را در ژاپن از سال ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۹ به تفکیک ارائه کرده است.

جدول شماره ۱۴- تعداد کارگاه‌ها، میزان مصرف ابریشم و تولید پارچه در ژاپن

سال	تعداد کارگاه‌ها	مصرف ابریشم خام (تن)	تولید پارچه‌های ابریشمی (هزار متر مربع)
۱۹۸۹	۵۳	۱۰۷۰۴	۹۰۸۱۹
۱۹۹۰	۵۲	۹۶۷۰	۷۸۶۷۵
۱۹۹۵	۲۹	۶۹۵۵	۵۴۱۲۹
۱۹۹۶	۲۶	۶۹۱۱	۵۳۵۰۸
۱۹۹۷	۱۸	۶۶۱۷	۵۱۶۲۵
۱۹۹۸	۱۳	۴۸۹۹	۳۸۵۱۰
۱۹۹۹	۸	۴۵۰۵	۳۳۲۴۸

نتایج جدول ۱۵ هم آشکار می‌سازد که در کشور ژاپن، قیمت پيله از هزینه تمام شده برای آن کمتر شده و این موضوع دلیلی عمده بر رکود تدریجی تولید و پرورش کرم ابريشم در سال‌های اخیر در ژاپن بوده است.

جدول شماره ۱۵- هزینه تمام شده و قیمت پيله (کیلوگرم) در ژاپن

سال	قیمت پيله (تن)	هزینه تولید (تن)	نسبت قیمت به هزینه
۱۹۷۰	۱۱۲۵	۸۸۲	۱/۲۷۶
۱۹۷۵	۱۷۱۰	۲۵۱۰	۱/۱۳۲
۱۹۸۵	۱۹۰۱	۲۹۸۵	۰/۶۳۲
۱۹۹۳	۱۷۱۶	۳۰۲۵	۰/۵۶۷
۱۹۹۷	۱۶۰۱	۳۳۰۳	۰/۴۸۵

۲-۵-۵- جمهوری کره

جمهوری کره مانند همسایگانش به عنوان تولیدکننده ابريشم دارای پیشینه‌ای طولانی است. با این حال، پیشرفت‌های این کشور به عنوان یک قدرت صنعتی، باعث شده است تا این کشور به سختی بتواند از زمین‌های مستعد خود برای کشت درخت توت استفاده کند به ویژه این که نتوانسته نیروی انسانی کافی برای تولید پيله و ابريشم خام تجهیز کند. کمبود عرضه داخلی ابريشم باعث شده است این کشور به جستجوی عرضه کنندگان بالقوه جدید این محصولات برآید. برای این کار، احتمال پرورش کرم ابريشم حتی در منطقه آمریکای جنوبی نیز مورد بررسی مقامات کره ای قرار گرفته است و پروژه‌های مشترکی نیز با کشور ویتنام به اجرا در آمده است که بر اساس آن‌ها کره در توسعه پرورش کرم ابريشم و تولید ابريشم به ویتنام کمک و یاری می‌رساند. تعدادی دستگاه‌های ریسندگی و نخ ریزی نیز از جمهوری کره به ویتنام فرستاده شده است.

صنعت پردازش کره با شتاب زیادی در حال پیشرفت است. به طور کلی، این پیشرفت از الگوی ژاپنی توسعه پیروی می‌کند. یکی از دلایل این امر نیز آن است که همکاری نزدیکی بین بافندگان کره ای و بازرگانان ژاپنی در زمینه تولید پارچه‌های ابريشمی وجود دارد تا بدین وسیله نیازهای بازار ابريشم ژاپن از نظر کمیت و کیفیت به ویژه برای کیمونو برآورده شود. این مهارت‌های فنی که طی سالیان متمادی از ژاپن به کره منتقل شده است، این کشور را قادر ساخته است سایر انواع پارچه از جمله کرپ را برای صادرات به سایر کشورها تولید کند.

تولید کالاهای ابريشمی ساخته شده از قبیل کراوات و روسری کره به حدی رسیده است که با استانداردهای کیفی مورد تقاضای ژاپن برابری می‌کند و در نتیجه انتظار می‌رود همکاری‌های دو کشور در این زمینه همچنان ادامه یابد. این بهبود کیفیت و نزدیکی این کشور به بازار ژاپن باعث شده است خریداران ژاپنی برای واردکردن انواع متنوعی از کالاهای ابريشمی تولید شده در کره اقدام نمایند.

۲-۵-۶- تایلند

اگرچه تایلند هزاران سال است که ابریشم تولید کرده است، اما تولید انبوه ابریشم در این کشور در اوایل سده بیست شروع شد. امروزه این کشور از جمله پیشگامان تولید ابریشم خام در جهان به حساب می‌آید. تولید ابریشم این کشور بیشتر شامل ابریشم‌های ترکیبی برای ساخت نخ‌های پود می‌شود.

حدود ۳۵۰ هزار خانوار در بخش‌های شمالی و شمال شرقی کشور به درآمد حاصل از پرورش کرم ابریشم به عنوان یک منبع درآمد جانبی وابسته هستند. تهیه دوک‌های ابریشمی، بیشتر توسط زنان روستایی و به وسیله دست صورت می‌گیرد. نخ به دست آمده از این طریق هنوز آماده نیست و پس از طی مراحل خاص به عنوان نخ در یک نوع پارچه خاص تایلندی که برای خریداران آن سوی دریاها می‌تواند جالب باشد، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در حالی که این کشور دارای تعداد زیادی کارگاه‌های ابریشم‌سازی است، اما بافت پارچه‌ها همچنان به عنوان یک صنعت خانگی باقی مانده است که در آن هزاران خانوار بخشی یا کل درآمدشان را از آن طریق تامین می‌کنند. منطقه شمال شرقی کشور تایلند، همچنان به عنوان مرکز اصلی تولید ابریشم محسوب می‌گردد اما پارچه‌های ابریشمی در سایر بخش‌های کشور نیز تولید می‌گردند. بیشتر پارچه‌های ابریشمی تولیدی در این کشور به وسیله ماشین‌های پارچه بافی دستی تهیه می‌گردند اما بخشی از پارچه‌های ابریشمی مخصوص کیمونو به وسیله ماشین‌های پارچه بافی برقی تولید می‌شوند تا کیفیت بهتری داشته باشند و قابل صدور به ژاپن باشند.

در تایلند نیز مانند هند بافندگان در حال استفاده روز افزون از ماشین‌های مدرن برای تولید پارچه‌های ابریشمی هستند. یکی از این تولید کنندگان پارچه‌های ابریشمی شرکت سهامی ابریشم تایلند است که از ابریشم، بیشتر برای تولید وسایل ویژه دکوراسیون داخلی منزل استفاده می‌کند.

بخش قابل توجهی از صادرات کالاهای ابریشمی این کشور را کالاهای ابریشمی فروخته شده به توریست‌هایی تشکیل می‌دهد که از تایلند دیدن می‌کنند. هدیه‌های ابریشمی نیز به خوبی به فروش می‌رسند. بازار کراوات، روسری و روبالشی نیز داغ است و حدود ۵۰ درصد کل صادرات ابریشم کشور را شامل می‌شود. یکی از فاکتورهای اثرگذار در مطلوب بودن ابریشم تایلند، مهارت بالای بافندگان در چاپ پارچه‌های ابریشمی دستی می‌باشد.

تقاضای داخلی برای محصولات ابریشمی نیز تا حدی بالاست. اقلام ابریشمی که در داخل به فروش می‌رسند شامل پیراهن‌ها، لباس خواب، دامن، سارونگ (لباس محلی زنان در مالزی و هند)، روسری، کراوات، روبالشی، پارچه‌های مخصوص متکا، روتختی، لباس غذا خوری، رومیزی و پرده می‌گردد. تایلند پارچه‌های ابریشمی و همچنین لباس‌های ابریشمی را برای فروش در فروشگاه‌های محلی وارد می‌کند.

۲-۵-۷- ویتنام

پرورش کرم ابریشم در ویتنام بیش از ۳ هزار سال پیش آغاز شد و به احتمال زیاد به تقلید از چین تا روزگار کنونی به وسیله بسیاری از خانواده‌های روستایی ادامه پیدا کرده است و بیشتر آن‌ها ابریشم را برای استفاده شخصی و یا فروش در بازارهای داخلی، تولید می‌کنند. صادرات محصولات ابریشمی ۱۵۰ سال پیش با ورود فرانسوی‌ها شروع شد و تا جنگ جهانی دوم ادامه یافت. در این زمان حدود ۸۵ درصد از ۱۰ هزار هکتار زمین اختصاص داده شده به پرورش کرم ابریشم به مزارع تولید مواد غذایی تبدیل شد. اما بعدها ویتنام کوشید تا این زمین‌ها را دوباره برای پرورش درخت

توت مورد استفاده قرار دهد. با این همه نتایج این کار در پنج سال اول چندان جالب توجه نبود که دلیل اصلی این عدم موفقیت نیز کمبود ابزارآلات و تکنولوژی بود. در سال ۱۹۸۵ ویتنام شرکت‌های کشاورزی ابریشم را با هدف توسعه پرورش کرم ابریشم بنیان نهاد.

کشورها و سازمان‌های گوناگونی که در صنعت ابریشم ویتنام دخالت دارند عبارتند از جمهوری کره (که دارای کارخانجات نخ ریزی در ویتنام است)، ایتالیا و بانک جهانی که تحقیقات جامعی را در مورد پرورش کرم ابریشم در ویتنام انجام داده‌اند.

۲-۶- مصرف محصولات ابریشمی در جهان

مصرف سرانه ابریشم بصورت سنتی در سوئیس بیش از سایر کشورهای اروپایی می‌باشد. بعد از سوئیس به ترتیب آلمان و انگلیس قرار دارند. به دنبال آنها دو کشور فرانسه و ایتالیا قرار می‌گیرند که در تولید محصولات ابریشمی از ابریشم خام فوق العاده پیشرفته می‌باشند. مصرف سرانه در این دو کشور کمتر از سوئیس و آلمان و انگلیس است. علت اساسی آنست که این دو کشور بیشتر در داد و ستد بین المللی محصولات ابریشمی فعال می‌باشند. ژاپن بالاترین مصرف سرانه ابریشم را در جهان به خود اختصاص داده است، هرچند در سال‌های اخیر تا حدودی از مصرف ابریشم به علت کاهش استفاده از "کیمونو" کاسته شده است با این حال موقعیت ژاپن به دلیل افزایش تقاضا برای سایر محصولات ابریشمی بدون تغییر مانده است. در چند سال اخیر واردات لباس ژاپن (شامل موارد ابریشمی) از چین به گونه‌ای چشمگیر افزایش یافته است.

در هند مصرف محلی ۸۵ درصد تولید است که رقم قابل ملاحظه‌ای می‌باشد. اما توسعه صادرات امکان پذیر نیست، مگر آنکه تولید افزایش یابد و به نظر می‌رسد این امکان تا آینده‌ای دور دست فراهم نخواهد شد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که مصرف ابریشم در چین با توجه به بهبود سطح زندگی مردم به شدت رو به افزایش است. این امر در خصوص ویتنام و کره جنوبی نیز صادق است.

۲-۷- تجارت ابریشم در جهان

در طول چند سال گذشته واردات ابریشم خام اتحادیه اروپا نوسان داشته است، در سال ۱۹۹۴ واردات ابریشم خام ۴۴۱۵ تن، در سال ۱۹۹۶، ۳۲۸۴ تن و در سال ۱۹۹۹، ۳۰۲۸ تن بود. از زمانی که چین (عرضه‌کننده سنتی مواد خام به کشورهای توسعه یافته) به صورت فزاینده ابریشم را به محصولات نهایی تبدیل می‌کند، جای تعجب نیست که پردازش ابریشم خام در اروپا کاهش یافته باشد. در عین حال چین به عنوان بزرگترین عرضه‌کننده نخ ابریشمی باقی مانده است.

تبدیل ابریشم به کالای ساخته شده ابریشمی در اروپا عمدتاً در ایتالیا و در شهرهای میلان و کومو انجام می‌پذیرد و سایر مراکز عبارتند از لیون در فرانسه و زوریخ در سوئیس. بخشی از بافت و چاپ بخشی از تولیدات بسیار مرغوب ابریشمی و چاپ ابریشم نیز در بریتانیا انجام می‌شود.

صادرکنندگان عمده اروپایی به تولید و عرضه کالاهای با ارزش و کیفیت بالا شهرت دارند و تولیدات آنها در شمار کالاهای ابریشمی خاص قرار دارد. شهرت ایتالیا و فرانسه به سبب طرح‌های بسیار زیبا و به ویژه شال گردن می‌باشد که در بوتیک‌ها و مزون‌های معروف جهان عرضه می‌شود. شهرت انگلستان نیز در تولید و عرضه کراوات ابریشمی است.

در سپتامبر ۱۹۹۵ اداره گمرک ایالات متحده آمریکا دستورالعمل جدیدی برای واردات انواع منسوجات به منظور آگاهی از کشور مبدا آنها صادر کرد. این دستورالعمل از تاریخ اول ژوئیه ۱۹۹۶ به مورد اجرا گذارده شد. بر پایه این دستورالعمل کشورهایی که آخرین مبدا تولید کالا و یا کشور تبدیل‌کننده منسوجات ابریشمی بوده‌اند می‌بایست مشخص شوند.

برای تجارت منسوجات در قوانین جدید آمریکا، دریافت گواهی مبدا الزامی است در نتیجه تا آنجایی که به کشورهای اروپایی مربوط می‌شود، کالاهای ابریشمی تبدیل شده در اروپا به سبب آن که دارای مواد اولیه ساخت کشور چین می‌باشند، بعنوان کالای چینی شناخته می‌شوند.

تصویب این مقررات در تاریخ ۲۳ مه ۱۹۹۷ در سازمان جهانی تجارت مورد اعتراض اروپا قرار گرفت. اتحادیه اروپا، آمریکا را متهم کرد که در قوانین و مقررات مربوط به کشور مبدا کالای پارچه ای، تغییراتی را بوجود آورده که پیامدهای آن به زبان صادرکنندگان پارچه و روسری و نیز دیگر منسوجات ساخته شده در کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌باشد. بنابراین تولیدات کشورهای عضو اتحادیه اروپا دیگر به عنوان کالای اروپایی شناخته نشده و این کشورها از آن پس از امکان دسترسی آزاد به بازارهای آمریکایی که تا آن زمان از آن بهره مند بودند، محروم شدند. اتحادیه اروپا ادعا کرد که مقررات وضع شده از سوی آمریکا بطور کامل با تبصره ۲/۴ و ۴/۲ و ۴/۴ ATC و مواد ۴/۲ مربوط به موافقتنامه شرایط کشور مبدا مربوط به بند ۳ موافقتنامه GATT در سال ۱۹۹۴ و تبصره ۲ موافقتنامه محدودیت‌های فنی تجارت مغایرت داشته است. در ماه ژوئیه ۱۹۹۷ کارشناسان اروپایی و آمریکایی به توافقی موقتی دست یافتند که بخشی از مقررات اولیه را نادیده می‌گرفت. بر پایه این موافقتنامه، لباس‌ها و روسری‌های ساخته شده در اروپا دیگر نیازمند درج واژه "مبدا چین" نبود و این کالاها بعنوان کالاهای ساخت اروپا مورد قبول قرار می‌گرفت.

در این میان سازمان جهانی تجارت ابتکار عمل را به دست گرفت تا درباره "کشور مبدا" این گونه کالاها، مقررات لازم را تا جولای ۱۹۹۸ تدوین کند.

بازارهای عمده کالاهای ابریشمی شامل چین، ژاپن، هندوستان، اروپای غربی و ایالات متحده آمریکا می‌باشند. بازار آمریکا حدود ۳۱ درصد فراورده‌های نهایی ابریشمی و مقدار کمی ابریشم خام را مصرف می‌کند. ایتالیا، آلمان، فرانسه و انگلستان هم بازارهای عمده ابریشم در اروپای غربی هستند که از بزرگترین واردکنندگان ابریشم خام می‌باشند. بازار مشترک اروپا در کل ۳۱/۷ درصد مواد خام ابریشمی و ۱۴/۵ درصد پارچه و کالاهای ساخته شده ابریشمی را در اختیار خود دارد. طی سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۸۰، کشورهای ژاپن و ایتالیا به ترتیب با ۲۹/۲٪ و ۲۲/۳٪ سهم از کل مقادیر واردات جهانی ابریشم در مکان اول و دوم جای داشتند که این سهم در دهه ۱۹۹۹-۱۹۹۰ به مقادیر ۱۵/۴ و ۱۵٪ تقلیل یافت. علاوه بر این هنگ کنگ، چین، کره جنوبی، هند و آلمان نیز به ترتیب با ۱۱/۶، ۱۱/۵، ۹/۴، ۹/۳ و ۷/۲٪ سهم از کل مقدار واردات جهانی طی دوره دوم در مکان‌های بعدی جای می‌گیرند.

چون کشورهای اروپایی اکنون اعضای اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دهند، لذا آمار تفکیکی کشورها نیز ارزش خود را از دست داده است. ارزیابی کالاهای ابریشمی وارد شده به کشورهای عضو اتحادیه اروپا از سال ۱۹۹۳ به بعد غیرممکن خواهد بود؛ زیرا روشن نیست که کالاهای مزبور در خود این کشورها مصرف می‌شود یا دوباره به دیگر نقاط جهان صادر خواهند شد.

ایتالیا و فرانسه از وارد کنندگان عمده ابریشم خام و تهیه‌کنندگان شاخص منسوجات ابریشمی با کیفیت بالا محسوب می‌شوند. ایتالیا به طور سنتی بزرگترین واردکننده ابریشم خام و همچنین بزرگترین صادرکننده تولیدات ابریشمی (منسوجات و...) در اروپا است. این کشور در سال ۱۹۹۷ حدود ۳۲۰۰ تن ابریشم خام، بیش از ۷۰۰۰ تن پارچه‌های ابریشمی و ۳۰۰ تن بلوزهای زنانه وارد کرد که بخش اعظم این محصولات ابریشمی (حدود ۸۰٪) توسط چین تأمین شده بود. ایتالیا به خاطر به کارگیری ابریشم با کیفیت ممتاز در مراحل مختلف تولید و فراوری کالاهای ابریشمی و تولیدات منسوجات ابریشمی نفیس و گران‌قیمت، در میان تولیدکنندگان عمده جهان دارای جایگاهی شاخص می‌باشد. در این کشور بین سال‌های ۱۹۹۶-۱۹۹۷ میزان صادرات شال گردن و روسری ابریشمی، روندی صعودی داشته (۵۸۶ تن) و مقدار صادرات کراوات‌های ابریشمی به رقم ۱۲۳۰ تن بالغ گردید. فرانسه از دیگر کشورهایی است که در بخش فراوری ابریشم دارای صنایع پیشرفته و قابل توجه است. لیون قرن‌هاست که منسوجات ابریشمی را با بالاترین کیفیت تولید کرده و به مصرف‌کنندگان عرضه می‌کند. لازم به ذکر است بیش از ۷۰٪ بافته‌های ابریشمی در بازار فرانسه به طور سنتی صرف تولید پوشاک می‌گردد. با عنایت به افزایش مصرف ابریشم در امور تزئینی و دکوراسیون (مثل تولید پرده‌های ابریشمی و نیز در پوشش‌های تخت خواب و اثاثیه داخلی منازل و دفاتر اداری)، نشانه‌هایی از شروع یک جهش در بازار ابریشم دیده می‌شود. فرانسه با کیفیت‌ترین بافته‌های ابریشمی را به بازار آمریکا صادر می‌نماید که ارزش آن به حدود ۳۰ دلار در ازای هر متر مربع می‌رسد.

در میان کشورهای اتحادیه اروپا، آلمان همواره به عنوان یکی از بزرگترین بازارهای منسوجات و پوشاک در سال‌های اخیر مطرح بوده که منسوجات ابریشمی را نیز شامل می‌شود. در آلمان علاقه خاصی به استفاده از پوشاک و پارچه‌هایی از جنس الیاف طبیعی وجود دارد. این کشور همه ساله حجم قابل توجهی پوشاک ابریشمی وارد می‌نماید. همچنین محصولات و فراورده‌های ابریشمی برای استفاده در دکوراسیون منازل و عمدتاً پوشش‌های ابریشمی (ملحفه، روبالشی، روتختی و غیره) از طرفداران بسیاری برخوردار است. محصولات ابریشمی به خصوص پوشاک عمدتاً از چین وارد می‌شود؛ لیکن هندوستان و تایلند نیز در زمینه تولید و صادرات پارچه و دستمال ابریشمی در بازار آلمان نسبتاً موفق عمل کرده‌اند.

تجارت کالاهای ساخته شده از ابریشم که زمانی در انحصار کشورهای اروپایی بود، امروز جزء فعالیت‌های تجاری مهم کشورهای رو به رشد است. چین یک مثال خوب در این زمینه و هندوستان هم یکی از مهم‌ترین عرضه‌کنندگان لباس‌های تهیه شده از ابریشم محسوب می‌شود (بیشتر برای زنان) و در تولید و عرضه روبالشی و ملحفه ابریشمی نیز تجربه‌های درخشانی را به دست آورده است. کشور تایلند نیز در شمار صادرکنندگان کالاهای ساخته شده از ابریشم می‌باشد ولی در سال‌های اخیر از میزان تولیدات و صادرات آن کاسته شده است. همچون سال‌های گذشته، تولیدات و صادرات اینگونه کالا از سوی تایلند بستگی به میزان واردات ابریشم خام از سوی آن کشور دارد.

تقاضا برای پارچه‌ها و فراورده‌های ابریشمی، زمانی ویژه مشتریان منتخب از گروه‌های پر درآمد جامعه بود. اما در حال حاضر این تقاضا گسترش یافته و کالاهای ارزان قیمتی را هم می‌توان یافت که از ابریشم ساخته شده‌اند که خریداران آنها را گروه‌هایی از طبقه متوسط تشکیل می‌دهند. تولید کالای ابریشمی سنگ شور سبب خدشه دار شدن شهرت ابریشم شده است. هنگامی که تولید ابریشم سنگ شور به اوج خود رسیده بود، تولیدکنندگان کالای خود را با قیمتی بسیار کمتر از اجناس مشابه ساخته شده از نخ، نایلون و یا دیگر کالاهای مشابه به مشتریان عرضه می‌کردند. با در نظر گرفتن این چنین قیمت‌های کم بی تردید کیفیت کالاها نیز پست بوده است. تعدادی از کارشناسان بر این باورند که چون در حال حاضر عرضه ابریشم خام محدود است و این محدودیت عرضه، فعلا ادامه خواهد داشت، بنابراین تا حدود زیادی از عرضه ابریشم به بازارهای جهانی کاسته شده و در نهایت این وضع به سود دست اندرکاران صنعت ابریشم خواهد بود.

یکی از ویژگی‌های سنتی بازار ابریشم هنوز هم دست نخورده باقی مانده است. این ویژگی مسأله وجود کارگاه‌های تولیدی است که به گونه‌ای سنتی؛ از ابریشم خام، کالای ابریشمی درجه یک تولید می‌کنند و هنوز هم شهرت خود را حفظ کرده‌اند. برای مثال HERMES (هرمس)، تولیدکننده مشهور روسری و شال گردن است که این گونه اجناس را برای مشتریان خاصی تولید می‌کند.

با این همه کارشناسان بر این باورند که تولیدکنندگان در کشورهای رو به رشد، به طور مرتب حضور خود را در این بازار ادامه داده و بر آن خواهند افزود. علاوه بر این کارشناسان و تولیدکنندگان در این کشورها با بهره‌گیری از ماشین آلات پیشرفته، خواهند توانست در آینده‌ای نزدیک، کیفیت کالاهای تولیدی خود را نیز بالا برده و مشتریان خود را در رده‌های درآمدی متوسط و متوسط به بالا ترغیب به خرید این گونه کالاها بنمایند و محصولاتی با قیمت پایین تر به مشتریان خود عرضه دارند.

شرکت‌کنندگان در تجارت بین‌المللی ابریشم را می‌توان به چهار گروه عمده تقسیم کرد که عبارتند از:

۱. تولیدکنندگان اصلی ابریشم که خود مصرف‌کننده ابریشم نمی‌باشند (ویتنام).
۲. تولیدکنندگان ابریشم خام و نیز تولیدکنندگان کالای ابریشمی (برزیل، چین، هندوستان، جمهوری کره، کشورهای آسیای مرکزی و تایلند).
۳. تبدیل‌کنندگان ابریشم که برای تولیدات خود نیازمند به واردات ابریشم خام از خارج می‌باشند (فرانسه، آلمان، ایتالیا، سوئیس و انگلستان).
۴. کشورهای که نه تولیدکننده ابریشم خام و نه تولیدکننده کالای ساخته شده از آن می‌باشند (بعضی از کشورهای اروپایی، استرالیا، زلاندنو، کانادا، ایالات متحده آمریکا و بیشتر کشورهای آفریقایی و آمریکای لاتین).

گروه‌های تولیدی خود با توجه به ماهیت تجارت ابریشم و کالای ابریشمی به دو گروه تقسیم می‌شوند:

گروه اول؛ به تولید و تجارت ابریشم خام، ضایعات ابریشم، نخ ابریشم و محصولات نیمه آماده (برای تولیدات بعدی) می‌پردازند. در این گروه تجارت از کشور چین شروع شده و پس از آن عرضه‌کنندگان دیگری از جمله کشورهای برزیل و ویتنام قرار دارند. از ویژگی‌های این تجارت این است که به طور تقریبی تمامی کارخانجات

تولیدکننده در سراسر جهان متکی به دریافت مواد اولیه ابریشم و نخ ابریشم از سوی کشور چین می‌باشند که در حدود ۸۰٪ کل واردات جهانی را عرضه می‌کند.

گروه دوم؛ به تولید ابریشم آماده (رنگ یا چاپ شده)، لباس‌های آماده، کالاهای آماده و اقلام مربوط به دکوراسیون و تزئینات داخلی و غیره مشغول می‌باشند. هنگ کنگ و چین روی هم رفته امروزه بزرگترین تولیدکننده پارچه و دیگر منسوجات ابریشمی در جهان می‌باشند و تولیدات آنها بیشتر برای دوخت لباس‌های ابریشمی مردانه و زنانه به کار می‌رود. صادرات لباس‌های دوخته شده ابریشمی از سوی چین در سال ۱۹۹۳، حدود ۳۱۰ میلیون دست بوده که نسبت به سال ۱۹۹۰ چهار برابر شده است. در سال ۱۹۹۶ صادرات البسه و دیگر کالای ساخته شده ابریشمی از سوی چین به رقم ۱/۲۵ میلیارد دلار رسید که در مقایسه با ارقام مشابه سال قبل حدود ۱۹/۵٪ کاهش داشته است. میزان صادرات البسه و کالای ساخته شده ابریشمی در سال ۱۹۹۵ نیز معادل ۱/۵۳۴ میلیارد دلار بوده است. این ارقام حدود ۷۰٪ از کل صادرات ابریشم کشور چین در سال ۱۹۹۶ را شامل می‌شود.

هنگ کنگ مهم‌ترین تولیدکننده البسه ابریشمی در جهان است و مواد اولیه مورد نیاز خود را از کشور چین وارد می‌کند. واردات هنگ کنگ در سال ۱۹۹۶ به رقم ۷۴۴ میلیون دلار بالغ شد. با این حال ۲۸٪ کمتر از رقم واردات سال ۱۹۹۵ بود. بر پایه برآوردها حدود ۶۰٪ از البسه ابریشمی تولید شده در هنگ کنگ به ایالات متحده آمریکا صادر می‌شود و ۴۰٪ بقیه، نخست راهی اروپا و سپس راهی دیگر کشورهای جهان می‌شود.

نظر به این که در ایالات متحده آمریکا کارگاه‌های رنگرزی و چاپ ابریشمی وجود ندارد، لذا بیشتر منسوجات ابریشمی وارد شده به آمریکا، از نوع تولیدات آماده می‌باشد. روی هم رفته این کشور یکی از بازارهای در حال رشد جهانی برای تولیدات ابریشمی به حساب می‌آید. واردات انواع پارچه‌های بافته شده ابریشمی به ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۹۵ به رقم ۲۸۵ میلیون دلار بالغ شد و اصلی‌ترین صادرکننده به آن کشور را چین و هندوستان تشکیل می‌دادند.

بازار ایالات متحده یکی از بزرگترین بازارهای جهانی است. واردات محصولات ابریشمی در این کشور عمدتاً شامل پوشاک، لوازم تزئینی داخل ساختمان و لوازم فرعی می‌باشد. نکته‌ای که در این بازار پررونق به چشم می‌خورد، آن است که فراوری تولید محصولات ابریشمی بر عکس تجارت آن، در داخل این کشور چندان جا نیفتاده است. واردات منسوجات ابریشمی در سال ۱۹۹۷ در حدود ۲ میلیارد دلار بوده که ۱۰٪ آن مربوط به تزئینات اثاثیه داخل منازل می‌گردد. ایالات متحده بازاری بسیار مناسب برای منسوجات چینی محسوب می‌شود. توضیح این که کیفیت لباس و راحت‌پوشی، مهم‌ترین عواملی هستند که به منظور صادرات پوشاک و منسوجات به آمریکا مورد توجه قرار می‌گیرد.

فصل سوم:

نتایج و پیشنهاد

جمع‌بندی

پرورش کرم و تولید پیله ابریشم از فعالیت‌های بخش کشاورزی محسوب شده و عملیات ابریشم‌کشی، تولید نخ، بافت پارچه و سایر فراورده‌های ابریشمی در حوزه صنعت قرار می‌گیرند. بنابراین دوام و رونق فعالیت‌های نوغانداری و توسعه صنایع ابریشم به یکدیگر وابسته می‌باشند. در ایران طبق آمار، گیلان با ۵۷ درصد از کل تولید کشور، استان عمده تولیدکننده پیله ترمیباشد، ولیکن مشاغل زیادی که در سراسر کشور، در بخش کشاورزی و صنعتی، ایجاد می‌نماید، میلیون‌ها نفر و یا به قولی حدود ۱۲ درصد نیروی کار کشور را در مقطعی از سال بخوبی در بر می‌گیرد. این شاغلین در زنجیره تولید، تبدیل و تجارت محصول نهایی یعنی فرش در نقاط مختلف کشور پراکنده‌اند. پیله نوغاندار گیلانی، مازندرانی و خراسانی، ماده خام و فعالیت میلیون‌ها کارگر ریسنده، تابنده و رنگرز است و به تعبیری پایه یکی از اقلام مهم صادرات غیر نفتی است.

خصوصیات اقتصادی و اجتماعی این فعالیت را می‌توان بشرح زیر مورد بررسی قرار داد:

- حجم سرمایه گذاری کم‌تر و زمان بازگشت سرمایه سریع‌تر می‌باشد.
- از منابع غیر قابل استفاده آب و خاک کشور در طرح‌های توسعه نوغانداری می‌توان بهره برداری نمود.
- درخت توت دارای ریشه‌های عمیق بوده و می‌تواند در خاک‌های مختلف استقرار داشته باشد و بیشتر از سایر گیاهان باغی به خشکی مقاوم است.
- دوران باردهی توتستان کوتاه بوده و ظرف سه سال برگ تولیدی آن به مصرف تغذیه کرم ابریشم میرسد. عمر بهره‌دهی توتستان نیز طولانی است (۱۵ تا ۲۰ سال).
- ارزش افزوده فعالیت‌های پرورش کرم ابریشم در زمانی کوتاه ایجاد می‌شود (حدود ۴۰ روز) و بازده این فعالیت نسبت به زمان انجام آن از هر فعالیت کشاورزی و دامپروری دیگر پر سود تر می‌باشد.
- پرورش کرم ابریشم زمانی صورت می‌گیرد که سایر فعالیت‌های کشاورزی در مناطق پرورش محدود بوده و کشاورزان می‌توانند با استفاده از امکانات محلی و نیروی بیکار فصلی، حداکثر استفاده را داشته باشند.
- پرورش کرم ابریشم علاوه بر اشتغال تمامی نیروهای فعال سطح روستاها، امکان بکارگیری بخش غیر فعال جامعه روستایی مانند زنان، کودکان و سالخوردگان که توان انجام کارهای سنگین کشاورزی ندارند را نیز، فراهم می‌سازد.
- این فعالیت با ایجاد درآمد جنبی برای روستائیان، می‌تواند به عنوان یکی از راههای جلوگیری از مهاجرت آنها به شهرها مدنظر قرار گیرد.
- زمان تامین نقدینگی بوسیله این فعالیت موقعی است که کشاورز با انتظار تولید محصول جدید در تنگنای مالی قرار گرفته و در همین زمان اغلب کشاورزان برای تامین نیازهای مالی خود ناگزیر به سلف فروشی محصولات زراعی خود می‌باشند.
- با توسعه فعالیت‌های تولید ابریشم، امکان توسعه صنایع بزرگ وابسته از جمله نخ‌کشی و پارچه بافی فراهم شده و با بهبود کیفیت تولید، امکان صادرات فراورده‌های ابریشمی که دارای ارزش افزوده بالایی خواهند بود، فراهم خواهد گردید.

- صنايع واسطه ای بين توليد پيله و محصولات نهايي که شامل صنايع خشک کردن پيله، پخت پيله، نخ کشي، نخ تايي، ورتايي، سفيدگري، صمغ زدائي و رنگرزي مي باشد، سطوح وسيعي از اشتغالات روستايي و شهري نقاط مختلف کشور را پوشش داده و فرصت‌هاي شغلي مناسبی را در زنجيره توليد و تبديل ابريشم بوجود مي آورند.
 - توسعه فعاليت‌هاي نوغانداري و توليد ابريشم به توسعه فعاليت‌هاي قالي بافي، جاجيم بافي و بافت منسوجات دستي کمک مي کند و زمينه ايجاد فعاليت‌هاي جديد صنعتي را فراهم مي سازد.
 - فعاليت‌هاي توسعه نوغانداري ارزبري محدودی دارد که در شرايط حاضر منحصر به خريد بخشي از تخم نوغان وارداتي مي باشد ولي ارزآوری اين محصول چنانچه تا مرحله توليد ابريشم خام صادراتي باشد بسيار زياد و اگر به مرحله توليد قالي و پارچه‌هاي مورد نياز بازارهاي جهاني برسد چشمگير خواهد بود.
- به رغم عدم وجود صرفه اقتصادي در صنعت نوغانداري در سال‌هاي اخير، هنوز دلایلي براي حفظ و بقاي اين صنعت به شرح زير وجود دارد:
- علاقه نوغانداران (اکثر نوغانداران مسن بوده و ساليان زيادی است که در اين رشته فعاليت دارند و تجربه زيادی کسب کرده‌اند)،
 - استفاده از امکانات موجود (تجربه، تلمبار، توت و...)،
 - جنبي بودن اين فعاليت و ايجاد درآمد براي کشاورزان خصوصاً در مناطقي که تنوع محصولات کم است و لزوم چند پيشه بودن روستائيان و ايجاد امنيت شغلي در شرايطي که توليد يکي از محصولات کشاورزي دچار مشكل مي شود،
 - پشتيباني از صنايع دستي ملي کشور (فرش) که جزء فرهنگ اين سرزمين مي باشد،
 - سهم اين صنعت در اشتغال زايي و نيز اشتغال زنان (و کاهش بيکاري)،
 - فعال کردن کارخانه‌ها (۴ کارخانه) و کارگاه‌هاي ابريشم (بيش از ۱۰۰۰ کارگاه سنتي ابريشم کشي در منطقه بايگ شهرستان تربت حيدريه).

مشکلات نوغانداري از دیدگاه پرورش دهندگان و کارشناسان امر و نيز از دید مسئولان دولتي قابل بررسي

است:

افزايش قيمت زمين، صعود هزينه‌هاي کارگري و قيمت بالای تمام شده پيله ونخ ابريشم و تخم نوغان نسبت به ساير کشورها، پايين بودن کيفيت پيله‌هاي توليدي، بهره‌وري پايين توتستان، عدم امنيت شغلي براي نوغانداران و توليدکنندگان، عدم وجود خدمات آموزشي و ترويجي مناسب، عدم صرفه اقتصادي توليد پيله در واحد سطح نسبت به ساير محصولات نظير صنوبر، گوجه سبز و هندوانه در گيلان، عدم ثبات بازار فرش دستباف ايران در بازارهاي جهاني، نبود تنوع در محصولات ابريشمي و فقدان مطالعات کافي در اين زمينه، پايين بودن قيمت جهاني پيله و ابريشم و تأثير آن در بازارهاي داخلي، عدم رويکرد به دانش بيوتکنولوژي و توليد فراورده‌هاي جانبي دارويي و بهداشتي تاکنون، استفاده توليدکنندگان فرش از نخ خارجي و به تبع آن رکود بازار، محدوديت واحدهاي خشک کن صنعتي و به تبع آن خشک

شدن پيله به روش‌های ديگر، کاهش راندمان تبديل پيله به نخ در سال‌های اخير در کارگاه‌های نخ ريشی و در نتيجه زياد شدن قيمت نخ تولیدی.

متولیان دولتی در اظهارات خود به عوامل مختلفی که مانع از تحقق برنامه‌های آنها جهت توسعه اين صنعت می‌شود، اشاره کرده‌اند که اهم آنها عبارتند از:

عدم دسترسی به پشتوانه‌های علمی جهت بررسی و تحقيق، نبودامکان آموزش کافی همه نوغانداران برای ارتقای سطح دانش فنی، وجود واسطه‌ها و دلال‌های پيله که در برنامه‌های مدیران اخلاص ایجاد می‌کند، قاچاق فراورده‌های ابريشمی پيله و نخ، ضعف نظام کنترل استاندارد در خصوص واردات و توليدات محصولات ابريشمی، واردات انواع نخ بدون رعایت نظام استاندارد و ارزش‌گذاری و اخذ تعرفه گمرکی بدون ارزیابی دقیق و بدون توجه به وجود پيله فراوان در انبارها، فقدان اساسنامه دقیق و صریح ساختار بخش دولتی، عدم آشنایی با مسائل زیربنایی فعالیت‌های نوغانداری در سطح مدیران ارشد وزارتخانه، عدم ثبات در نظام مدیریت کلان بخش دولتی و بالاخص شرکت سهامی پرورش کرم ابريشم ايران جهت تحقق برنامه‌های بلندمدت مدیران و بالاخره عدم تخصیص اعتبارات کافی و به موقع برای خرید تضمینی پيله‌تر.

مهمترین محصول ابريشمی ايران که عموماً در بازارهای بين المللی عرضه می‌شود فرش‌های ابريشمی است. به عنوان مثال آلمان از ژانويه تا اکتبر ۲۰۰۴، از هند ۵۴ هزار مترمربع، از چین ۱۲ هزار مترمربع و از ايران ۷/۴ هزار مترمربع فرش ابريشمی وارد کرده است. چنانچه ۵۰۰ تن نخ ابريشم خام در ايران توليد شود، می‌توان از آن حداقل ۱۰۰ هزار مترمربع فرش ابريشمی توليد کرد که با توجه به ارزش هر مترمربع فرش ابريشمی ايران که حداقل هزار دلار آمریکا است، می‌توان انتظار داشت که حدود یکصد میلیون دلار درآمد مستقیم عاید کشور شود. ايران در سال ۱۳۷۳ بالغ بر ۲/۱ میلیارد دلار فرش صادر کرد؛ لیکن اين مقدار در سال ۱۳۸۲ به ۶۳۹ میلیون دلار تنزل پیدا کرده است. طی ۱۰ ماه از ژانويه تا اکتبر ۲۰۰۴ ايران با صدور یک میلیون مترمربع فرش به ارزش ۹۰ میلیون و ۸۰۰ هزار یورو مقام اول صادرات فرش (بر مبنای ارزش آن) به کشور آلمان را بدست آورده است. آلمان فرش‌های ابريشمی را با ارزش‌ترین نوع فرش‌های وارداتی به اين کشور عنوان کرده و اعلام کرده است که هند با ۵۴ هزار مترمربع، چین با ۱۲ هزار مترمربع و ايران با ۷۴۰۰ مترمربع رتبه‌های اول تا سوم صادرات فرش ابريشمی به آلمان را کسب کرده‌اند.

در سال ۱۳۷۷، فرش دستباف با ۱۸/۷ درصد، بیشترین سهم از مجموع ارزش صادرات غیر نفتی را به خود اختصاص داده است. در سال ۱۳۷۸ صادرات فرش دستباف ايران رونق گرفت و با رشدی معادل ۲۱/۳ درصد نسبت به سال قبل به ۶۱۹ میلیون دلار رسید و سهم آن از مجموع ارزش صادرات غیر نفتی نیز به ۲۰/۵۶ درصد افزایش یافت. یکی از علل اين رونق، تسهیلات ویژه‌ای بود که در هشتمین نمایشگاه فرش ايران برای صادرکنندگان در نظر گرفته شد که شامل امور بانکی و بیمه‌ای، حمل و نقل، ۸ درصد تخفیف در پیمان سپاری صادرات فرش برای صادرکنندگانی بود که به طور نقدی از نمایشگاه، فرش خریداری و از گمرک نمایشگاه آن را صادر می‌کردند. در سال ۱۳۷۹ صادرات فرش دستباف با کاهش ۱۰/۴ درصدی به ۶۱۹/۵ میلیون دلار و سهم صادرات فرش دستباف از مجموع صادرات غیر نفتی نیز به ۱۶/۴ درصد در سال مذکور کاهش یافته است. افزون بر اين صادرات فرش ايران طی سال‌های ۸۰ و ۸۱ نیز به ۵۵۲/۸ و ۵۱۴/۳ میلیون دلار و سهم فرش دستباف از مجموع صادرات غیر نفتی در سال‌های مذکور بترتیب به ۱۳/۱ و

۱۱/۱ درصد کاهش یافته است. شایان ذکر است ضمن کاهش سهم فرش دستباف از صادرات غیر نفتی در سال ۱۳۸۲ به ۹ درصد، صادرات این محصول با افزایش ۱۹/۵ درصدی به ۶۳۹ میلیون دلار رسیده است. در سال‌های ۸۴ و ۸۵، صادرات فرش ایران بترتیب به ۴۶۶/۹ و ۴۱۶/۷ میلیون دلار کاهش یافته است.

نتایج محاسبه شاخص CR و تغییرات آن در بازار صادراتی فرش دستباف ایران در سالهای ۸۵-۱۳۷۷ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۷، بزرگترین واردکنندگان فرش دستباف ایران به ترتیب آلمان، ایتالیا، کانادا و سوئیس بوده که نسبت‌های تمرکز بازار صادراتی این محصول CR4, CR3, CR2, CR1 بترتیب ۴۰، ۵۵/۳، ۶۴/۲ و ۷۲/۴ درصد بوده است. بدین مفهوم که در سال مذکور ۴۰، ۵۵/۳، ۶۴/۲ و ۷۲/۴ درصد بازار صادراتی فرش دستباف ایران بترتیب در انحصار چهار کشور است که آمار تکان‌دهنده‌ای از حیث آسیب‌پذیری بازار این محصول می‌باشد. در سال ۱۳۷۸ کاهش شاخص‌های CR1 و CR4 وضعیت بهتری را نشان می‌دهند.

نسبت‌های تمرکز CR4, CR3, CR2, CR1 در سال ۱۳۷۹ بترتیب ۵۸/۳۱، ۴۷، ۵/۵ و ۶۵/۵ درصد مربوط به کشورهای آلمان، آمریکا، ایتالیا و امارات متحده عربی بوده است و کاهش CR1 و CR4 در سال مذکور نسبت به سال قبل حاکی از افزایش درجه رقابتی ساختار بازار فرش دستباف ایران می‌باشد. همچنین در سال مذکور کشور آمریکا بعنوان دومین بازار هدف فرش ایران وارد بازار شده است. بزرگترین کشور متقاضی فرش ایران در سالهای ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ بترتیب کشورهای آلمان و آمریکا بوده‌اند. نسبت تمرکز بازار صادراتی فرش ایران CR4 طی این سالها به ترتیب ۶۵/۵ و ۶۵/۸ درصد بوده که همچنان نسبت به سال‌های قبل روند کاهشی را نشان می‌دهد. همچنین این نسبت‌ها بیانگر آنست که بطور متوسط بیش از ۶۵ درصد تقاضای خارجی فرش دستباف ایران در انحصار چهار کشور است که این امر آسیب‌پذیری بازار صادراتی این محصول را نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۸۲ بزرگترین متقاضی فرش دستباف ایران کشور آمریکا بوده که حدود ۴۰ درصد از صادرات فرش ایران را به خود اختصاص داده است و نسبت به سال ۱۳۸۱ از افزایش ۴۸/۳ درصدی برخوردار بوده است. همچنین شاخص CR4 نیز در سال مذکور افزایش یافته است. این در حالی است که شاخص‌های CR1 و CR4 در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال ۸۲ کاهش چشمگیری داشته است.

نسبت‌های تمرکز CR4, CR3, CR2, CR1 در سال ۱۳۸۵ بترتیب ۲۳/۹، ۴۲/۶، ۵۲ و ۶۱/۲ درصد مربوط به کشورهای آمریکا، آلمان، امارات متحده عربی و ایتالیا بوده است.

بطور کلی آمار و اطلاعات بیانگر آنست که صادرات فرش دستباف ایران به بیش از یکصد کشور مختلف جهان صورت می‌گیرد ولی تقریباً نیمی از فرشهای دستباف ایرانی به ۲ کشور صادر می‌شود. در مجموع موارد زیر را می‌توان از تجارت خارجی فرش دستباف ایران استنباط کرد:

۱. صادرات فرش دستباف به بیش از ۱۰۰ کشور جهان انجام می‌گیرد.
۲. حدود ۶۶ درصد صادرات فرش دستباف ایران به ۴ کشور جهان انجام می‌گیرد.
۳. حدود ۵۰ درصد صادرات فرش دستباف ایران فقط به ۲ کشور صورت می‌گیرد (در حال حاضر این ۲ کشور آمریکا و آلمان و در سالهایی که آمریکا حضور نداشت ۲ کشور آلمان و ایتالیا بودند).
۴. حدود ۳۰ درصد از صادرات فرش دستباف ایران فقط به ۱ کشور جهان صادر می‌گردد.

دلایل کاهش تقاضای جهانی فرش ایران از دیدگاه کارشناسان عبارتند از:

(الف) وجود رقبای جدی مانند چین، هندوستان و پاکستان،

(ب) رکود اقتصادی در جهان و کاهش تقاضا،

(ج) با دوام بودن فرش و رشد اندک تقاضای جدید،

(د) ساخت ماشین‌های فرش بافی و تولید انبوه آن،

(هـ) عرضه طرح‌ها و نقشه‌های ایرانی توسط سایر کشورها،

(و) برخی محدودیت‌ها نظیر محدودیت‌های تعرفه‌ای از طرف کشورهای خریدار فرش در چارچوب

مقررات WTO که گاه‌گاه به سود کشورهای رقیب ایران که عضو این سازمان هستند شده است.

در جهان: امروزه چین، هند، ازبکستان، برزیل، ویتنام، تایلند و چند کشور دیگر به عنوان تولیدکنندگان عمده تخم نوغان و پبله مطرح می‌باشند. در کشورهایی که نیروی کار فراوان و ارزان‌تری دارند، این صنعت از پتانسیل بهتری برخوردار است. همچنین کشورهایی که دارای صنایع تبدیل ابریشم قوی‌تری هستند، از جایگاه بهتری در این صنعت برخوردارند.

چین، با دارا بودن نیروی کار فراوان و ارزان، رهبر بی‌چون و چرای کشورها در زمینه تولید، تبدیل و تجارت ابریشم است.

باید به خاطر داشت که پیوستن چین به سازمان تجارت جهانی به تدریج باعث آزاد شدن بازارهای محلی این کشور خواهد شد. چینی‌ها به شدت مایل به متحول ساختن و نو کردن محصولات ابریشمی خود می‌باشند، آنها همچنین مایلند تحقیقات در زمینه ابریشم را توسعه بخشیده و نوع نگرش به ابریشم را نیز مدرنیزه کنند. هند به تدریج در حال بهبود کیفیت ابریشم و همچنین توسعه تحقیقات خود در این زمینه است. برزیل نیز می‌کوشد تا هدف اصلی خود یعنی رسیدن به کیفیت برتر در تولید و صادرات ابریشم را دنبال کند.

تولیدکنندگان سابق ابریشم مانند ژاپن و کره تمرکز خود در زمینه تحقیقات و تکنولوژی‌های جدید را بیشتر متوجه تعامل با کمسیون بین‌المللی ابریشم کرده‌اند و بازرگانان اروپایی و آمریکایی می‌کوشند از موقعیت خود دفاع کنند و برای این کار از راهکارهای قانونی و حقوقی از قبیل کپی‌رایت و حمایت از سرمایه‌های فکری کمک می‌گیرند و می‌کوشند همکاری‌های گسترده‌تری را بین کشورها در جهت گسترش تجارت منصفانه تر ایجاد کنند.

کشورهایی نظیر چین و هند در بخش تولید محصولات ابریشمی و عرضه آن به بازارهای داخلی و خارجی برنامه‌ریزی‌های منسجمی انجام داده‌اند. از سویی دیگر به دلیل توجه و رشد روز افزون تولید فراورده‌های نوین در صنایع جانبی ابریشم، ارزش افزوده محصولات این صنعت روز به روز افزایش می‌یابد. به عنوان مثال امروزه از شفییره کرم ابریشم، ماده‌ی شیمیایی ارزشمند کیتوسان استخراج می‌شود که ارزش افزوده زیادی دارد.

در حال حاضر کشور چین بیشترین تخم نوغان را در دنیا تولید می‌کند و صادرکننده اصلی تخم نوغان به کشورهای آسیای میانه است و بازار بین‌المللی عرضه تخم نوغان را به خود اختصاص داده است. قیمت عرضه تخم نوغان چینی نیز همانند بسیاری از محصولات صادراتی این کشور نظیر پوشاک، فرش و نخ ابریشمی مناسب بوده و به راحتی نیاز سایر کشورها را تأمین می‌نماید.

به طور کلی در جهان، تولید تخم نوغان، تولید پيله و تولید نخ ابريشم کاهش یافته و قیمت آن نیز تنزل پیدا کرده است. ورود کشورهای آسیای میانه به بازارهای بین المللی، انباشت ابريشم و پایین بودن قیمت تمام شده در برخی مناطق جهان، باعث افت قیمت ابريشم در بازارهای بین المللی و از جمله ایران شده است. البته در برخی شرایط با رشد جزئی نیز همراه بوده است که عمدتاً مقطعی و گذراست.

میزان تولید پيله ابريشم در کشورهای صنعتی مثل ژاپن، برزیل و کره کاهش یافته، در حالی که کشور هند ضمن حفظ سقف تولید قبلی، افزایش تولید نیز داشته است و توانسته تولید خود را از ۲۱۵۳۸ تن در سال ۱۹۹۶ به ۷۷۰۰۰ تن در سال ۲۰۰۶ افزایش دهد. از دلایل عمده کاهش تولید پيله ابريشم طی نیمه دوم قرن بیستم در کشورهای صنعتی جهان، می توان به کارگر طلب بودن فعالیت های پرورش کرم ابريشم، وجود محدودیت زمین، سهم پایین سود حاصل از مرحله تولید پيله و امکان بهره گیری بیشتر از سایر فعالیت های کشاورزی در مقایسه با آن و به تبع آن توجه این کشورها بر روی ارزش افزوده فراوان بخش صنعتی این فعالیت شامل ابريشم کشی، بافندگی پارچه های ابريشمی و بهره گیری از زمینه های جدید استفاده از ابريشم اشاره کرد.

کشور چین که در سال ۱۹۹۶، سومین تولیدکننده پيله ابريشم بوده، تولید خود را افزایش داده و مقام نخست را کسب نموده و توانسته است جایگاه خود را به عنوان بزرگترین تولیدکننده ابريشم خام طی نیم قرن گذشته ارتقاء دهد، لکن با حفظ این جایگاه، در طی چند سال اخیر همانند ژاپن و کره به دلیل رشد صنعتی، روند نزولی را در پیش گرفته است. امروزه تولیدکنندگان جدیدی از کشورهای در حال توسعه همچون فیلیپین، تایلند، ویتنام، ترکیه، ایران و غیره از آسیا؛ تانزانیا، غنا، آفریقای مرکزی، مصر، سودان، ماداگاسکار، نیجر، نیجریه، کنیا و زئیر از آفریقا؛ بلغارستان و رومانی از اروپا و برزیل از آمریکا به فهرست تولید و صادرکنندگان ابريشم خام و کالاهای ابريشمی جهان اضافه شده اند. اما به طور کلی ابريشم را باید یک محصول آسیایی نامید.

کشورهای پیشرفته و صنعتی دنیا نظیر ژاپن و کره، با توجه به منافع دراز مدت خود، سعی در انتقال تکنولوژی و شیوه های پیشرفته نوغانداری و اعطای کمک های فنی و مالی به کشورهای دیگر خصوصاً کشورهای آسیای جنوب شرقی دارند. کشورهای چین و هندوستان طی دهه های اخیر، گوی سبقت را از کشور ژاپن به عنوان یک تولیدکننده قدیمی ربوده اند. در واقع صنعتی شدن ژاپن که پیامد آن بالا رفتن هزینه کارگری است، سبب شد که تولید سنتی ابريشم در آن کشور غیر اقتصادی شود و با کاهش تعداد کشاورزان نوغاندار از سال ۱۹۸۷ به بعد، امروزه ژاپن در شمار واردکنندگان بزرگ ابريشم به شمار می آید. از بزرگترین صادرکنندگان ابريشم جهان می توان به کشورهای چین، رومانی، ایتالیا، آلمان و هند اشاره نمود.

امروزه کشور چین در تجارت جهانی ابريشم عهده دار نقشی تعیین کننده است. در حال حاضر بیش از ۸۰ درصد کل واردات ابريشم خام و نخ های ابريشمی جهان از سوی کشور چین تامین می شود. باید در نظر داشت سهم ابريشم خام در تجارت کلی انواع ابريشم کشور چین بطور دائم در حال کاهش است.

محصولات کشور هند به علت نامطلوب بودن کیفیت فراورده های ابريشمی، بیشتر مصرف داخلی داشته و تنها بخش کمی از آن به صورت پارچه، لباس و اجناس ابريشمی صادر می گردد. کشور هند هم کمبود ابريشم خام خود را از چین تأمین می نماید.

بزرگترین واردکنندگان ابريشم بترتيب کشورهای هند، ایتالیا، ژاپن و کره می‌باشند. هرچند ارزش وارداتی هند طی دوره مذکور افزایش یافته است لیکن کشورهای نظیر ایتالیا، ژاپن و کره با کاهش واردات روبرو بوده‌اند. کشورهای عمده تولیدکننده ابريشم نظیر چین، هند و ژاپن، مجموعاً قیمت واقعی ابريشم را تعیین می‌کنند. اثر تعیین‌کنندگی این کشورها به میزان مصرف داخلی و صادرات و واردات و ایجاد تنوع در کالاهای ابريشمی و برخی عوامل دیگر بستگی دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

- با توجه به مطالب پیش گفته، می‌توان نتیجه گرفت که در طول هزاران سال گذشته تکنولوژی تولیدپيله تغییر نیافته و ادامه فعالیت نوغانداری و تولید پيله تر و ابريشم وابسته به وجود نیروی کار فراوان و ارزان است. به همین علت در حال حاضر چین مقام اول تولید و صادرات تخم نوغان و پيله را داراست. در کشورهای دیگر جهان برای تولید محصولات متنوع از ابريشم، شامل انواع لباس و کالاهای مورد استفاده در تزیینات داخلی منازل رقابت زیادی وجود دارد و تقاضا برای این کالاها بسیار بالاست و بسته به مزیت‌های تولید، همکاریها و مقررات مشترکی بین کشورهای ذینفع به وجود آمده است.
- نوغانداری و تولید پيله در ایران، با توجه به انحصار مصرف ابريشم حاصل از فرایند در صنعت فرش، متأثر از نوسانات قیمت و وضعیت بازار جهانی فرش ابريشمی است، لذا از توان کافی جهت رقابت با سایر کشورها برخوردار نیست. ولیکن در زمینه تولید و صادرات تخم نوغان فعالیت‌های ارزنده ای توسط متخصصین و کارشناسان شرکت سهامی پرورش کرم ابريشم ایران صورت گرفته است که نیاز به حمایت دارد. با توجه به بالا بودن بهای تمام شده تخم نوغان، پيله، ابريشم و محصولات ابريشمی لازم است تا زمانی که قیمت این محصولات در مرز ایران کمتر از تولید داخلی است از محصولات داخلی حمایت به عمل آید تا بتدریج توان رقابت با محصولات مشابه خارجی حاصل شود. ممانعت از قاچاق و تبیین و رعایت قوانین مربوط به صادرات و واردات، حمایت دولت از صنعت نوغانداری و صنایع روستایی می‌تواند مقدمات ایجاد توان رقابت باشد.
- نوغانداری در کنار سایر فعالیت‌های کشاورزی، به عنوان یک کار جنبی مطرح است. بنابراین اصلاح دیدگاه متولیان امر در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. در صورت عدم حمایت دولت در خرید تضمینی پيله تر، عدم وجود مراکز متعدد خرید و عدم کشش بازار، این محصول به علت فساد پذیری سریع، بسیار آسیب‌پذیر است. همچنین با توجه به حجیم بودن پيله خشک، فضای زیادی برای انبار مورد نیاز است. لذا در بلندمدت، در صورت عدم کشش بازار، تولید مقرون به صرفه نیست و نیاز به حمایت وجود دارد.
- در زمینه استفاده از ابريشم نیز لازم است بسترهای مورد نیاز برای ایجاد تنوع در تولیدات ابريشمی فراهم شده و بازار مصرف ابريشم از انحصار فرش خارج شود. توسعه صنعت ابريشم در روستاها کمک بزرگی به رشد تولید خواهد داشت و پارچه بافی و تولید الیاف برای صنایع ابريشمی بایستی از اولویت برخوردار شود.
- نتایج این پژوهش نشان می‌دهد تقریباً تمامی نوغانداران در سال تنها یک نوبت در سال اقدام به تولید پيله تر می‌کنند. مسلماً شرایط فوق قابل مقایسه با کشورهای نظیر هند که به دلیل شرایط اقلیمی، قادر به چند

نوبت تولید پیله‌تر در سال هستند، نبوده و نباید انتظار درامدی معادل نوغانداران این کشورها برای کشاورزان ایرانی داشت. در این راستا لازمست فرهنگ‌سازی‌های لازم (هم بین کشاورزان و هم در بین مسئولین) صورت پذیرد که نوغانداری در ایران یک حرفه جنبی و کمکی برای اقتصاد خانوارهای روستایی است.

- نوغانداران به منظور افزایش عملکرد تولید پیله تمایل به خرید وسایلی چون توری، مابشی، مواد ضد عفونی، دستگاه کرک گیر و غیره دارند که در صورت توزیع وسیع و به موقع این وسائل از طریق شرکت‌های تعاونی و مراکزی چون تعاون روستایی، مرکز خدمات کشاورزی و غیره، سطح تولید نوغانداران افزایش خواهد یافت. همچنین ارائه خدمات آموزشی- ترویجی جهت متقاعد کردن سایر نوغانداران نیز ضروریست.
- اکثر نوغانداران تمایل به بیمه کردن فعالیت نوغانداری همانند سایر فعالیتهای دامپروری و تولید محصولات کشاورزی با پرداخت هزینه‌ای معقول دارند. بنابراین اهتمام جدی متولیان امر به این مساله، رضایت بیشتر کشاورزان را به همراه خواهد داشت. با در نظر گرفتن استانداردها و رویه‌های عملیاتی و فرایندهای مستند شده از مرحله اصلاح نژاد و تولید 3p تا تولید نخ ابریشم خام و اقدامات آموزشی و ترویجی برای بهبود این رویه‌ها، سرمایه گذاری اساسی در مباحث آموزشی و ترویجی درخصوص تفریح تخم نوغان و مراحل پرورش کرم ابریشم و... از جمله اموری است که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد.

منابع و مأخذ

۱. بی نام (۱۳۷۶)، وضعیت تعاونی‌های کرم ابریشم تحت پوشش وزارت تعاون، ماهنامه تعاون، شماره مسلسل ۱۶۱، شهریور ۷۶-تهران.
۲. بیژن نیا، ع. ر. و ع. ر. صیداوی (۱۳۸۳). جایگاه نوغانداری در ایران و جهان: پیشینه و وضعیت کنونی. ماهنامه سنبله. شماره ۱۳۶.
۳. پورحسین، م و ع، ر، صیداوی و س. ح. حسینی مقدم (۱۳۸۲). بررسی وضعیت و کیفیت پرورش کرم ابریشم در مناطق مختلف ایران. مرکز تحقیقات ابریشم ایران.
۴. جوانشیر، ک (۱۳۷۴). توت برای ابریشم و ابریشم‌های بدون توت. انتشارات دانشگاه تهران.
۵. حسینی، س. ع و ف. علی حسینی (۱۳۸۰). مطالعه جامع وضعیت ابریشم ایران و شناسایی معضلات و مشکلات تولید و مصرف آن. وزارت جهاد کشاورزی، مرکز تحقیقات فرش دستباف.
۶. حسینی کیا، سید تقی (۱۳۸۱)، در نقش مدیریت بازاریابی در افزایش صادرات فروش دستبافت ایران به بازارهای جهانی و ارایه مدل تحلیلی بازاریابی « ماهنامه تخصصی بازاریابی، شماره ۱۵، صفحه ۱۹-۱۶
۷. حیدرزاده، کامبیز (۱۳۸۱) در تحقیقات بازاریابی، پیش نیاز طرح ریزی پیشرفته کیفیت محصول (APQP) ماهنامه تخصصی بازاریابی شماره ۱۶ صفحه ۳۰-۲۷
۸. دنیا دیده، علی (۱۳۷۷)، « بررسی عوامل موثر بر صادرات غیر نفتی: مطالعه موردی پسته، خرما و کشمش، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۶، بهار ۱۳۷۷ صفحه ۸۳-۱۸۰
۹. روستا، الف، (۱۳۷۵) بازاریابی، تهران، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی
۱۰. حسینی مقدم، س. ح. (۱۳۸۲). اصول پرورش کرم ابریشم. انتشارات دانشگاه گیلان.
۱۱. دریجانی، علی و سید کاظم صدر، (۱۳۸۲). " تدوین الگوی نظری ارزیابی رفتار اقتصادی صنعت پيله کرم ابریشم ایران در چارچوب بازارهای مرتبط "
۱۲. سلطان زاده، حسین (۱۳۸۰)، «بازارهای ایرانی»، دفتر پژوهشهای فرهنگی، تهران.
۱۳. شبیریان، محمد علی، پرورش کرم ابریشم از سری کتابهای فائو، ۱۳۷۳
۱۴. شگری، احسان (۱۳۷۶). صنایع تولید ابریشم و اثرات اقتصادی-اجتماعی آن در منطقه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اداری.
۱۵. صابری، رضا (۱۳۷۴)، مطالعه مردم شناسی، فرهنگی و اقتصادی نوغانداری شهرستان مینودشت، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.
۱۶. صندوق مطالعاتی توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم ایران (۱۳۶۷)، امکانات توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم کشور، وزارت کشاورزی - معاونت امور واحدهای تولید و کشت و صنعت‌ها.
۱۷. صندوق مطالعاتی توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم ایران (۱۳۶۹)، امکانات توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم کشور، وزارت کشاورزی - معاونت امور واحدهای تولید و کشت و صنعت‌ها.

۱۸. صندوق مطالعاتی توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم ایران (۱۳۶۹)، بررسی خصوصیات کرم ابریشم و نحوه پروری آن، وزارت کشاورزی - معاونت امور واحدهای تولید و کشت و صنعت‌ها.
۱۹. صندوق مطالعاتی توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم ایران (۱۳۶۹)، پیشینه و اهمیت اجتماعی و اقتصادی ابریشم، وزارت کشاورزی - معاونت امور واحدهای تولید و کشت و صنعت‌ها.
۲۰. صندوق مطالعاتی توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم ایران (۱۳۷۰)، گزارش فعالیت نوغانداری در ایران، مشهد، وزارت کشاورزی - معاونت امور واحدهای تولید و کشت و صنعت‌ها.
۲۱. مجلل، محمد رضا (۱۳۷۶)، بررسی وارزیابی ملی سرمایه گذاری در صنعت نوغان. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم اداری.
۲۲. مرکز تحقیقات فرش دستباف ایران (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات اولین سمینار فرش دستباف ایران، جلد ۱ و ۲.
۲۳. مرکز تحقیقات فرش دستباف ایران (۱۳۸۶)، مجموعه مقالات دومین سمینار فرش دستباف ایران.
۲۴. مظفری، سیامک (۱۳۷۲). ارزیابی اقتصادی توسعه پرورش کرم ابریشم در شهرستان قائم شهر (مازندران)
۲۵. مهندسین مشاور نشتاک (۱۳۷۱)، مشخصات کرم ابریشم، مطالعات طرح توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم، منطقه ۲، جلد ۴.
۲۶. مهندسین مشاور نشتاک (۱۳۷۱)، وضع موجود نوغانداری، مطالعات طرح توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم، منطقه ۲، جلد ۴.
۲۷. مهندسین مشاور نشتاک (۱۳۷۱)، وضع نوغانداری و تولید ابریشم، مطالعات طرح توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم، منطقه ۲، جلد ۴.
۲۸. مهندسین مشاور ویسان (۱۳۷۱)، وضعیت نوغانداری، مطالعات طرح توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم، منطقه ۳، جلد ۱.
۲۹. مهندسین مشاور ویسان (۱۳۷۱)، وضع موجود نوغانداری، مطالعات طرح توسعه نوغانداری و صنایع ابریشم، منطقه ۳، جلد ۱.
۳۰. نوروزی، ع. (۱۳۸۱). بازار محصول پیله ابریشم استان گیلان. سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان گیلان.
۳۱. هراتی خلیل آبادی، ج. (۱۳۸۲). بررسی جایگاه فرش دستباف در توسعه اقتصادی کشور و دلایل کاهش سهم صادرات جهانی فرش ایران. مجموعه مقالات اولین سمینار ملی تحقیقات فرش دستباف. تهران.
۳۲. ف، لافون - ه. ل. رابینو (۱۳۷۲)، صنعت نوغان در ایران، ترجمه و تدوین، جعفر خمایی زاده، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی - تهران.

33. Anonymous. 1967. sericulture, the japan silk Association, 129p.

34. Anonymous. 1992. Proceeding of the expert group meeting on Post - Cocoon Operation. Manila: 26-29 october.

35. Anonymous. 1993. Principle and Techniques of silkworm Breedig, economic and social commission for Asia and Pacific.

36. Anonymous. 1996. country report on sericulture, national sericulture and entomology research institute rural development administration, korea International cooperation agency, 157p.

37. Anonymous.1998. The practices of egg production, silkworm rearing and disease control. Development of sericulture and entomology, Seol National University Press. 244p.
38. FAO. 2002.Principle and practices in Sericulture.
39. Kerutagi, M.G., Murthy, H.G.S. and Patil G.M. 1994.Problems of sericulture enterprises in Bijapour District(Ab). National Bank News Review BOMBAY, 10(3).
40. Kilmer,R.L.(1978),Economic efficiency in Agriculture and Food Marketing.
41. Kahlon,A.S.and B.Singh. (1968),Marketing of Groundnut in the panjab P.A.V.Press. India.
42. Lyon,C.C.and G.D,Thompson.(1993),Alternative Marketing Margin Models. Amer.J.Agri.Econ.75:523-536.
43. Marshal, P.J. and Jung, W.S.(1985) “ Exports Growth and causality in developing countries” , Journal of Develoment Economics, 18: 1-12
44. Master, W.A and Winter - Nelson. (1995),Measuring the Comparatines Advantage of Agricultural Activities: Domestic resource cost and the Social Cost 45- Benefit Ratio,Amer,J.Agir.Econ 47:243-250.
45. Lim. J.S. 2002. Development in the world sericulture industry: Lesson and challenges for developing countries. 19th ISI Conference proceeding. Tailand.
46. www.silk-road.com